

ستبران ۹

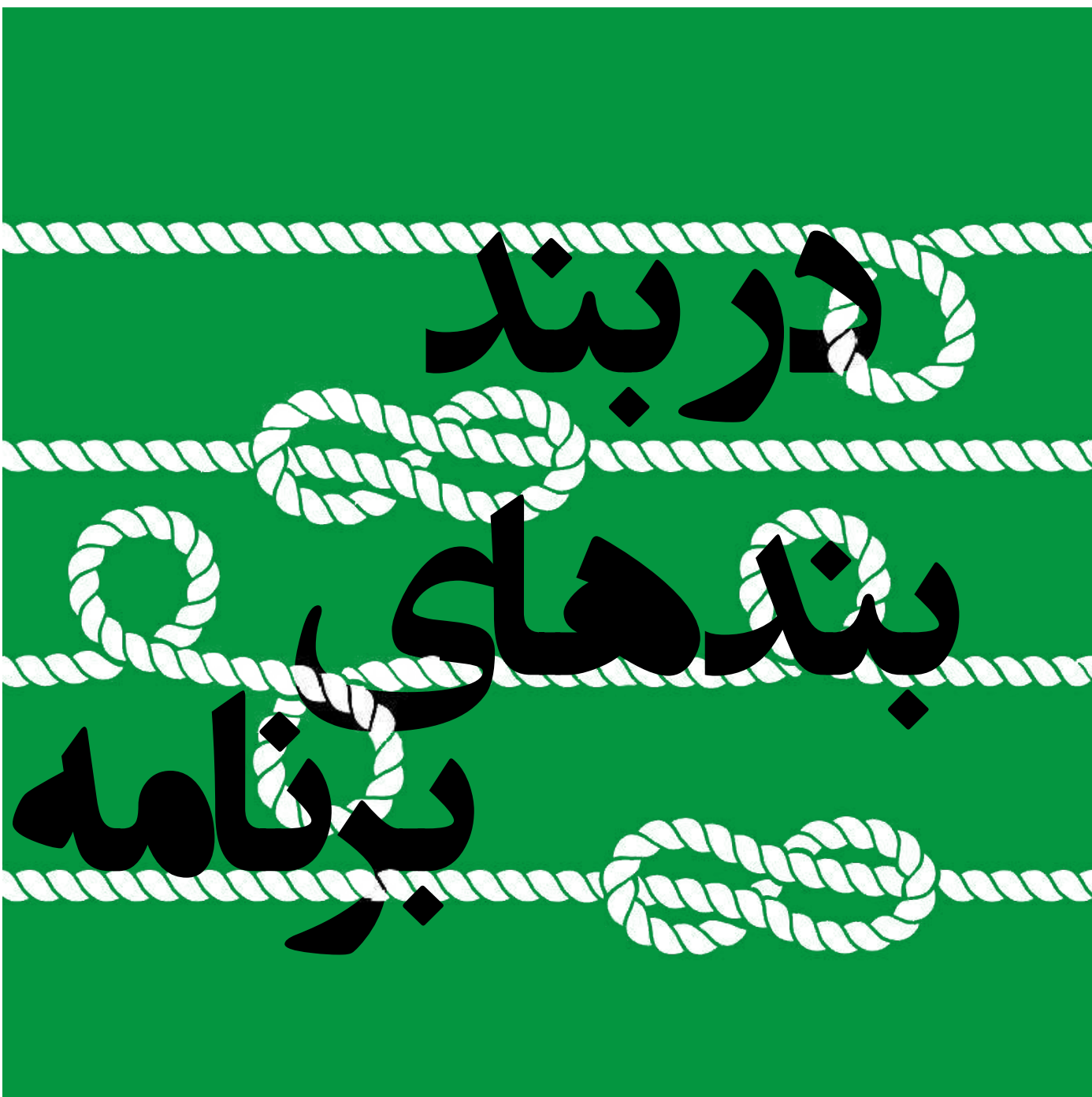
(۱۳۰)

نشریه سراسری سندیکای صنعت برق ایران
تابستان ۱۴۰۱، دوره جدید، شماره نهم (۱۳٪ از سری متوالی)
قیمت: ۲۵۰۰۰ تومان

• تکرار رتبه A+ برای سندیکا

میزگرد ویژه:
دغدغه‌های برقی
برنامه هفتم توسعه

• ردپای کم رنگ برق در برنامه هفتم
• نگاهی به اولویت‌های صنعت برق در برنامه هفتم



Peyma Bargh Co.

EPC Contractor
in power & energy sector

www.peymabargh.com
info@peymabargh.com



پیمابرگ (سهامی خاص)

طراحی، مهندسی، تأمین کالا و احداث نیروگاهها
خطوط انتقال پست ها، شبکه های فیبر نوری و توزیع نیرو

قریب ربع قرن فعالیت مستمر شرکت پیمابرگ (از سال ۱۳۷۰) گواهی است بر توانایی و ظرفیت های عظیم این مجموعه در اجرای طرح های EPC عمرانی در صنایع برق، مخابرات و ساختمان که با یاری پروردگار و اتکاء به نیروی انسانی مجرب و گنجینه ای از سوابق و تجربیات ارزشمند فنی و اجرایی حاصل گردیده است.

مأموریت ما، در پیمابرگ تحویل به موقع و با کیفیت پروژه های عمرانی در صنایع مادر و جلب رضایت کارفرمایان و مدیران طرح ها می باشد و در این راستا با تجدید نظر در نظام حاکمیتی شرکتی و معماری داخلی سازمان توانسته ایم ضمن بروزرسانی بانک دانش و تجربه نسبت به خلق ایده های جدید و نوآورانه و کسب بالاترین استاندارد اجرایی اقدام نماییم.



انجمن مهندسان مشاور خدمات فنی و مهندسی ایران

Peyma Bargh provides integrated electrical power services for customers. Our broad range of energy infrastructure service solutions allows us to engineer, commission, test and manage a variety of electrical projects.

The full spectrum of electrical services also include installation, wiring, maintenance, repairs, Peyma Bargh values the opportunity to safety and efficiently bring electrical services to our clients. We will work to find the right service to meet our clients' project's needs. Our diverse team of engineers, technologist electricians, project managers, industry experts and their 28 years of combined experience allow our clients and us to stand by the work we create together. Operating honestly and ethically is quite simply how we do business. We maintain open communication with all clients and pride ourselves on our customer-oriented approach to our work.



نشانی: تهران، خیابان شریعتی، پایین تر از پل صدر، شماره ۱۶۵۷
تلفکس: ۵۲-۲۲۶۱۹۳۵۰ (۰۲۱) صندوق پستی: ۱۹۳۹۵-۱۹۸۵



RELAY MODULES & SOLID-STATE RELAYS

انواع رله های کمکی



POWER SUPPLIES

منابع تغذیه



TOOLS

ابزار



LIGHTNING & SURGE PROTECTION

برقگیر



ویستا تجهیز تامین کننده تمامی محصولات واید مولر

✉ INFO@VISTATKB.COM

🌐 VISTATKB.COM

ویستا تجهیز کیش بنیان

۰۲۱-۹۱۰۷۰۰۵۸ (۱۰ خط)

گروه صنعتی
ایران ترانسفو



www.iran-transfo.com



www.itc-co.com



دفتر مرکزی: تهران، خیابان ملاصدرا، خیابان
شیروازی شمالی، خیابان حکیم اعظم، پلاک ۱۵
تلفن: ۰۲۱-۸۸۲۱۰۹۱۰-۱۳

تهران، خیابان سید جمال‌الدین اسدآبادی،
خیابان سوم (شهید امیر جهانبخش)، پلاک ۲۳،
شرکت بازرگانی ایران ترانسفو
تلفن: ۰۲۱-۴۲۸۷۸

● انواع ترانسفورماتورهای فوق توزیع و قدرت

● انواع ترانسفورماتورهای توزیع روغنی (کنسرواتوری و هرمتیک) و خشک رزینی

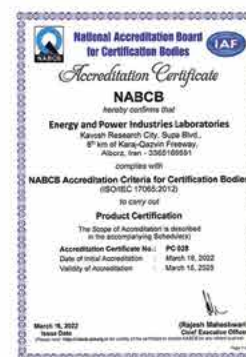
● انواع پست های پیش ساخته و تابلوهای برق

شرکت دانش بنیان اپیل



ISO IEC 17065 accredited CB
PC 028

ISO IEC 17025 accredited Lab
AAC.T.00289



تنها نهاد دانش بنیان صادر کننده گواهینامه
محصول (قابل ردیابی از IAF)
ISO IEC 17065 Accredited CB

- گواهینامه SIL
- گواهینامه ضد انفجار Ex
- گواهینامه COC و ممیزی خط تولید



تحت حمایت صندوق نوآوری و شکوفایی

از این پس مشتریان اپیل میتوانند علاوه بر دریافت **Test Report**، برای
محصول و خط تولید خود **Certificate** نیز دریافت نمایند.

- طراحی، تامین و اجرای سیستمهای مخابرات
فیبر نوری و سیستمهای اپتیک (AccessMux & SDH)
- طراحی، تامین و اجرای سیستمهای مخابراتی PLC
انالوگ و دیجیتال
- طراحی، تامین و اجرای سیستمهای اسکادا
(RTU) و مراکز دیسپاچینگ
- تامین و تولید تجهیزات پسیو فیبر نوری و
تابلوهای مخابراتی و تابلوهای LV
- ارائه خدمات تعمیر و نگهداری سیستمهای
مخابراتی و دیسپاچینگ

ABB

Alcatel-Lucent

SEL SCHWEITZER
ENGINEERING
LABORATORIES

Loop
Telecom



BGS

www.bgscsco.ir

Barsam Global Systems Co.

Tel: +98 (21) 4611 8006

Fax: +98 (21) 4611 8007

Zip Code: 1478738129

Unit 12NO.43 Abshenasan Hwy

Shahrn Sqr., Tehran, IRAN

Web: WWW.BGSCCO.IR

TelesCADADA

جهت کسب اطلاعات بیشتر با واحد صدور گواهینامه آزمایشگاه صنایع انرژی تماس حاصل نمایید.

Instagram: @epil_co | Info@eepil.com | www.epil.ir | تلفن: ۶۱۹۷۱ | LinkedIn: epil-ir

شماره واتساپ: ۰۹۹۲۵۳۲۱۴۷۱ | واحد تست و بازرسی: ۰۹۱۰۹۱۰۴۳۴۲ | واحد فروش و CRM: ۰۹۱۰۹۱۰۵۳۵۲

- 7" TFT - Touch Screen
- Resolution: 1024 x 600
- Refresh Rate: 60 Hz
- LCD Size: 4.8" x 6.5" (H x W)
- 1 x Ethernet Port

HMI



- 8 Digital Input
- Up to 4 Digital Output
- 4 Current Input
- 3 Voltage Input
- MODBUS, DNP3
- 3.5" TFT Color RGB 65k
- 96 x 96 x 89 mm (W x H x D)
- 1 x RS485
- 1 x RS232
- 1 x USB
- 1 x SD

IED



Rack Mount RTU

- Up to 90 Digital and Analogue I/O
- MODBUS, DNP3, IEC60870-5-101, 103, 104
- Security: AES-128 / HMAC-256
- Optional User Friendly HMI
- Wide Range of Power Measurement
- User Friendly Softwares: Config, Test, Monitoring



Compact RTU

- Up to 34 Digital and Analogue I/O
- MODBUS, DNP3, IEC60870-5-101, 103, 104
- Security: AES-128 / HMAC-256
- Optional User Friendly HMI
- Wide Range of Power Measurement
- User Friendly Softwares: Config, Test, Monitoring

mini RTU

- 8 Digital Input
- 8 Digital Output
- MODBUS, DNP3
- Security: AES - 128 / HMAC - 256
- 1 RS232, 1 RS485
- 96 x 96 x 89 mm (W x H x D)



Azar Kelid
Engineering of
Electrical Inds.

دفتر مرکزی: تهران، خیابان شهید مطهری، خیابان میرعماد
کوچه یازدهم (پیمانی)، پلاک ۱۱، واحد ۱۰۷
تلفن: ۰۲۱ - ۸۸۱۷۵۵۰۳ - ۸۸۵۴۰۲۰۸
فکس: ۰۲۱ - ۸۸۱۷۵۴۹۳

Head Office: Unit 107, No. 11, Peymani Alley, Miremrad St.,
Motahar Ave., TEHRAN 1587747818 IRAN
Tel: +98 21 88540208 - 88175503
Fax: +98 21 88175493



www.azarkelid.com
contact@azarkelid.com



شرکت پارس سویچ
(سهامی عام)

PARS SWITCH CO.

Manufacturer of Medium & High Voltage
Circuit Breakers and Disconnecting Switches
سازنده کلید و سکسیونر فشار متوسط و قوی



بازدید ویژه وزیر محترم نیرو
جناب آقای مهندس محرابیان
از شرکت پارس سویچ
در تاریخ ۱۴۰۱/۰۳/۱۰



LTB 420 kV



VP4E 36kV



PDS 245 kV



سکسیونر گازی تابلویی مدل LBS -P
دستی / موتوری 24 kV

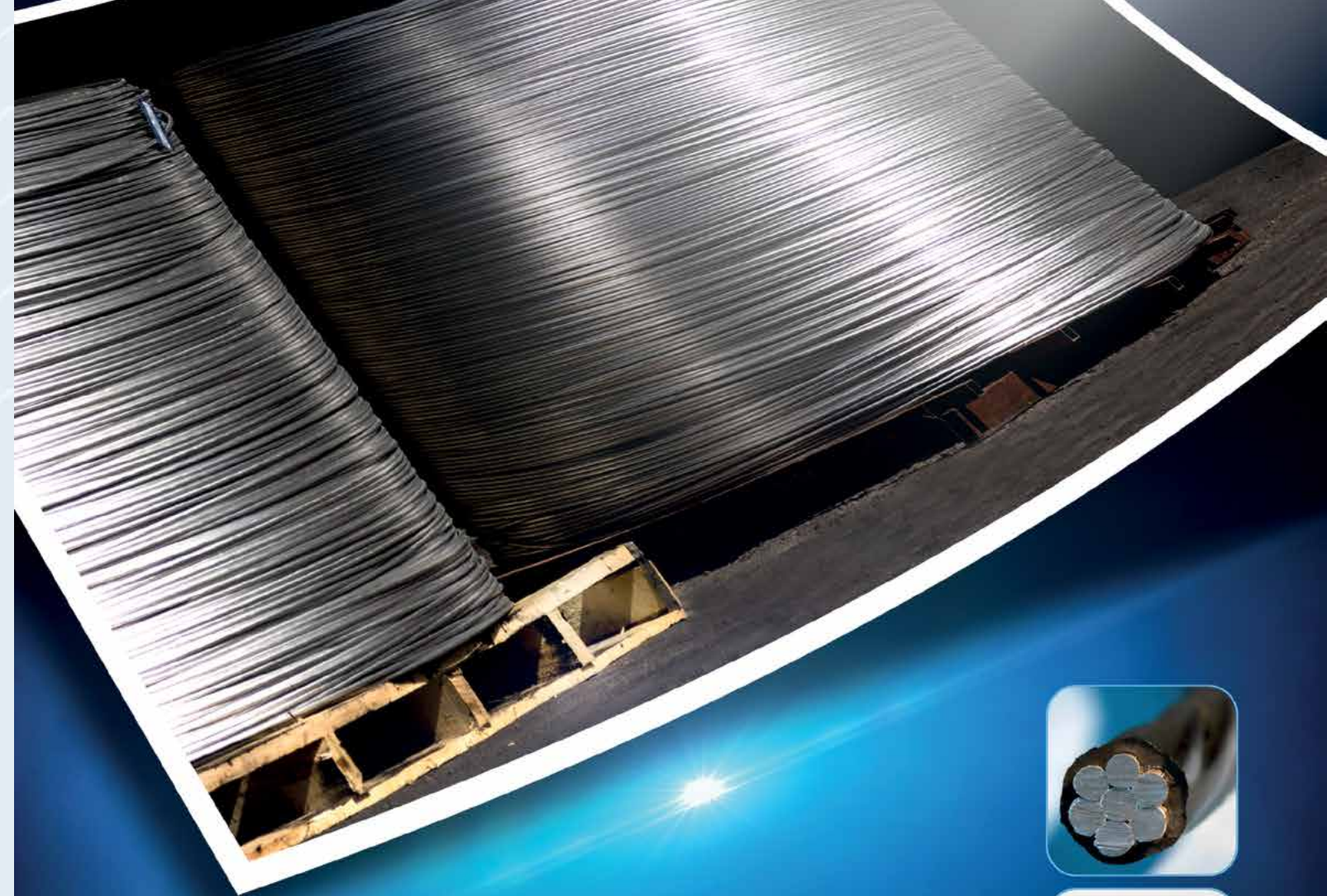


VP4E 24kV



تلفن فروش: ۰۲۴-۳۳۷۹۰۷۱۲-۱۶
فکس: ۰۲۴-۳۳۷۹۰۷۱۱

sales@parsswitch.com
www.parsswitch.com



Qom Alliage | قم آلیاژ

تولید کننده آلیاژ فلزات غیر آهنی
Non-Ferrous Alloys Manufacturing

- ♦ مفتول آلومینیوم خالص EC و مفتول آلومینیوم آلیاژی ۱۰۱ و ۶۱۰ و هادی های آلیاژی AAAC
- ♦ سیم آلومینیوم و هادی های هوایی بدون روکش و کابل
- ♦ آلیاژ های آلومینیوم ، آلیاژ های سرب ، آلیاژ های روی (زاماک) و سرب خالص
- ♦ نیمکره آلومینیومی بمنظور مصرف در صنایع فولاد
- ♦ انجام خدمات آزمایشگاهی



دفتر تهران: خ. آفریقا، بالاتر از خ. دستجردی، ک. بابک مرکزی، پلاک ۶
تلفن: ۰۲۱-۸۸۷۷۰۹۶۷ و ۰۲۱-۸۸۲۰۰۴۱۲-۱۳ نمابر: ۰۲۱-۸۸۷۹۸۲۹
سامانه ارتباط پیامکی با مشتریان: ۰۲۱-۳۰۰۰۷۲۲۷۰۰۸۸۷۷

شرکت صنعتی و مهندسی پالایش نیرو (پانیر)

سازنده انواع کلیدهای خلأ و سکسیونرهای
گازی فشار متوسط با برند FULMEN
سازنده انواع خازن، بانک های خازنی و رگولاتورهای
اصلاح ضریب توان با برند PANIR



FULMEN



www.Panir-co.com
Admin @Panir-co.com

- دارای تاییدیه از شرکت توانیر
- دارای گزارش آزمون نوعی (Type Test) از
- آزمایشگاه های بین المللی FGH آلمان و ICMET رومانی
- دارای رفرنس استفاده در پروژه های بزرگ کشوری نظیر:
- مجتمع فولاد قانات
- فرودگاه منطقه ویژه اقتصادی ماکو
- شرکت صنایع روی لوشان
- شرکت پتروپیشگامان ایساتیس
- شرکت ایران خودرو
- سازمان صدا و سیمای جمهوری اسلامی
- قرارگاه خاتم
- شرکت ملی مس
- شرکت پتروشیمی امیرکبیر
- نیروگاه برق حرارتی رامین اهواز
- اغلب پروژه های ملی اجرا شده توسط
- شرکت های برق منطقه ای کشور

تسهیلات مالی

نمونه سازی / فعالیت های قبل از تولید و تولید صنعتی / سرمایه در گردش / لیزینگ و استصناع / تست و آزمون

ضمانت نامه

شرکت در مناقصه و مزایده / حسن انجام کار / پیش پرداخت / حسن انجام تعهدات

سرمایه گذاری

سرمایه گذاری جسورانه در استارتاپ ها / مشارکت در طرح های فناورانه / هم سرمایه گذاری (سه جانبه با سایر نهاد های مالی)

☎ ۰۲۱ ۸۸۵۷۵۹۷۳ | ۸۸۳۶۶۵۸۱ | ۸۸۵۷۴۸۳۷
 📠 ۰۲۱ ۸۸۳۶۶۵۷۴
 @ info@energyfund.ir
 in energy-power-fund
 📷 powerandenergy.fund

**ویژه های شرکت های فناوری
و دانش بنیان
صنعت برق و انرژی کشور**

www.energyfund.ir

صندوق پژوهش و فناوری صنعت برق و انرژی



تهران، شهرک قدس (غرب)
انتهای بلوار شهید دامن، پژوهشگاه نیرو
ساختمان فناوری، طبقه ۳



با بیش از ۳۱ سال سابقه در تولید تجهیزات الکترونیکی

- ▶ UPS
- ▶ Battery & BMS
- ▶ Stabilizer
- ▶ Charger Rectifier



دفتر مرکزی: ۰۲۱-۷۶۲۵۰۸۱۸ فروش: ۰۲۱-۷۱۳۲۷
 خدمات مشتریان: ۰۲۱-۷۴۲۹۱ فکس: ۰۲۱-۷۶۲۵۰۸۲۸

www.farancorp.com



پارس دلتا
 Pars Delta Co.
www.pars-delta.com



- تولید انواع تابلوهای برق و پست های کمپکت تحت دانش فنی ABB
- تامین تجهیزات فشار ضعیف، فشار متوسط، فشار قوی و اتوماسیون ABB
- نماینده رسمی ترانس های قدرت GBE ایتالیا در انواع روغنی و خشک
- نماینده رسمی سکسیونرهای سخت کار هوایی و تابلویی Ivep چک



آدرس: تهران، بلوار مرداماد، خیابان آقازاده فرد (اطلسی)، پلاک ۲، طبقه ۳
 تلفکس: ۰۲۱) ۲۶۴۰۰۷۳۶-۸



♦ **مفتول**
مفتول ۸ میلیمتر UPCAST

♦ **افشان**
مفتول از قطر ۱/۳۸ تا ۴/۵۰ میلیمتر آنیل شده یا بدون آنیل
مفتول از قطر ۰/۳۵ تا ۱ میلیمتر آنیل شده یا بدون آنیل
مفتول از قطر ۰/۱۲ تا ۰/۳ میلیمتر آنیل شده یا بدون آنیل

♦ **بانچری**
محصول بانچ شده از مقطع ۰/۵ تا ۳۰۰ میلیمتر

♦ **استرنردی**
هادی استرنرد شده (کلاس ۲) با یا بدون آنیل از مقطع ۰/۵ تا ۵۰۰ میلیمتر

♦ **آلومینیوم آلیاژی**
آلومینیوم تک رشته آلیاژی (سری ۵۰۰۰) از قطر ۰/۱۲ الی ۴/۵ میلیمتر

قدرت ما بر پایه دانش ماست

تماس با ما: ۰۲۱۸۱۹۳۱۱۴۰
آدرس: تهران، خیابان خرمشهر، شماره ۶۴

تولیدکننده انواع کامپاند پلی اتیلن (PE)

آبیاری قطره ای



پوشش لوله های فولادی



لوله های پنج لایه
ساختمانی PEX, PERT



سیم و کابل



انواع کامپاند پایه پلی اتیلن (PE):

- قابل شبکه ای شدن برای عایق کابل های ولتاژ پایین و کابل های خودنگهدار (TIX5)
- روکش کابل های قدرت و عایق کابل های مخابراتی
- مقاوم در برابر آتش (HFFR) جهت عایق، روکش و بدینگ کابل های قدرت، کنترل و فیبر نوری
- قابل شبکه ای شدن مخصص لوله های پنج لایه ساختمانی (PEX-AL-PEX)
- پوشش لوله های فولادی خطوط انتقال نفت، گاز و آب
- لوله های آبیاری قطره ای



شرکت تولیدی گرانول قزوین
Ghazvin Granules Producing Co.
www.ggp.ir

قابل اعتماد و مسئولیت پذیر

تماس با ما: ۰۲۱۸۱۹۳۱۴۶۰
آدرس: تهران، خیابان خرمشهر، شماره ۶۴

تولیدکننده انواع کامپاند پی وی سی (PVC)

- جهت عایق کابل های ابزار دقیق، رانژه، کنترل، روکش کابل های مخابراتی، جوش و ساختمانی، روکش کابل های فشار قوی با مقاومت عایقی بالا، روکش های کم دود و ضد روغن، روکش و عایق ۱۰۵ درجه (مطابق با استانداردهای بین المللی و الزامات توانیر)
- انواع فیلر، بدینگ و مستریج (مطابق با استاندارد رال)
- صنایع خودرو سازی
- صنایع ساختمانی و درب و پنجره

مستریج و فیلر



درب و پنجره و لوازم خانگی



صنایع خودرو سازی



سیم و کابل



دارای تأییدیه توانیر
دارای تأییدیه از وزارت نفت



سکسیونر و سگشنالایزر گازی و خلا، هوایی
 Overhead Load Breaker Switch



اتوریکلوزر خلا، با عایق گاز یا جامد
 Recloser



آشکار ساز خطا هوایی با قابلیت ارسال SMS
 Overhead Fault Indicator With SMS



RTU
 Remote Terminal Unit (RTU)

تلفن تماس : ۰۲۱ - ۴۷۱۵۸۰۰۰

دفتر مرکزی: تهران - بلوار اشرفی اصفهانی - برج نکیس رضا - طبقه ۲۳ شمالی واحد ۲۳۰۱
 کارخانه: تهران - شهرک صنعتی شمس آباد - بلوار نارنجستان - گلبرگ ۸ پلاک ۱۸

www.ariankelid.ir



تولید کننده کلیدهای
فشار متوسط برق و RTU

دژنگتور خلا، فیکس اتصال از پشت
 Frontal Fixed Vacuum Circuit Breaker



سکسیونر گازی زمینی SF6
 SF6 Load Breaker Switch



دژنگتور خلا، فیکس اتصال از بغل
 Lateral Fixed Vacuum Circuit Breaker

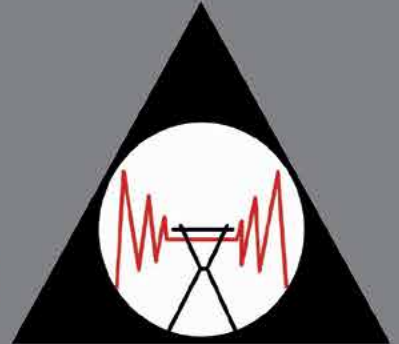


دژنگتور خلا، کشویی
 Withdrawable Vacuum Circuit Breaker



دانتربیان

مجموعه توانیر زمین



پارسیان توانیر سپهر
PARSIAN TAVANIR SEPEHR

خدمات و محصولات:

طراحی، مشاوره، ساخت، نصب و راه اندازی کلبه تابلوهای برق

MCC – MDP – CB – BMS – PLC – CONTROL

طراحی، مشاوره و اجرای کلبه تاسیسات برقی، اداری،

تجاری، صنعتی، مسکونی و اجرای پست های برق

تامین کلبه تجهیزات و لوازم برقی

دفتر مرکزی: تهران، بزرگ راه همت غرب به شرق،

خیابان شیراز جنوبی، کوچه یاس، پلاک ۶، طبقه سوم، واحد ۶

کارخانه: تهران، باکدشت، شهرک صنعتی عباس آباد، بلوار ابن سینا

+98 21 86051471-2

+98 912 2452 753

ptsc03@yahoo.com

برخی شرکای تجاری



ستبران ۹

نهمین شماره نشریه ستبران - ارگان رسمی سندیکای صنعت برق ایران - به بررسی دورنمای هفتمین برنامه توسعه پرداخته است. این برنامه که مهمترین و موثرترین قانون بالادستی کشور در حوزه اقتصاد محسوب می شود و قرار است چشم انداز، اهداف و ماموریت های حوزه های متعدد اقتصادی و صنعتی را طی پنج سال آینده برای کشور تعیین کند، در شرایطی تدوین می شود که سیاست های کلی آن از سوی رهبری ابلاغ شده و تدوین جزئیات آن در دستور کار سازمان برنامه و سایر نهادهای مرتبط قرار گرفته است.

اگرچه همچنان تحقق پذیری اندک برنامه های توسعه یکی از جدی ترین نقدهای مطرح شده است اما با این حال فعالان اقتصادی به ویژه در حوزه های زیرساختی نظیر برق نمی توانند نسبت به سیاست ها و اهداف تدوین شده در برنامه توسعه هفتم بی تفاوت باشند. از این رو علاوه بر تدوین پیشنهادات عملیاتی در قالب کمیسیون ها و معاونت های متعدد سندیکا، این موضوع در ستبران نیز به شکل گسترده و تفصیلی مورد بحث و بررسی قرار گرفته است.

بخش دیگری از این شماره نشریه ستبران هم به موضوع دانش بنیان ها اختصاص داده شده است. نام گذاری سال جاری با عنوان «تولید، دانش بنیان، اشتغال آفرین» به درستی نشان داد که یکی از مهمترین ابزارهای دستیابی به توسعه پایدار، اتکا به تولیدات دانش بنیان ساخت داخل است. بر همین اساس در این بخش به شکلی اجمالی مهمترین فرصت های پیش روی شرکت های دانش بنیان صنعت برق مطرح و چالش های آن ها بررسی شده است.

ستبران، ارگان سندیکای صنعت برق ایران، تلاش می کند به منظور معرفی پتانسیل های حقیقی بخش خصوصی صنعت برق، به ویژه در حوزه سازندگان، پیمانکاران، مشاوران و شرکت های مهندسی بازرگانی، تصویر روشنی از توانمندی های این بخش نشان دهد. به علاوه شناسایی و بررسی چالش ها و گلوگاه های صنعت با هدف طرح دیدگاه های مختلف و روشن کردن زوایای مختلف اقتصاد کلان و خرد کشور هم از جمله دیگر سیاست های این نشریه است.

صاحب امتیاز:
مدیر مسئول:
سردبیر:
شورای سیاست گذاری:

سندیکای صنعت برق ایران
غلامرضا ناصح
مهدی مسائلی

پیام باقری، محمد صادق جنان صفت، جعفر جولا، مسعود حجت، منصور سعیدی، سید علیرضا سیاسی راد، سعید مهذب ترابی

دبیر تحریریه:
تحریریه:
مدیر هنری:

طیبه السادات میرحسینی
سمیه کاظم زاده، زینب حدادی، پری شاکرین
علی چاشنی گیر

مدیر اجرایی:
سایت:
توزیع:
امور آگهی ها:
امور اداری:
لیتوگرافی، چاپ و صحافی:

بهارک باقرپور
طیبه السادات میرحسینی
سپیده گرجی
سمیرا کریمی
طیبه علی آبادی فراهانی
آیین چاپ تابان (شیرپاستوریزه، خیابان فتح پانزده، پلاک ۱۷ - تلفن: ۶۶۸۰۸۸۲۰)

نشانی:
تلفن:
فکس:
سایت:
ایمیل:

تهران، خیابان فاطمی غربی، خیابان سین دخت شمالی، پلاک ۱۵
۶۶۵۷۰۹۳۰-۶
۶۶۹۴۴۹۶۷
www.ieis.ir
setabran@ieis.ir

در این شماره می خوانید:

-
-
-
-
-
-

سرمقاله

گفتار در گلوگاه اجرا

۴

دورنمای یک قانون

پرونده

تیری که به هدف نمی خورد

۸

پیشنهادات سندیکا برای تدوین برنامه هفتم توسعه

۱۰

ردپای کمرنگ برق در برنامه هفتم

۱۶

دغدغه های برقی برنامه هفتم توسعه

۲۰

بایسته های راهبردی تدوین برنامه هفتم

۲۸

نگاهی به اولویت های صنعت برق در برنامه هفتم

۴۲

اتفاق تازه یا تکرار مکررات

۳۸

در بند بندهای برنامه توسعه

۴۰

صنعت برق در مسیر آینده

نگاه ویژه

توسعه فناوری های دانش بنیان در صنعت برق

۴۸

چشم انداز مبهم شرکت های دانش بنیان حوزه انرژی

۵۰

حال و هوای خاکستری دانش بنیان ها

۵۲

درباره سندیکا

تکرار رتبه A+ برای سندیکا

۵۸

حمایت از ساخت داخل، پیچیدگی ها و چالش ها

۶۴

سامانه کسب و کار خدمت نوین سندیکا

۶۶

برق در آینده دانش

مقالات

گستره شعاعی قرارداد

۷۰



گرفتار در گلوگاه اجرا

صنعت برق ایران یکی از صنایع پیشرو در حوزه ساخت داخل تجهیزات و خدمات فنی و مهندسی محسوب می‌شود و در طول بیش از چهار دهه پس از انقلاب در مسیری مثال زدنی توانست وابستگی قابل توجهش به محصولات و دانش خارجی را به یک ظرفیت بی‌نظیر برای ساخت داخل و دانش بومی تبدیل کند. به همین دلیل این صنعت یکی از اولین داعیه‌داران خودکفایی و پرچمداران صادرات تجهیزات و خدمات فنی و مهندسی است. ظرفیت برآمده از نیروی انسانی متخصص، دانش بومی و کارخانجات به روز، در مدتی نه چندان طولانی نیاز جدی کشور را به خارجی‌ها از بین برد و از آن پس صنعت برق اتکایی مثال‌زدنی به شرکت‌های عمدتاً خصوصی داخلی پیدا کرد. اگرچه مفاهیم کلیدی و سنتی خودکفایی در اوج‌گیری و جهش ناگهانی قیمت ارز تغییر پیدا کرد و تلاش شد که مفهوم علمی و درستی از خودکفایی به همراه تعیین روشن میزان ارزیابی تجهیزات صنعت برق ارائه شود، اما با این حال حتی این چالش هم نتوانست ناقض توانمندی‌ها و پتانسیل‌های صنعت برق در حوزه ساخت تجهیزات و تولید خدمات فنی و مهندسی باشد. در این میان صنعت برق ایران علیرغم ظرفیت غیرقابل انکار علمی و صنعتی‌اش، به دلیل مشکلات متعدد فضای کسب و کار صنعت برق به ویژه کمبود منابع مالی و انباشت مطالبات تا حدی تضعیف شده و همین امر پای این صنعت را برای همراهی با حرکت پرسرعت دنیا به سمت نوآوری، ایده‌پردازی‌های خلاقانه و دانش محور کردن تولید و خدمات، بسته است.

فراموش نکنیم که کشورهای توسعه‌یافته و صنایع زیرساختی و حیاتی بزرگ با شتابی چشمگیر به سمت تولید محصولات دانش‌بنیان و پیاده‌سازی ایده‌های خلاقانه در تولیدات خود حرکت می‌کنند. این مهم، اما مستلزم تامین منابع مالی برای تخصیص به حوزه‌های تحقیق و توسعه است.

به گواه تاریخ، حرکتی که آمریکا در سال‌های پس از پایان جنگ جهانی دوم به منظور افزایش بهره‌وری، تولید و نوآوری در صنعت خود آغاز کرد، بعدها به افزایش بودجه فدرال برای پژوهش‌های بنیادی در دانشگاه‌ها منجر شد. در حقیقت آن‌ها بر این باور بودند که وابستگی در حوزه پژوهش بنیادی حتی در شرایطی که مهارت‌های مکانیکی قابل توجهی دارند، آن‌ها را در رقابت جهانی ناتوان خواهد کرد. به همین دلیل بود که بنیاد ملی علوم به عنوان هماهنگ‌کننده بخش‌های گوناگون دولت، دانشگاه‌ها، بخش نظامی و صنعت در این کشور فعال و به واسطه آن بخشی منابع مالی دولت فدرال برای افزایش پژوهش و توسعه در دانشگاه و صنعت تخصیص داده شد. در قالب همین نظام سازمان یافته و با رشد شتابان اختصاص منابع مالی دولتی به پژوهش و توسعه و همچنین مشارکت بازیگران گوناگون نظام پژوهش و توسعه، ساختار طرح ایده‌های دانش‌محور در صنایع این کشور ایجاد شد. پس از آن و در زمانی که این پژوهش‌ها، روحیه جستجوگری علمی را در صنایع فعال کردند و به ایجاد نوعی دگرگونی به ویژه در موج دانش‌آموختگان مقاطع مختلف منجر شدند، صاحبان صنعت هم با صرف منابع مالی گسترده‌تر برای

حوزه پژوهش، به حفظ این گنجینه بزرگ، اما غیرمتمرکز کمک کردند. در نهایت آمریکا به کشوری تبدیل شد که در بسیاری از حوزه‌ها صاحب ایده‌های نو، تولیدات خلاقانه و محصولات ماندگاری شد. دقیقاً با اتکا به همین تجربه تاریخی ارزشمند، امروزه دانش بنیان‌ها به عنوان یکی از مهمترین ارکان توسعه پایدار در کشورها شناخته می‌شوند و عهده‌دار به روزآوری دانش در صنایع مختلف هستند. شاید با همین رویکرد سال ۱۴۰۱ به نام «تولید، دانش‌بنیان، اشتغال‌آفرین» نامگذاری شد تا زمینه برای تمرکز سیاست‌های کلان کشور بر توسعه دانش‌بنیان‌ها فراهم شود. در صنعت برق هم به عنوان یکی از صنایع Hi Tech این موضوع از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

بر این اساس تمرکز بر حمایت عقلایی، منطقی و هوشمندانه از شرکت‌ها و محصولات دانش‌بنیان، کمک به تجاری‌سازی محصولات و همچنین جایگزینی آن‌ها به جای کالاهایی با تکنولوژی قدیمی‌تر منطقی‌اً باید مهمترین نتایج حمایت از دانش‌بنیان‌های صنعت برق باشد. هر چند به نظر می‌رسد علیرغم سیاستگذاری‌های متعدد و پیش‌بینی بسته‌های حمایتی مختلف برای فعالان این بخش، هنوز هم آن‌ها با چالش‌های متعددی در حوزه تخصیص تسهیلات، اخذ مجوزها و حتی فروش محصولات خود مواجه هستند. این موضوع البته بیش از هر چیز ناشی از عدم اجرای صحیح، فراگیر و دقیق قوانین مصوب در کشور است.

مرور تجربه ایران در اجرای برنامه‌های توسعه پنج ساله، به خوبی موید اجرای ضعیف قوانین است. بر اساس برآورد مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی میانگین اجرایی شدن برنامه‌های توسعه ۵ سال طی شش برنامه گذشته کمی بیشتر از ۲۵ درصد بوده است. حالا که همه بخش‌های اجرایی و استراتژیک کشور درگیر تدوین برنامه هفتم توسعه هستند، پیش از آنکه نگران بندها و محتوای این قانون باشیم، باید دغدغه اجرایی شدن آن را داشته باشیم.

روند نادرست برنامه نویسی در ایران وقتی در قالب یک برنامه توسعه بلندمدت خود را نشان می‌دهد و در اجرا هم به بن‌بست می‌رسد، ابعاد خسارت بار بیشتری به ویژه برای اقتصاد کشور دارد. در محتواسازی برنامه‌های بالادستی نظیر برنامه توسعه پنج ساله هم البته مسائل بحران‌ساز بسیاری وجود دارد که کلیدی‌ترین آن تدوین قوانین برای انجام تکالیف محوله است نه روشن کردن مسیر و اهداف اقتصاد کشور در طول پنج سال آتی.

تأثیرات این رویکرد در تعیین محورها، پیش‌بینی چشم‌انداز و تدوین اهداف چنان عمیق است که در نهایت دستگاه اجرایی را به این باور می‌رساند که چنین برنامه‌ای نه قابل اجرا است و نه در پیاده‌سازی به ارقام پیش‌بینی شده می‌رسد؛ بنابراین آنچه که در خصوص برنامه هفتم و یا قوانین و بسته‌های حمایتی برای حوزه‌های خاص از جمله دانش‌بنیان‌ها باید مورد توجه قرار گیرد، تدوین محتوای منطقی، قابل اجرا و متناسب با ظرفیت‌های کشور است. به علاوه دستگاه‌های اجرایی باید به شکلی قانون‌مدار و قابل رصد مکلف به پیاده‌سازی و اجرای این قوانین باشند و در نهایت قوه مقننه از جایگاه عالی نظارتی خود برای پیگیری نتایج و ارزیابی روند اجرای هر یک از این قوانین به درستی بهره بگیرد. چنین پروسه‌ای قطعاً به تدوین قوانین موثر، اجرای کارآمد و نتایج قابل قبول در کشور منجر خواهد شد. در غیر این صورت ما در یک چرخه معیوب گرفتار تدوین برنامه‌ها و قوانینی خواهیم بود که در نهایت سرنوشت مشترکشان، خاک خوردن در بایگانی‌هاست ■

دورنمای

یک قانون

ابلاغ سیاست‌های کلی برنامه هفتم از سوی رهبر انقلاب و قرار گرفتن تدوین جزئیات این برنامه در دستور کار دستگاه‌های دولتی و نهادهای ذیربط، دوباره تب مشارکت در تدوین این برنامه را در بخش خصوصی به اوج رسانده است.

قطعا مشارکت بخش خصوصی به ویژه از مسیر اتاق‌های بازرگانی در مرحله تدوین این سند، می‌تواند در تدوین یک برنامه عملیاتی و کارآمد، گامی رو به جلو باشد. با این حال همچنان تجربه ایران در تحقق پذیری اندک برنامه‌های توسعه، نبود نظارت دقیق و عدم رصد بهنگام و موثر عملکرد دستگاه‌های اجرایی در اجرای قانون برنامه، مهمترین نقاط ضعفی است که طی سال‌ها، اثربخشی شش برنامه گذشته را به شدت کاهش داده و عملا دستگاه‌های اجرایی را به عدم تعهد و بی توجهی به مفاد این برنامه عادت داده است.

در پرونده «دورنمای یک قانون» ابعاد و زوایای متعدد سیاست‌های کلی برنامه هفتم، سهم برق در ایران برنامه، الزامات جدی توسعه برق طی پنج سال آینده و آسیب‌شناسی شش برنامه گذشته توسعه به ویژه در حوزه برق، مهمترین محورهای پرونده اصلی این شماره نشریه ستبران هستند.



تیری که به هدف نمی‌خورد



پیام باقری | رئیس هیات مدیره سندیکای صنعت برق ایران

اهمیت و جایگاه برنامه‌ریزی در توسعه پایدار کشورها امری پذیرفته شده است و در ایران هم سابقه‌ای دیرینه دارد. با نگاهی به تجارب کشورهای توسعه یافته می‌توان دریافت که هرگونه پیشرفت در گرو برنامه‌ریزی مبتنی بر ظرفیت‌هاست و درست به همین دلیل برنامه‌ریزی در این دسته از کشورها که عمدتاً عملکرد قابل توجهی در نظام اقتصادی خود دارند، بسیار دقیق و با اتکا به نقاط قوت و توانمندی آن‌ها انجام می‌شود که علاوه بر شناسایی و ایجاد ساختارهایی به منظور پوشش نقاط ضعف، بهره‌گیری از فرصت‌های پیش رو را هدفگذاری کرده و بستر قانونی، ابزار و منابع مورد نیاز برای دسترسی به این هدف را نیز فراهم می‌کند.

کشور ما، اما علیرغم سابقه دیرینه برنامه‌ریزی‌های اقتصادی دچار نوعی برنامه‌زدگی شده، به این معنا که برنامه‌های بلندمدت اقتصادی از کارکرد لازم در عمل به سیاست‌های کلان و دستیابی به هدفگذاری‌های بلندمدت اقتصادی برخوردار نیستند لذا اینکه تکلیف به لحاظ نگارش برنامه ادا شده باشد، کفایت می‌کند صرف‌نظر از اینکه چه میزان اجرایی باشد و همین رویکرد، درصد تحقق برنامه‌های توسعه‌ای را کاهش داده به شکلی که در غالب موارد کارنامه قابل قبولی در این حوزه مشاهده نمی‌شود چرا که این برنامه‌ها در مقام اجرا فاقد ابزارها و فرآیندهای لازم جهت پیاده‌سازی موثر و دستیابی به اهداف پیش‌بینی شده هستند، ضمن اینکه میزان

تحقق‌پذیری آن‌ها هم همواره در حاله‌ای از ابهام بوده است. نگاهی به سابقه برنامه‌های توسعه‌ای کشور و ارزیابی‌های انجام شده توسط برخی نهادهای ذیصلاح موید این مطلب است که درصد تحقق برنامه‌ها در هیچ دوره‌ای، مطابق با انتظارات نبوده است. در نتیجه در گام اول ضروری است که فرآیند برنامه‌نویسی در کشور تغییر کرده و برنامه‌های بلندمدت اقتصادی بر مبنای تامين الزامات و نیازهای بنیادین برای توسعه تدوین شوند. به هر حال باید پذیرفت که برنامه‌های مبتنی بر اقتصاد دستوری و قیمت‌های تکلیفی و یارانه‌ای، نمی‌تواند اقتصاد را به سمت توسعه پایدار سوق دهد. اگر قرار باشد برنامه هفتم توسعه قابلیت اجرا و پیاده‌سازی داشته باشد و روند رشد اقتصادی کشور را سرعت ببخشد، تغییر رویکرد در تدوین آن لازم است.

در عین حال تنظیم چنین سندی مستلزم اخذ نقطه نظرات کلیه ذی‌نفعان و دست‌اندرکاران است که از جامعیت و فراگیری لازم برخوردار باشند در غیر این صورت میزان اثرگذاری برنامه‌های توسعه‌ای با کاهش مواجه شده و عدم تعهد دستگاه‌های اجرایی به برنامه را به دنبال دارد. در واقع عمده دستگاه‌های مجری که مسئول و موظف به اجرای برنامه هستند، یا ابزارها و منابع لازم را در اختیار ندارند یا اینکه اهتمامی در جهت اجرای برنامه نمی‌ورزند چرا که اجرای برنامه به طور مستمر رصد نمی‌شود و ارزیابی میزان تحقق‌پذیری آن معمولاً در زمان مناسب و موثری صورت نمی‌گیرد و عموماً سنجش سطح تحقق‌پذیری برنامه‌های توسعه پس از پایان دوره اجرای آن انجام می‌پذیرد که عملاً تأثیری در بهبود اجرای آن ندارد.

عدم ارزیابی به موقع یک برنامه در فرآیند اجرای آن، امکان تشخیص میزان پیشروی و نیز بررسی عملکرد دستگاه ذیربط در حوزه انجام تعهدات در قبال برنامه را سلب نموده و تلاش‌ها را برای اجرایی کردن برنامه بی‌نتیجه باقی می‌گذارد لذا یک برنامه موثر علاوه بر اینکه به ساختارهایی استاندارد و قابل اجرا نیاز دارد لازم است قابلیت پایش و رصد بهنگام را نیز داشته و از یک بستر مناسب و تعریف شده جهت نظارت بر عملکرد دستگاه‌های مجری برخوردار باشد.

آنچه ضرورت دارد در خصوص برنامه‌های توسعه‌ای مد نظر قرار گیرد، ارزیابی دقیق، واقع‌گرایانه و شفاف منابع موجود در کشور و برنامه‌ریزی متناسب با این منابع است. در حال حاضر به نظر می‌رسد هدفگذاری‌ها همخوانی لازم را با منابع موجود ندارند و منابع به شکل منطبق با ظرفیت‌های حوزه‌های مختلف تخصیص داده نمی‌شوند که همین امر

عدم تحقق برنامه‌ها در قیاس با اهداف مورد انتظار را در پی دارد و در تخصیص منابع موجود به گونه‌ای عمل می‌شود که بخش‌هایی از اهداف پیش‌بینی شده به تعویق می‌افتند. این در حالی است که کشور در تمام حوزه‌ها به طور متوازن نیازمند توسعه است اما به دلیل کمبود منابع مالی این امکان فراهم نمی‌شود و این شرایط محصول نسخه‌پیچی بخشی‌نگر در برنامه‌کلان اقتصاد کشور است که منجر به توزیع نامتعادل منابع منجر می‌گردد. تدوین برنامه‌های توسعه پنج ساله، بی‌تردید نیازمند ساختار جامع، فرایندهای عملیاتی، همفکری و مشارکت همه بازیگران و ذینفعان این حوزه بوده و نگارش آن حضور نمایندگان همه بخش‌های اثرگذار را طلب می‌نماید. نهایتاً استقرار یک برنامه منسجم مبتنی بر ظرفیت‌های کشور از یک طرف منجر به توسعه اقتصادی و بهبود شاخص‌های کسب و کار شده و از سوی دیگر به لحاظ کیفی توسعه پایدار و خلق ثروت را به ارمغان آورده و آثار و دستاوردهای بسیار مثبتی را برای کشور و آحاد مردم به دنبال خواهد داشت.

تدوین برنامه‌های توسعه پنج ساله، بی‌تردید نیازمند ساختار جامع، فرایندهای عملیاتی، همفکری و مشارکت همه بازیگران و ذینفعان این حوزه بوده و نگارش آن حضور نمایندگان همه بخش‌های اثرگذار را طلب می‌نماید.

شایان ذکر اینکه آنچه لازم فرآیند برنامه‌نویسی است، نظارت بر اجرا و پایش برنامه پس از پیاده‌سازی است. بررسی مستمر و دقیق عملکرد دستگاه‌های اجرایی و عارضه‌یابی دلایل عدم توفیق درکسب نتایج مورد انتظار در افزایش سطح اثرگذاری برنامه و بهبود شاخص‌های اقتصادی تأثیری بسزا دارد. رصد برنامه‌های کشور به صورت دوره‌ای و مستمر و کسب اطلاع از انحرافات در خلال اجرای برنامه اقدامی ضروری است تا هرگاه برنامه از مسیر خارج شد، دلایل و عوامل بررسی شده و از ادامه این روند جلوگیری شود، تنها در این صورت است که در پایان برنامه می‌توان انتظار اثربخشی بیشتری داشت ■

پیشنهادات

سندیکا

برای تدوین برنامه هفتم توسعه

معاونت پژوهش و برنامه‌ریزی سندیکای صنعت برق ایران

با توجه به اهمیت سیاست‌ها و جهت‌گیری برنامه‌های توسعه پنج ساله در بخش‌های زیرساختی مانند صنعت برق، سندیکای صنعت برق ایران گزارشی با هدف ارائه دیدگاه‌ها و پیشنهادات بخش خصوصی صنعت برق برای تدوین این برنامه تنظیم کرده است. در این گزارش، در ابتدا سیاست‌های حاکم بر صنعت برق براساس برنامه ششم توسعه و سایر اسناد بالادستی، شامل سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی، قانون الحاق برخی مواد به قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت و سایر مقررات و قوانین بالادستی صنعت برق تحلیل شده است. این سیاست‌ها در محورهای اصلی شامل «جذب سرمایه‌گذاری خارجی»، «تأمین مالی از بازار سرمایه»، «تملک و واگذاری دارایی‌های سرمایه‌ای»، «ساماندهی بدهی‌های دولت»، «قیمت‌گذاری برق»، «تأمین مواد اولیه»، «توسعه صادرات»، «اصلاح نهادی» و «سیاست پولی» ارزیابی و تحلیل شده است. با توجه به اطلاعات وضع موجود و مقایسه آن با سیاست‌های بالادستی، می‌توان گفت عمده اهداف و سیاست‌های برنامه ششم و اسناد بالادستی در بخش برق محقق نشده است.

بررسی سیاست‌های صنعت برق در برنامه ششم توسعه

سیاست‌های جذب سرمایه‌گذاری خارجی، تأمین مالی از بازار سرمایه، تملک و واگذاری دارایی‌های سرمایه‌ای در امور زیربنایی صنعت برق و قیمت‌گذاری برق برخی از سیاست‌هایی هستند که در برنامه ششم توسعه به آنها پرداخته شده است. طبق بند الف ماده ۴ برنامه پنج‌ساله ششم توسعه ضروری است جهت‌گیری‌ها و سیاست‌های لازم برای تجهیز منابع مالی موردنیاز سرمایه‌گذاری ایجاد شود که از آن جمله به تأمین منابع مالی خارجی تا متوسط سالانه ۳۰ میلیارد دلار از خطوط اعتباری بانک‌های خارجی در قالب تأمین مالی خارجی (فاینانس) خودگردان با اولویت تأمین مالی اسلامی، پانزده میلیارد دلار به شکل سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و بیست میلیارد دلار قراردادهای مشارکتی خارجی اشاره شده است. در این ماده قانونی استفاده دستگاه‌های اجرایی از تسهیلات مالی خارجی با اولویت تأمین مالی اسلامی در طول اجرای قانون برنامه ششم در قالب قوانین بودجه سنواتی مجاز گردیده است.

در بند (ج) ماده ۴ برنامه ششم توسعه، به توسعه بازار سرمایه با تأکید بر طراحی و مهندسی ابزارهای مالی و کالایی، توسعه بازار انرژی و عرضه نفت خام و فرآورده‌های نفتی در بورس انرژی، اصلاح نهادی حاکمیت شرکتی برای شرکت‌های عام و نهادهای مالی اشاره شده است.

طبق بند ت ماده ۴۸ برنامه ششم توسعه، لازم است که وزارت نیرو در طول اجرای برنامه نسبت به افزایش توان تولید برق تا بیست‌وپنج هزار مگاوات از طریق سرمایه‌گذاری مؤسسات عمومی غیردولتی، تعاونی و خصوصی اعم از داخلی و خارجی و یا منابع داخلی شرکت‌های تابعه یا به‌صورت روش‌های متداول سرمایه‌گذاری ازجمله ساخت، بهره‌برداری و تصرف (BOO) و ساخت، بهره‌برداری و انتقال (BOT) اقدام نماید. همچنین در ماده ۵۰ این برنامه، دولت مکلف شده است سهم نیروگاه‌های تجدیدپذیر و پاک با اولویت سرمایه‌گذاری بخش غیردولتی (داخلی و خارجی) با حداکثر استفاده از ظرفیت داخلی را تا پایان اجرای قانون برنامه به حداقل پنج درصد (۵٪) ظرفیت برق کشور برساند.

طبق ماده ۴۹ وزارت نیرو مکلف شده است که اقدامات لازم را در راستای تشکیل بازار منطقه‌ای و ایجاد قطب (هاب) منطقه‌ای برق به عمل آورد، به‌طوری‌که شبکه برق کشور از

شمال، جنوب، شرق و غرب به کشورهای همسایه متصل شود.

در بند الف ماده ۳۹ قانون برنامه ششم توسعه به اصلاح قیمت حامل‌های انرژی و سایر کالاها و خدمات یارانه‌ای با رعایت ملاحظات اجتماعی و اقتصادی و حفظ مزیت نسبی و رقابتی برای صنایع، به تدریج تا پایان ۱۴۰۰ با توجه به قانون هدفمند کردن یارانه‌ها و استفاده از منابع حاصل به صورت هدفمند برای افزایش تولید، اشتغال، حمایت از صادرات غیرنفتی، بهره‌وری، کاهش شدت انرژی و تأمین هزینه‌های عملیاتی و سرمایه‌گذاری شرکت‌های ذی‌ربط اشاره شده است.

با توجه به ارزیابی انجام شده در بخش نخست و نظرخواهی از خبرگان صنعتی و دانشگاهی، پیشنهادات سندیکای صنعت برق ایران در هفت محور اصلی شامل «توسعه صادرات خدمات فنی و مهندسی»، «اصلاح مقررات نظام فنی و اجرایی»، «حمایت از توسعه ساخت داخل و دانش‌بنیان»، «تأمین مالی طرح‌های برق و انرژی»، «اصلاح ساختار سازمانی و نظام تنظیم‌گری و آزادسازی تجارت برق»، «توسعه ظرفیت تولید برق تجدیدپذیرها» و «اصلاح الگوی مصرف و بهینه‌سازی» تدوین و ارائه شده است.

پیشنهادات سندیکای صنعت برق ایران به‌عنوان نماینده بخش خصوصی و سازندگان، پیمانکاران، مشاوران و تأمین‌کنندگان کالا و خدمات صنعت برق کشور، جهت تدوین قانون برنامه پنج‌ساله هفتم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در ۷ محور کلی به شرح زیر ارائه می‌شود:

پیشنهاد اول

توسعه صادرات خدمات فنی و مهندسی

به‌منظور توسعه صادرات بخش برق و انرژی، پیشنهاد می‌گردد:

الف) با هدف کاهش هزینه‌های دسترسی به اطلاعات بازارهای صادراتی و تسهیل ورود شرکت‌ها، وزارت نیرو کردور حمایت از صادرات بخش برق و انرژی را ایجاد کند. از طریق این کردور، حمایت‌های مادی و معنوی از جمله موارد زیر به شرکت‌های صادرکننده ارائه می‌شود:

- اطلاعات بازارهای هدف شامل قوانین و مقررات حاکم بر شرکت‌های صادرکننده
 - ارائه آموزش‌های موردنیاز شرکت‌ها جهت ورود به بازارهای صادراتی
 - ارائه کمک‌هزینه برای دریافت گواهینامه‌های استاندارد موردنیاز صادرات محصولات
 - معرفی شرکت‌های صادرکننده از طریق ایجاد فهرست‌های معتبر چندزبانه از شرکت‌های واجدالشرایط صادراتی
- ب)** ۱۰ درصد درآمد حاصل از عوارض و حقوق گمرکی به عنوان جوایز صادراتی و

پوشش ریسک صادرکنندگان تخصیص یابد.

ج) یک درصد درآمدهای ارزی حاصل از صادرات کالا و خدمات متعلق به شرکت‌های دولتی، صرف افزایش سرمایه صندوق توسعه صادرات گردد.

د) دولت از طریق وزارت نیرو نسبت به ایجاد «بازار صادرات برق با نرخ مبادلات ارزی» اقدام و مجوز تجارت در این بازار را به سرمایه‌گذاران و شرکت‌های تولید برق واجدالشرایط ارائه کند. ارز حاصل از تجارت در بازار صادراتی متعلق به صادرکننده بوده و صادرکننده مجاز است ارز حاصل از آن را مطابق ضوابط بانک مرکزی بهره‌برداری کند.

پیشنهاد دوم

اصلاح مقررات نظام فنی و اجرایی

به منظور اصلاح روابط دولت و پیمانکاران و مشاوران دستگاه‌های اجرایی، تهیه قانون نظام فنی و اجرایی کشور با رعایت خط‌مشی‌های زیر پیشنهاد می‌گردد:

الف) بخش مقررات‌گذاری از بخش نظارتی در ساختار نظام فنی و اجرایی تفکیک و در فرآیند تدوین و تهیه قانون، نظرات بخش خصوصی از طریق تشکل‌های صنفی، مهندسی و حرفه‌ای و اتاق بازرگانی دریافت شود.

ب) شورایی متشکل از رئیس سازمان برنامه و بودجه، معاون نظام فنی و اجرایی و نماینده منتخب تشکل‌های صنفی، مهندسی و حرفه‌ای جهت نظارت بر تمامی ارکان نظام فنی و اجرایی کشور در سازمان برنامه و بودجه تشکیل شود. احکام این شورا برای ارکان نظام فنی و اجرایی لازم‌الاجرا بوده و تخطی از آن به‌عنوان تخلفات اداری ثبت و رسیدگی شود.

پیشنهاد سوم

حمایت از توسعه ساخت داخل و دانش‌بنیان

به‌منظور توسعه ساخت داخل و بومی‌سازی فناوری‌های صنعت برق و انرژی در شرکت‌های دانش‌بنیان، وزارت نیرو مکلف شود حداقل ۳۰ درصد مبلغ خرید کالای با مبدأ خارجی که به‌طور مستقیم و یا توسط شرکت‌های پیمانکاری در اجرای طرح‌های توسعه‌ای انجام می‌شود، با محصولات شرکت‌های داخلی جایگزین کند.

پیشنهاد چهارم

تأمین مالی طرح‌های برق و انرژی

جهت جذب مشارکت بخش خصوصی در توسعه ظرفیت‌های تولید و شبکه انتقال و توزیع، دولت از طریق وزارت نیرو مکلف گردد:

- الف) به سرمایه‌گذاران بخش خصوصی مجوز صادرات برق و کسب درآمد مستقیم ارزی تا سقف ۵۰ درصد ظرفیت نیروگاه‌های جدید ارائه نماید.
- ب) جهت تأمین مالی طرح‌های نوسازی تأسیسات و شبکه فرسوده و توسعه صنعت برق از طریق بازار سرمایه، صندوق پروژه‌ها با شرایط زیر تشکیل شوند:
- شرکت‌های دولتی مجازند تا سقف ۴۰ درصد از منابع این صندوق‌ها را از دارایی‌ها و منابع متعلق به خود تأمین کنند.
 - این صندوق‌ها از پرداخت هرگونه مالیات و عوارض معاف هستند.
- ضمانت بازپرداخت اصل سرمایه‌گذاری طرح‌های این صندوق‌ها که مصوبه شورای اقتصاد را دارا می‌باشند، بر عهده دولت خواهد بود.
- شرکت‌های تابعه وزارت نیرو مجازند از طریق مولدسازی دارایی‌ها و اموال غیرمنقول راکد خود در تأمین سرمایه این صندوق‌ها مشارکت کنند.

پنجم پیشنهاد

اصلاح نظام تنظیم‌گری و آزادسازی تجارت برق

الف) دولت مکلف گردد جهت اصلاح نظام یارانه‌ای بخش برق، سازوکار قیمت‌گذاری برق را به نحوی اصلاح کند که قیمت خرده‌فروشی برق برای مشترکان صنعتی و تجاری از طریق ساز و کار رقابتی در بازار بورس انرژی و تعادل بین عرضه و تقاضا تعیین و انرژی مبادله شود. پرداخت هر نوع یارانه پنهان از طریق فروش برق با قیمت کمتر از قیمت اقتصادی به جز مشترکان گروه‌های هدف مورد حمایت تا سقف سطح الگوی مصرف، در پایان برنامه هفتم ممنوع خواهد شد.

ب) جهت ایجاد کارآمدی نهاد تنظیم‌گری بخش برق و پذیرش بی‌طرفی ذینفعان تولید و عرضه برق، آیین‌نامه هیئت تنظیم بازار برق به‌عنوان نهاد تنظیم‌گری بخش برق که دارای استقلال، شفافیت و پاسخگویی باشد، به نحوی اصلاح شود که اعضای این نهاد با پیشنهاد وزیر نیرو و حکم رئیس‌جمهور برای مدت پنج سال تعیین گردیده و عزل آن‌ها با تصویب شورای اقتصاد ممکن شود. عضویت اعضای این نهاد فقط برای یک دوره قابل تمدید بوده و تغییر اعضا در هر دوره حداکثر می‌تواند یک سوم نفرات را در برگیرد. همچنین کلیه مصوبات و مذاکرات این نهاد در دسترس عموم بوده و مصوبات آن برای کلیه مؤسسات بخش دولتی و خصوصی بخش برق لازم‌الاجرا باشد. هیچ نهاد دیگری حق تصمیم‌گیری در خصوص قیمت‌گذاری و تغییر مقررات حاکم بر بازارهای عمده‌فروشی و خرده‌فروشی برق را نخواهد داشت.

ج) دولت موظف گردد ساختار حاکم بر صنعت برق را به نحوی اصلاح نماید که در پایان برنامه هفتم، تجارت برق اعم از عمده‌فروشی، خرده‌فروشی و صادرات برق از بخش نگهداری تأسیسات شبکه انتقال و توزیع برق مستقل شده و شرکت‌های تابعه و وابسته وزارت نیرو اعم از برق‌های منطقه‌ای و توزیع نیروی برق به‌جز دریافت تعرفه ترانزیت برق، حق تجارت برق را نداشته باشند. تجارت برق بر عهده مؤسساتی خواهد بود که توسط بخش خصوصی و در چهارچوب ضوابط هیئت تنظیم بازار باشد که این مؤسسات مبتنی بر قواعد بازارهای رقابتی فعالیت می‌نمایند.

ششم پیشنهاد

توسعه ظرفیت تولید برق تجدیدپذیرها

به‌منظور افزایش سهم تولید برق تجدیدپذیر وزارت نیرو تا ۱۰ درصد سبد عرضه برق کشور دولت مکلف گردد ترتیبی اتخاذ نماید که:

الف) تا سقف ۵۰ درصد سرمایه مورد نیاز ایجاد نیروگاه‌های تجدیدپذیر از طریق تسهیلات بدون سود بانکی (پرداخت یارانه سود از محل ذخایر ارزی یا منابع عمومی) فراهم شود.

ب) سرمایه‌گذاران نیروگاه‌های تجدیدپذیر بخش خصوصی به مدت ۵ سال از پرداخت هر نوع مالیات، عوارض و حقوق گمرکی مرتبط با زنجیره تأمین نیروگاه‌های تجدیدپذیر معاف گردند.

ج) صاحبان نیروگاه‌های تجدیدپذیر بتوانند به مدت ۵ سال تمام برق تولیدی خود را از طریق بازار برق صادراتی، صادر و درآمدهای ارزی آن از پرداخت هر نوع مالیات و حقوق گمرکی تا ۵ سال معاف باشند.

هفتم پیشنهاد

اصلاح الگوی مصرف و بهینه‌سازی

در خصوص بهینه‌سازی و کاهش شدت مصرف انرژی، از آنجا که قوانین قبلی مانند «قانون اصلاح الگوی مصرف» مصوب ۱۳۸۹ و «ماده ۱۲ قانون رفع موانع تولید رقابت پذیر و ارتقای نظام مالی کشور» مصوب ۱۳۹۴، محقق نشدند، دولت موظف است آیین‌نامه‌های اجرایی، زیرساخت‌های نهادی و منابع مورد نیاز را به نحوی فراهم آورد که میزان اتلاف برق در تولید، انتقال، توزیع و مصرف به میزان دو درصد سالانه کاهش یابد.

همچنین پیشنهاد می‌گردد با توجه به اجرایی نشدن برخی مواد در برنامه‌های توسعه که مستقیماً بر صنعت برق اثرگذار بوده‌اند، این مواد قانونی ابقاء، اصلاح و یا تکمیل شده و موانع قانونی اجرایی شدن آن مرتفع گردند. ■



گفتگو با مصطفی رجبی‌مشهدی | مدیرعامل شرکت مدیریت شبکه برق ایران

دولت‌ها براساس سیاست‌های کلی برنامه‌های توسعه، پیش‌نویس قانون برنامه توسعه را تدوین می‌کنند. با توجه به اتمام مهلت اجرای قانون برنامه ششم در سال گذشته، تمدید آن در بودجه ۱۴۰۱ تصویب شد تا دولت تدوین برنامه هفتم را در دستور کار قرار دهد. به دنبال ابلاغ سیاست‌های کلی برنامه هفتم توسعه توسط رهبر انقلاب، رئیس‌جمهور دستور آغاز رسمی تدوین برنامه هفتم توسط سازمان برنامه و بودجه کشور را صادر کرد. با توجه به اهمیت صنعت برق در رشد و توسعه کشور و ضرورت اهتمام ویژه به این صنعت در برنامه هفتم، با «مصطفی رجبی‌مشهدی»، مدیرعامل شرکت مدیریت شبکه برق ایران درباره رویکردهای وزارت نیرو در خصوص برنامه هفتم توسعه به گفتگو نشستیم. متن گفتگو به شرح زیر است:

ردپای کمرنگ برق

در برنامه هفتم

در تدوین برنامه هفتم توسعه می‌بایست به سه محور اساسی در صنعت برق توجه ویژه داشت. پشتیبانی از رشد اقتصادی، افزایش بهره‌وری بخش برق و امنیت انرژی. با توجه به سیاست‌های ابلاغی مقام معظم رهبری هدفگذاری انجام شده برای رشد اقتصادی در این برنامه، سالانه ۸ درصد تعیین شده است. دستیابی به این هدف نیازمند ایجاد زیرساخت‌های لازم برای تامین برق پایدار برای بخش‌های صنعت، خدمات و بازرگانی است تا امکان دستیابی به رشد اقتصادی هدفگذاری شده وجود داشته باشد. بدهی است ایجاد زیرساخت‌های مذکور نیازمند تامین منابع مالی قابل توجهی است که می‌بایست الزامات و پتانسیل‌های قانونی آن در برنامه هفتم دیده شود. از سوی دیگر، با توجه به رشد روزافزون مصرف برق و برخی تغییرات روی داده در الگوی مصرف به دلایلی نظیر گرم شدن هوا، افزایش لوازم برقی و ... تقاضا برای مصرف برق رشد چشمگیری خواهد داشت. هر چند احداث ظرفیت‌های جدید تولید در دستور کار قرار خواهد گرفت، اما باید تاکید شود که بخش قابل توجهی از افزایش تقاضای سال‌های آتی می‌بایست با افزایش بهره‌وری مصرف در بخش‌های موجود و مدیریت تقاضای برق تامین شود.

با توجه به اینکه تدوین برنامه هفتم در دستور کار دولت قرار دارد، از دیدگاه شما مهمترین محورهایی که در حوزه برق و انرژی باید مد نظر قرار گیرد، چیست؟

وزارت نیرو در بخش برق در برنامه هفتم، چهار رویکرد اساسی را دنبال خواهد کرد که عبارتند از: اولاً مدیریت مصرف و کاهش شدت انرژی با تاکید بر اصلاح قیمت برق و قیمت سوخت نیروگاهی، تقویت سازوکار گواهی صرفه‌جویی سوخت برای احداث نیروگاه‌های جدید در قالب ماده ۱۲ قانون رفع موانع تولید رقابت‌پذیر، هوشمندسازی شبکه انتقال و توزیع و ارتقاء قابلیت سنجش از راه دور مصرف‌کنندگان.

ثانیاً تبدیل شبکه برق ایران به هاب انرژی منطقه با توسعه شبکه انتقال داخلی و افزایش ظرفیت تبادلات خارجی با کشورهای همسایه در قالب قراردادهای صادرات، واردات و ترانزیت برق. ثالثاً ایجاد تنوع در منابع انرژی برق با استفاده از منابع انرژی تجدیدپذیر و

مهمترین رویکردهای وزارت نیرو در خصوص برنامه هفتم توسعه چیست؟

ذخیره‌سازی‌های انرژی، افزایش استفاده از مازوت و ذغال سنگ (با حفظ الزامات زیست محیطی)، توسعه نیروگاه‌های هسته‌ای و استفاده از ابزارهایی نظیر بازار کاهش آلاینده‌گی (کربن)، رابعاً کاهش تصدی دولت با توسعه معاملات برق در بورس انرژی و افزایش نقش شرکت‌های خرده‌فروش در معاملات برق در سطح خرد و متوسط. اصلاح نرخ ترانزیت برق و ایجاد سازوکارهای تشویقی برای ورود بخش خصوصی به توسعه شبکه انتقال، فوق توزیع و توزیع به منظور کاهش سهم دولت در زنجیره تامین برق و تمرکز بر راهبری، نظارت و رگولاتوری بخش‌های انحصاری برق توسط دولت.

قطعا یکی از محورهای مورد تاکید وزارت نیرو در برنامه هفتم توسعه اصلاح اقتصاد برق و تاکید بر ایجاد سازوکارهای شفاف برای تعیین قیمت‌ها در فرآیند تولید تا مصرف برق خواهد بود. به همین منظور انتقال معاملات و تجارت برق به بورس انرژی و معاملات دو جانبه و کشف قیمت برق در فضای رقابتی و بدون دخالت دولت کمک شایانی به اصلاح فضای نامناسب فعلی اقتصاد برق خواهد کرد. از سوی دیگر مکانیسم‌های حمایتی و یارانه‌های اعطایی صنعت برق می‌بایست به گونه‌ای باشد که مصرف‌کنندگانی که الگوی مصرف برق را رعایت می‌کنند امکان بهره‌مندی از آن را داشته باشند و سایر مصرف‌کنندگان برق مصرفی خود را براساس قیمت واقعی پرداخت کنند.

از سوی دیگر به منظور توسعه معاملات برق بین مصرف‌کنندگان خرد وزارت نیرو به دنبال تقویت شرکت‌های خرده فروشی و توسعه معاملات ایشان است. این شرکت‌ها می‌توانند به عنوان واسطه بین مصرف‌کننده نهایی و نیروگاه عمل کرده و برق تولیدی را از بورس و یا قراردادهای دو جانبه خریداری و بین مصرف‌کنندگان نهایی تقسیم کنند. با تقویت نقش و جایگاه این شرکت‌ها و توسعه فعالیت ایشان، می‌توان امیدوار بود تمرکز شرکت‌های توزیع برق کشور بر سیمداری و نگهداری و توسعه شبکه توزیع بوده و وظیفه بازرگانی و خرید و فروش برق به شرکت‌های خرده فروشی واگذار شود.

آیا وزارت نیرو اصلاح اقتصاد انرژی و واقعی کردن نرخ حامل‌های انرژی را به عنوان یکی از محورهای این برنامه دنبال خواهد کرد؟

مهمترین برنامه وزارت نیرو را می‌توان کاهش سهم دولت در خرید و فروش برق و ایجاد زمینه لازم برای مبادله برق بین تولیدکننده و مصرف‌کننده (به صورت مستقیم یا از طریق شرکت‌های خرده فروش) دانست. با توجه به آنکه بخش عمده برق کشور توسط نیروگاه‌های خصوصی تولید و مصرف می‌شود، بایستی زمینه‌ای فراهم شود که این دو به صورت مستقیم با یکدیگر در ارتباط بوده و تعاملات تجاری و مالی را فی‌مابین خود تنظیم کنند.

از سوی دیگر از آنجا که سیاست دولت برای حمایت از برخی مصرف‌کنندگان خانگی و خاص (نظیر افراد تحت پوشش کمیته امداد و بهزیستی، بخش کشاورزی و ...) همچنان برقرار است، می‌بایست سازوکار مالی بین دولت و وزارت نیرو طی برنامه هفتم مورد بازبینی و بازتعریف قرار گیرد تا هزینه‌های مالی این حمایت به صورت شفاف در صورت‌های مالی صنعت برق مشخص شود تا امکان تسویه حساب و پرداخت آن در قالب قوانین و بودجه‌های سالیانه وجود داشته باشد.

یکی از مهمترین ایراداتی که به سایر برنامه‌های توسعه وارد است، عدم تحقق اهداف پیش‌بینی شده است. وزارت نیرو تا چه حد در اجرایی کردن برنامه‌های توسعه توفیق داشته و برای اجرایی شدن این برنامه در آینده چه اقداماتی را باید صورت دهد؟

متأسفانه در برنامه‌های توسعه قبلی به بخش برق توجه لازم نشده است. به عنوان نمونه در برنامه ششم توسعه صرفاً در دو ماده ۴۴ و ۴۸ و به صورت کلی به بخش برق اشاره شده که آن هم به صورت کلی به توسعه ظرفیت تولید و سازوکار بورس اختصاص داشته، سایر محورها و بخش‌های صنعت برق در این برنامه‌ها چندان مطرح نشده است. بر این اساس ارزیابی عملکرد وزارت نیرو در حوزه برنامه‌های مذکور نمی‌تواند چندان دقیق صورت گیرد. اما محورهای اشاره شده در بخش فوق در دستور کار فعلی وزارت نیرو قرار دارد و برنامه‌های اجرایی آن در حال تدوین است لذا می‌توان امیدوار بود که در صورت درج آن‌ها در برنامه هفتم توسعه و ایجاد زمینه‌های قانونی مورد نیاز برای برنامه‌ها و سیاست‌های مذکور، اجرایی شدن و دستیابی به اهداف مدنظر برنامه هفتم دور از دسترس نباشد. ■

دغدغه‌های

برق

برنامه هفتم توسعه

میزگرد بررسی برنامه هفتم توسعه

در سندیکا برگزار شد

تدوین و طراحی برنامه‌های توسعه در

کشورهای در حال توسعه به منظور مشخص کردن مسیر رشد

اقتصادی حائز اهمیت بسیاری است و اجرایی شدن این برنامه‌ها تنها در صورت

داشتن استراتژی منسجم و اتخاذ سیاست‌های مناسب، منجر به رشد اقتصادی خواهد شد.

در ایران برنامه‌های توسعه به صورت برنامه‌های میان مدت و برای پنج سال تنظیم می‌شود. اهداف این

برنامه‌ها از اولین برنامه توسعه‌ای که از سال ۱۳۶۸ اجرایی شده تا امروز که در آستانه تدوین برنامه هفتم توسعه

قرار دادیم، نه تنها به صورت کامل محقق نشده بلکه درصد توفیق آن فاصله زیادی با نقطه مطلوب داشته است. در

واقع برنامه‌های توسعه با ۳۳ سال سابقه نتوانستند التیامبخش ناکامی‌های اقتصادی کشور باشند و اقتصاد را به رشد

مورد نظر برسانند. این روزها تمامی ارکان دولت، مجلس شورای اسلامی و سایر نهادهای تصمیم‌ساز کشور درگیر تدوین

برنامه هفتم توسعه به عنوان کلیدی‌ترین سند قانونی بالادستی اقتصاد کشور هستند. از این رو با توجه به میزان تاثیرگذاری

این قانون در شرایط اقتصادی حوزه‌های مختلف از جمله صنعت برق و انرژی و همچنین الزامات قانونی و بسترسازی

حقوقی مورد نیاز این بخش، بررسی ظرفیت‌ها، فرصت‌ها و تهدیدهای برنامه هفتم توسعه امری بسیار کلیدی است لذا

سندیکای صنعت برق ایران در میزگردی با عنوان «بررسی برنامه هفتم توسعه در حوزه برق و انرژی» که با حضور

«محمدحسن متولی‌زاده» کارشناس خبره صنعت برق، «رضا پدیدار» رئیس کمیسیون انرژی و محیط‌زیست

اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران، «پیام باقری» رئیس هیات مدیره سندیکا و «علیرضا

اسدی» معاون پژوهش و برنامه‌ریزی سندیکا برگزار شد، از یک سو به عارضه‌یابی عدم

موفقیت برنامه‌های توسعه به خصوص برنامه ششم توسعه پرداختند و از

سویی دیگر الزامات لازم برای بررسی تدوین برنامه هفتم را

مورد بررسی قرار دادند.

تدوین برنامه‌ها بارویک‌داید ه آل گرایه

علیرضا اسدی



با نگاهی به گذشته می‌توان گفت که برنامه‌نویسی در ایران قدمتی طولانی دارد اما علیرغم این قدمت، توفیقی حاصل نشده است و به قول برخی کارشناسان ایران کشوری برنامه‌پذیر نیست و به امتناع برنامه رسیده است. نتایج بررسی‌های کارشناسی که از سوی مراجع مختلف از جمله فرهنگستان علوم در خصوص تحقق اهداف برنامه توسعه انجام شده، نشان می‌دهد که متأسفانه برنامه ششم توسعه در رسیدن به اهداف خود ناموفق بوده و هیچکدام از اهداف کمی آن محقق نشده است. ایده‌آل‌گرایی در برنامه‌نویسی نیز یکی از عواملی است که رسیدن به همه اهداف برنامه را غیرممکن می‌سازد. بررسی‌ها نشان داده علیرغم اجماع نخبگان برای کم‌رنگ ساختن نقش دولت و افزایش نقش بخش خصوصی، جایگاه دولت روزبه‌روز بیشتر می‌شود. هر چه از برنامه اول به سمت برنامه ششم حرکت کردیم تعداد احکام برنامه‌ها بیشتر و توفیق و موفقیت برنامه‌ها کمتر شده است. سندیکای صنعت برق ایران به عنوان نماینده بخش خصوصی صنعت برق روند بررسی برنامه هفتم توسعه را آغاز کرده و در تدوین این برنامه نقش جدی خواهد داشت لذا عارضه‌یابی محقق نشدن اهداف برنامه ششم توسعه را بررسی کرده و به دنبال یافتن پاسخی برای این سوال است که آیا موانعی که در اجرای برنامه ششم وجود داشت، در برنامه هفتم نیز وجود دارد؟ سندیکا همچنین به دنبال ارائه تعریفی روشن از جهت‌ها و سوبه‌های سیاسی برنامه هفتم و انتظارات صنعت برق از این برنامه است.

تناقض قوانین

رضا پدیدار



سیاست‌ها، برنامه‌ها و دیپلماسی انرژی در کشور تناقض آشکاری دارد و این تناقض در قوانین، مقررات و رویکردهای دولت و مجلس در حوزه انرژی به چشم می‌خورد، بنابراین ما اول باید جایگاه انرژی را با توجه به اهمیت آن در نظام اقتصادی تعریف کنیم. در واقع در مباحث مربوط به حوزه انرژی از یکسو باید التهاب در نظام اقتصادی، سرمایه‌گذاری، دیپلماسی اقتصادی و انرژی واکاوی شود و از سوی دیگر بایستی نقاط ضعف و قوت برنامه‌ریزی در حوزه انرژی و برق را مورد بررسی قرار دهیم. صنعت برق و انرژی علیرغم داشتن متخصصان، نخبگان و مدیران کارآمد روزهای سختی را پشت سر می‌گذارد و برای توسعه و اجرای طرح‌های نیمه تمام و توسعه با کمبود منابع مواجه است. عدم سرمایه‌گذاری در صنعت برق و ناترازی در تولید و مصرف این صنعت را با بحران مواجه کرده است که برای حل آن باید از پتانسیل و ظرفیت بخش خصوصی استفاده کرد.

چالش اقتصاد برق

محمدحسن متولی‌زاده



در ایران رویکرد مسئولان تصمیم‌گیر بر این بوده است که ما دارای انرژی‌های نامحدود هستیم و این یک فرصت طلایی برای کشور است که هر ناکارآمدی را می‌توان با انرژی ارزان پوشش داد. اما وضعیت اقتصادی امروز نشان می‌دهد که تصمیمات گذشته‌ای که وابسته به عرضه نفت و انرژی در کشور بود، اشتباه بوده و از فرصت انرژی خدادادی به درستی بهره گرفته نشده است. صنعت برق هم در بخش دولتی هم در بخش خصوصی از نظر فنی و تخصصی دارای توانمندی قابل توجه و انکارناپذیری است و هیچ مشکلی در زمینه فنی ندارد، مشکل این صنعت فقط و فقط مربوط به اقتصاد است. امروز برق عرضه شده در ایران ارزان‌ترین برق در جهان است. تمام برنامه‌های توسعه قبلی در ایران با تفکر وجود دولت پولداری تدوین شده بود که منابع ارزی آن برای تامین منابع طرح‌های توسعه از محل فروش نفت تامین خواهد شد اما از این تفکر نتیجه درستی که به رشد اقتصادی کشور کمک کند، حاصل نشد. در سال‌های اخیر هم که با تحریم‌های ظالمانه مواجه شده‌ایم و منابع درآمدی دولت از محل فروش نفت کاهش پیدا کرده، عملاً هیچ منبع عمومی برای طرح‌های توسعه صنعت برق تخصیص داده نشده است. بنابراین ارزان بودن انرژی در داخل کشور و رشد مصرف باعث شده که درآمدهای صنعت برق تکافوی اداره خود این صنعت را فراهم نکند، از طرف دیگر با توجه به کاهش درآمدهای دولت، برای طرح‌های صنعت برق و سرمایه‌گذاری در این صنعت منابع در نظر گرفته نشده است. در برنامه ششم توسعه افزایش تولید تا ۲۵ هزار مگاوات و افزایش سهم تجدیدپذیرها تا ۵ درصد پیش‌بینی شده بود که بدلیل عدم تخصیص منابع لازم هیچکدام از این اهداف محقق نشده است. با توجه به این شرایط در تدوین برنامه هفتم توسعه علاوه بر آسیب‌شناسی برنامه‌های قبل، باید از سیاست‌های انرژی دنیا و مسیری که آنها حرکت می‌کنند، الگو برداری و استفاده کنیم.

توسعه گرفتار در برنامه زدگی



پیام باقری

ضرورت برنامه‌ریزی برای اداره کشور و توسعه اقتصاد بر کسی پوشیده نیست و عدم توفیق در محقق شدن اهداف هر برنامه‌ای نشان‌دهنده اشکال در نوع برنامه‌ریزی و اجرای آن است. ما در ایران با تراکم و تورم در برنامه‌ریزی و قوانین مواجه هستیم و در واقع دچار برنامه‌زدگی شده‌ایم. با بررسی مصادیق و عملکرد برنامه‌های گذشته می‌توان دریافت که حتی برنامه‌های بالادستی و قوانین هم در تناقض بوده و در برخی موارد مزاحم یکدیگر هستند. در مقابل اما برنامه‌های خوب و مترقی هم داریم که به اندازه ظرفیت‌شان به آنها بها داده نشده است مثلاً اگر برنامه‌های حوزه تولید مولد و توسعه اقتصادی عملیاتی می‌شد، امروز شاهد پیشرفت‌های قابل توجهی در اقتصاد بودیم. اجرای ناموفق شش برنامه توسعه در کشور ضرورت تغییر پارادایم برنامه‌نویسی را بیش از پیش مشخص می‌کند، تدوین برنامه صرفاً نباید برای رفع تکلیف نوشته شود بلکه برنامه‌نویسی باید با مشارکت آحاد بازیگران و همفکری آنها باشد و ابزارهای لازم برای عملیاتی و اجرایی شدن آن برنامه شناسایی شود. تدوین برنامه به این صورت که عده‌ای محدود برای کل ذینفعان و بازیگران نسخه‌پیچی کنند، درست نیست. اقتصاد دستوری و دولتی و وابستگی به درآمدهای نفتی از عارضه‌های برنامه‌های قبلی است و تا این رویکرد تغییر پیدا نکند، تدوین برنامه توسعه در مسیر درستی نخواهد بود و منجر به رشد اقتصادی نخواهد شد.

مهمترین نکته بعد از تغییر پارادایم برنامه‌نویسی، رصد مستمر اجرای برنامه است. برنامه در همان سال اول اجرا باید نظارت و رصد شود تا اگر انحراف و اشکالی داشت در همان سال برطرف شود نه اینکه تا پایان اجرای برنامه با همان رویکرد اشتباه حرکت کنیم و به جایی برسیم که زمانی برای اجرای برنامه باقی نمانده در حالی که فقط ۳۰ درصد از آن اجرایی شده است، در واقع عدم نظارت و پایش برنامه در زمان اجرا، یکی از نقاط ضعف سیستم برنامه‌ریزی و برنامه‌نویسی در کشور است.

بیماری مهلک واسطه‌گری



رضا پدیدار

اولین برنامه توسعه مربوط به سال‌های ۶۸ تا ۷۲ است که فقط ۳۰ درصد آن اجرایی شد. برای سال ۷۳ برنامه‌ای تدوین نشده بود و دولت نمی‌دانست باید چه سیاستی اجرا کند لذا

فعالان بخش خصوصی ایده‌هایی مطرح کردند که در برنامه دوم و سوم توسعه به کار گرفته شد و برای اولین بار استفاده از پتانسیل بخش خصوصی عنوان شد لذا برنامه سوم توسعه براساس پتانسیل نظام اقتصادی به رشد شش و نیم درصدی رسید. مرکز پژوهش‌های اتاق بازرگانی ایران در گزارشی ترکیب سبد مدیریت اقتصادی کشور را بررسی کرده است. براساس نتیجه این گزارش در ترکیب مورد نظر سهم دولت ۴۱ درصد، سهم صندوق‌های بازنشستگی ۲۱ درصد، سهم خصولتی‌ها ۲۳ درصد، سهم بخش خصوصی ۱۳ درصد و سهم تعاونی‌ها ۲ درصد است. سهم بخش خصوصی در سبد مدیریت اقتصادی کشور در حالی ۱۳ درصد است که این بخش ۵۷ درصد توان عملیاتی و اجرایی دارد. (شایان ذکر است این آخرین آمار مستندی است که در اختیار بوده و مربوط به سال ۱۳۹۹ است). متأسفانه اقتصاد ما دچار بیماری مهلک واسطه‌گری است و تا این واسطه‌گری از بین نرود، هیچکدام از تلاش‌های ما به نتیجه‌ای نخواهد رسید، بعد از برنامه سوم کارهای واگذار شده به بخش خصوصی از طریق واسطه‌ها انجام می‌شود به طوری که ۳۵ تا ۴۵ درصد هر قرارداد نصیب واسطه‌ها می‌شود.

کمیسیون‌های انرژی اتاق‌های ایران و تهران با برگزاری نشست‌های مشترک و بررسی کارشناسی مسائل حوزه برق و انرژی، به این نتیجه رسیدند که رهایی از وضعیت موجود منوط به تجدیدنظر در نظام بودجه‌ریزی است، دولت باید شجاعانه در سرمایه‌گذاری حوزه برق و انرژی تجدیدنظر کند. براساس برآورد ما میزان سرمایه‌گذاری در برنامه هفتم توسعه برای رشد ۸ درصد مربوط به بخش خصوصی، در حوزه نفت، گاز، پالایش و پتروشیمی ۲۵۰ میلیارد دلار و در حوزه برق ۱۲۰ میلیارد دلار برآورد شده است که ۳۵ میلیارد دلار برای نگهداشت و ۸۵ میلیارد دلار برای توسعه برق است. تمام این برآوردها طبق آمار و اطلاعات دریافتی از سندیکا و انجمن انرژی‌های تجدیدپذیر انجام شده است. پارلمان بخش خصوصی عدم توفیق در برنامه‌های ششم و موانع موجود در اجرای این برنامه را استخراج کرده که نشانگر عدم بهره‌گیری از پتانسیل و ظرفیت بخش خصوصی در حوزه برق و انرژی است. ریشه‌ها و علل عقب‌ماندگی در برنامه‌ریزی‌های حوزه برق و انرژی نشان می‌دهد که بین برنامه و عمل شکاف وجود دارد. برای تأمین این منابع، فاینانس و تهاثر به عنوان دو مولفه اساسی و تنها راهبرد قطعی در حوزه نفت و انرژی مطرح شده است و جز این دو، راه دیگری برای برون رفت از بحران اقتصادی نداریم.

بحران قیمت غیرواقعه برق



محمدحسین متولی‌زاده

ما در صنعت برق توانمندی فنی بالایی داریم و امروز تمام کارهای فنی و مهندسی این صنعت در داخل کشور انجام می‌شود در حالی که در ابتدای انقلاب کوچکترین کارهای صنعت برق را مشاوران و پیمانکاران خارجی انجام می‌دادند. امروز تنها مسئله، اقتصاد صنعت برق است که اگر اصلاح

شود منجر به توسعه صنعت برق خواهد شد. طی سال‌های اجرای برنامه ششم توسعه به طور متوسط سالی ۳۰۰ میلیارد کیلووات ساعت انرژی برق در کشور به فروش رفته است، این فروش با نرخ ۲ تا ۴ دهم سنت بوده است این درحالی است که متوسط نرخ جهانی آن حدود ۱۰ سنت است در واقع درآمد ما از محل فروش انرژی برق در مقایسه با سایر کشورها یک سی‌ام بوده که این درآمد کفاف هزینه‌های صنعت برق را نداده است. هزینه و درآمدهای صنعت برق تا سال ۸۳ که قانون تثبیت قیمت‌ها در مجلس هفتم به تصویب رسید، باهم انطباق داشت، از این سال به بعد شیب درآمدهای صنعت برق ملایم و هزینه‌های این صنعت حالت صعودی به خود گرفت و شکاف درآمد-هزینه در صنعت برق شروع شد که این شکاف با اعمال تحریم‌های علیه ایران شدت گرفت.

قیمت فروش برق همین امروز نسبت به قیمت ثابت ابتدای انقلاب یک دهم قیمت واقعی است. شکاف درآمد و هزینه و عدم تخصیص منابع برای سرمایه‌گذاری در صنعت برق، سرمایه‌گذاری و بهینه‌سازی در این صنعت را متوقف کرده است. اگر درآمد صنعت برق واقعی و پاسخگوی هزینه‌هایش می‌بود، امروز وضعیت آن به بحران تبدیل نمی‌شد. ما بارها در کمیسیون‌های دولت و مجلس درباره آینده صنعت برق هشدار داده بودیم اما همه آنها (با خنده) به چراغ‌ها در جلسه اشاره می‌کردند و می‌گفتند فعلا که چراغ‌ها روشن است. بخش خصوصی صنعت برق در تمام این سال‌ها و با ۶۰ هزار میلیارد تومان طلب از دولت، با تمام فشارهایی که بر او تحمیل شده، با تمام توان کار کرده است، باید به این بخش که تمام توانمندی خود را در اختیار صنعت برق قرار داده است، توجه کرده و در برنامه‌ریزی‌ها برای آنها نقش قائل شد چرا که اجرای برنامه‌ها بدون حضور بخش خصوصی عملا امکانپذیر نیست.

رشد مصرف انرژی در کشور ما تابع رشد اقتصادی نیست، لذا صنعت برق نیازمند تراز کردن تولید و مصرف در کنار انطباق درآمدها و هزینه‌هاست. امروز شکاف بین تولید و مصرف حدود ۱۸ هزار مگاوات است که تامین این کمبود علاوه بر اینکه نیازمند سرمایه‌گذاری است، متاثر از محدودیت‌های حوزه سوخت نیز هست. با توجه به ارزان بودن انرژی در کشور، مشترکانی که مصرف متعادل و منطقی دارند باید از حق انرژی ارزان برخوردار باشند، اما مشترکانی که از میزان متعادل مصرف عبور کردند باید هزینه بیشتری پرداخت کنند. البته مجلس شورای اسلامی در یکی دو سال اخیر در این مسیر قدم برداشته و قانون مانع‌زدایی از صنعت برق هم در صورت اجرا می‌تواند شیب تند مصرف را اصلاح کند و مقدمه‌ای باشد برای خروج صنعت برق از بحران.

بنابراین با دسته‌بندی مشترکان و میزان مصرف آنها می‌توان درآمدهای صنعت برق را به صورت تدریجی و پله به پله افزایش داد تا هم شوک شدیدی به مردم وارد نشود و هم توان انرژی کشور تبدیل به فرصتی شود که ایران بتواند هاب منطقه باشد و در تامین انرژی کشورهای منطقه نقش آفرینی کند. تمامی آنچه در بودجه درخصوص صنعت برق آورده شده، تکلیف است و منابع و مصارف آن اصلا مشخص نیست. در برنامه ششم توسعه افزایش ظرفیت تا ۲۵ هزار مگاوات و سهم ۵ درصدی تجدیدپذیرها با اولویت بخش خصوصی فقط به عنوان یک تکلیف آورده شده در حالی که منابع آن روشن نشده بود.

ضرورت تغییر الگوی برنامه نویسی



پیام باقری

برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری در هر مسیری برای نیل به هدف متعالی انجام می‌شود و رسیدن به این هدف جز با حکمرانی خوب محقق نخواهد شد که این حکمرانی شاخص‌هایی دارد که محدود به اقتصاد نیست و با مطالعه تجربه کشورهای موفق می‌توان به این شاخص‌ها دست پیدا کرد. ما امروز در مسیر درستی حرکت نمی‌کنیم، اگر بنا داریم برنامه‌ها را به گونه‌ای تغییر دهیم که در جهت حکمرانی خوب حرکت کنند، باید در فرایند برنامه نویسی تغییر پارادایم جدی داشته باشیم و این تغییر پارادایم باید ما را در مسیر حکمرانی خوب قرار دهد. در پارادایم فعلی بودجه‌ریزی مصارف بر مبنای منابع تعریف نمی‌شود بلکه ابتدا مصارف را لیست کرده و سپس منابع را با مصارف تطبیق می‌دهیم در حالی که درصد تحقق منابع تعیین شده در بودجه مشخص نبوده و نسبی است. ما به صورت موروثی در بودجه‌نویسی با کسری مواجه هستیم و شکاف بین منابع و مصارف قابل توجه است لذا پارادایم بودجه‌نویسی باید اصلاح شود.

درخصوص اجرای برنامه‌ها باید به چند نکته توجه کنیم، اول اینکه تعهدی به اجرای برنامه‌ها در کشور وجود ندارد. شواهد و قرائن نشان می‌دهد که فقط ۳۰ درصد برنامه ششم محقق شده است اما کسی پاسخگوی اجرا نشدن ۷۰ درصد آن نیست. ریشه این عدم تعهد به برنامه‌زدگی و امتناع از اجرای برنامه مربوط است. هیچ مسئولی دغدغه اجرا نشدن برنامه را ندارد. در کلان صنعت برق مطالبات از دولت شیب صعودی دارد اما این افزایش بدهی برای کسی دغدغه نیست تا با برنامه مشخص برای تادیه بدهی‌ها اقدام کند و با بازپرداخت دیون و بدهی‌ها، شیب تند مطالبات را کاهش دهد.

نکته دوم مربوط به تسهیم و تخصیص ناصحیح منابع است، منابع باید طوری تسهیم شود که در جایی متورم نشود و حداکثر ارزش افزوده و خلق ثروت اتفاق بیفتد. در برنامه هفتم باید مشخص شود که برای تولید سالانه ۵ هزار مگاوات برق، منابع چطور باید تسهیم شود تا برنامه عملیاتی شود. متأسفانه توجه نکردن به ابزارهای عملیاتی برنامه‌ها و عدم اولویت‌بندی، فعالیت‌های اقتصادی صنعت برق را دچار مشکل کرده است.

در قدم سوم باید مشخص شود که برنامه تدوین شده را چه کسی عملیاتی خواهد کرد. در کشورهای توسعه‌یافته بخش خصوصی موتور توسعه است در حالی که در کشور ما به بخش خصوصی با این همه توان و ظرفیت توجه نمی‌شود و سهمی در توسعه برای آن قائل نیستند. امروز در کنار بخش خصوصی سازوکاری برای تاسیس شرکت‌هایی ایجاد شده است که یا مورد حمایت دولت هستند و یا منسوب به دولت و بخش خصوصی در رقابت با این شرکت‌ها از حیز انتفاع خارج می‌شود. برای به منصفه ظهور رسیدن برنامه‌های توسعه، بخش خصوصی باید در میدان

عمل حضور داشته باشد. در فرایند برنامه‌نویسی همه بازیگران باید مشارکت داده شوند و برنامه‌ها باید متناسب با ابزارهای اجرایی باشد.

وزارت نیرو متناسب با سرفصل‌های برنامه ششم کارگروه ایجاد کرد و تمام ذینفعان را دعوت کرده بود تا احکام برنامه ششم در جلسات کارشناسی و با حضور همه بازیگران بررسی شود. نتیجه بررسی‌های انجام شده نیز به صورت جمع‌بندی نقطه نظرات همه ذینفعان در اختیار سازمان برنامه و بودجه قرار داده شد. بهتر بود دریا برنامه هفتم نیز چنین اقدامی صورت می‌گرفت و سازمان برنامه و بودجه نگاه مشارکت‌پذیری می‌داشت. اینکه فقط عده‌ای محدود برای زیرساختی‌ترین صنعت کشور آن هم بدون توجه به منابع، امکانات و ابزارها برنامه‌ریزی کنند، توفیقی حاصل نخواهد شد.

تعدد نهادهای تصمیم‌گیر



رضا پدیدار

تمام شدن مهلت اجرای برنامه ششم و عدم تدوین برنامه هفتم تا به امروز، شکافی ایجاد کرده که برای کشور و اقتصاد فاجعه است. جهت‌گیری ما در زمینه تدوین برنامه‌ها باید از بنیان تغییر کند و این تغییر نیازمند شناختی درست از وضعیت موجود است. سندیکای صنعت برق ایران به عنوان نماینده بخش خصوصی صنعت برق می‌تواند آینه تمام‌نمای انعکاس وضعیت موجود باشد. تعدد نهادهای تصمیم‌گیر در حوزه برق، تولید و توزیع، نظام تصمیم‌گیری و نظام آینده‌نگری را تحت تاثیر قرار داده است لذا تکلیف نهادهای تصمیم‌گیر باید مشخص شود. سهم مشارکت بخش خصوصی در برنامه‌ریزی، اجرا و بهره‌برداری از صنعت برق مشخص نیست، صنعت برق برای عبور از بحران باید بخش خصوصی را در برنامه‌ریزی‌ها مشارکت دهد و سهم این مشارکت در برنامه باید به طور دقیق مشخص باشد. در جلسه با نمایندگان مجلس یکی از علل مهم در خاموشی‌های اخیر، نبودن نظام رگولاتوری و نظارت مستقیم بر بنگاه‌های اقتصادی عنوان شد که در فرایند تولید انرژی حضور دارند. صنایع انرژی یک ضرورت جدی برای توسعه پایدار کشور است اما این ضرورت فراموش شده است، استفاده از توان بالقوه بخش خصوصی در حوزه انرژی و برق، مهمترین راهکار برای عبور از بحران است. سندیکای صنعت برق ایران و کمیسیون انرژی اتاق ایران باید برای مشارکت بخش خصوصی به طور مستقیم در فرایند برنامه‌ریزی، سرمایه‌گذاری و اجرای طرح‌های توسعه‌ای صنعت برق پیشنهادات خود را ارائه دهند و از دل این پیشنهادات مدلی تعریف کنند که به عنوان راهکار بخش خصوصی برای حل مشکلات صنعت برق ارائه شود.



محمدحسین متولی‌زاده

لزوم تمرکز بر بهینه‌سازی مصرف

طبق بررسی‌های انجام شده توسط آژانس بین‌المللی انرژی، در حال حاضر سهم برق از سبد انرژی دنیا ۲۰ درصد است که تا سی سال آینده به ۵۰ درصد افزایش پیدا خواهد کرد پس روزبه‌روز بر اهمیت برق در دنیا افزوده می‌شود. بهینه‌سازی و افزایش بهره‌وری دو مقوله مهم در صنعت برق است که بدلیل ارزان بودن انرژی در ایران کنار گذاشته شده است. پرداختن به این موضوعات فرصت خوبی است و بخش خصوصی می‌تواند مستقیماً در آنها ورود پیدا کرده و اشتغال‌زایی کند. در موضوع بهره‌وری نیز گاهی با مبالغ بسیار کم هم می‌توان اقدامی انجام داد که توجیه اقتصادی دارد. ما باید برای حل مشکلات صنعت برق نسخه شفاف و روشنی روی میز بگذاریم و ابتکار عمل به خرج دهیم. موضوع تجدیدپذیرها یکی از پاشنه آشیل‌هایی است که برای توسعه آن باید تمرکز داشته باشیم و محدودیت‌های سوخت را رفع کنیم در واقع ساختار انرژی نیز باید اصلاح شود. در برنامه ششم برای تجدیدپذیرها سهم ۵ درصدی در نظر گرفته شده در حالی که هیچ منبعی برای آن اختصاص داده نشده بود. اصلاح ساختار انرژی و برنامه پیشنهادی متناسب به توسعه تجدیدپذیرها کمک خواهد کرد.

نگاه فرابخشی به برنامه‌های حوزه برق



پیام باقری

همانطور که پیشتر نیز اشاره شد برنامه‌های توسعه باید به سمت حکمرانی خوب حرکت کنند، این حکمرانی خوب است که منجر به توسعه رفاه و نهایتاً توسعه پایدار می‌شود. اقتصاد نامتجانس دولتی باید تبدیل به اقتصادی توانمند و قدرتمند شود که مبتنی بر نظام عرضه و تقاضاست. پارادایم برنامه‌ها از نظر کیفی باید تغییر پیدا کرده و به دنبال خلق ثروت و ارزش افزوده باشد. برای برنامه هفتم طوری باید برنامه‌ریزی کرد که انگیزه اجرایی بالایی داشته و متضمن تعهد و احساس مسئولیت باشد. برنامه‌های حوزه برق و انرژی باید از رویکرد بخشی فاصله گرفته و به سمت فرابخشی حرکت کند و تبدیل به گفتمان ملی شود. در واقع رویکرد فرابخشی متضمن عملیاتی شدن حکمرانی خوب است.

در تسهیم و تخصیص منابع مزیت رقابتی باید در نظر گرفته شود، اقتصاد ما انرژی محور است و مزیت‌هایی دارد که درست از آنها بهره‌برداری نشده است لذا تمرکز برنامه باید بر مزیت‌ها باشد. برنامه هفتم توسعه باید ناظر بر تقویت نقاط ضعف برنامه‌های گذشته و توجه به فرصت‌ها باشد. اقتصاد صنعت برق تکلیفی و دستوری است لذا بخش خصوصی رغبتی برای سرمایه‌گذاری ندارد و عدم سرمایه‌گذاری در این صنعت تهدیدی جدی محسوب می‌شود لذا باید زمینه سرمایه‌گذاری مطمئن را برای سرمایه‌گذاران فراهم کرد. ■

بایسته‌های راهبردی تدوین برنامه هفتم توسعه

مرکز پژوهش‌های اتاق بازرگانی ایران

مرکز پژوهش‌های اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران در میانه‌های سال ۱۳۹۹ و در آستانه تدوین برنامه هفتم توسعه به عنوان بازوی مشورتی بخش خصوصی با همکاری کمیسیون‌های تخصصی، اقدام به تهیه گزارش «بایسته‌های راهبردی تدوین سیاست‌های کلی برنامه هفتم توسعه با نگاهی به آسیب‌شناسی برنامه‌های توسعه قبلی و شرایط ویژه اقتصاد کشور» کرده بود که این گزارش به دلیل طولانی شدن روند تدوین برنامه در سال ۱۴۰۰ مورد بازبینی قرار گرفت و مجدداً ویرایش شد. اگرچه تدوین، بررسی، تصویب و اجرایی شدن هفتمین برنامه پنج ساله توسعه در سال گذشته هم عملیاتی نشد و این اقدام احتمالاً تا سال ۱۴۰۲ به طول خواهد انجامید، اما به نظر می‌رسد محورهای گزارش پژوهشی اتاق ایران به عنوان راهبردهایی کلان و اساسی همچنان می‌تواند در محورهای اصلی برنامه هفتم به منظور بازگرداندن اقتصاد به ریل توسعه و رونق مورد توجه قرار گیرد.

در بخش اول این گزارش، به آسیب‌شناسی عملکرد شش برنامه توسعه پس از انقلاب پرداخته شده است، بازخوانی تجربه‌های گذشته گویای این واقعیت است که فرآیند برنامه‌ریزی "طراحی، تصمیم‌گیری، اجرا و نظارت" از شایستگی و توانایی کافی برای ایجاد پیشرفت و توسعه پایدار برخوردار نیست. در بخش دوم گزارش هم به شرایط ویژه اقتصاد کشور پرداخته شده به ویژه آنکه برنامه هفتم توسعه آخرین فرصت برای تحقق اهداف سند چشم‌انداز بیست ساله است و فرآیند تدوین این برنامه در دوره زمانی قرار دارد که اقتصاد و جامعه در وضعیتی بسیار حساس به سر می‌برند که در تاریخ معاصر این مرز و بوم کم سابقه بوده است. در سومین بخش گزارش مرکز پژوهش‌های اتاق ایران با استناد به آسیب‌شناسی برنامه‌های توسعه قبلی و شرایط ویژه اقتصاد کشور، تأکید شده که فرآیند تهیه و تصویب برنامه هفتم توسعه به دور از شتابزدگی و براساس کارشناسی، با تغییر و تحولات اساسی در نحوه فکر درباره مأموریت‌های برنامه و انتظارات از آن، محتوای برنامه و نحوه تهیه و تصویب آن متحول شود.

در این نگاشت به گزیده‌ای از گزارش مرکز پژوهش‌های اتاق ایران در خصوص بایدها و نبایدهای دولت در تدوین برنامه هفتم پرداخته شده است.

مقدمه

برنامه‌های توسعه نقش مهمی در پیشرفت جوامع ایفا می‌کنند تا بدانجا که مروری بر تجربه کشورهای توسعه یافته، گویای آن است که یکی از الزام‌های دستیابی به توسعه، برنامه‌ریزی منسجم، هدفمند و پایدار است تا فارغ از مشکلات سیاسی و حاشیه‌ای و همچنین تغییر دولت‌ها، بستر مناسب برای نیل به توسعه ایجاد شود و مجال تغییر در ساختارهای اقتصادی فراهم آید. به عنوان مثال، کشور چین در مدت ۳۰ سال با اتکا به برنامه‌ریزی دقیق و تلاش برای تحقق آن در سه حوزه توسعه ظرفیت‌های علمی، حمایت ویژه دولت از هفت صنعت نوظهور و راهبردی و ایجاد زیرساخت‌های حمل و نقل و انرژی توانست از یک کشور فقیر، عقب‌مانده و ضعیف به دومین قدرت اقتصادی دنیا تبدیل شود. این در حالی است که کشورمان ایران، به رغم بیش از ۶۰ سال سابقه

مقدمه

برنامه‌ریزی توسعه، همچنان در زمره کشورهای درحال توسعه قرار دارد و با وجود اهتمام مراجع مختلف تصمیم‌سازی، تصمیم‌گیری و اجرایی و تأمین هزینه‌های سرشار این برنامه‌ها، نتایج حاصله رضایت‌بخش نبوده و با اهداف پیش‌بینی شده در برنامه‌ها تناسبی ندارد و فاصله تاریخی کشور با کشورهای پیشرفته و حتی اهداف و آرمان‌های ملی چندان کاهش نیافته است. حال در آستانه تدوین برنامه هفتم توسعه، این سؤال در ذهن شکل می‌گیرد که چرا باوجود سابقه طولانی در امر برنامه‌ریزی و صرف منابع ملی فراوان در تدوین برنامه‌های توسعه، همواره با معضل اجرا نشدن برنامه‌ها و اثربخش نبودن آن‌ها مواجه بوده‌ایم؟ با عنایت به آنکه هم اکنون در آستانه تدوین برنامه هفتم توسعه قرار داریم و با توجه به اینکه تدوین یک برنامه مساله محور، واقع‌بینانه و اولویت محور نیازمند وفای ملی و اجماع نخبگان، برنامه‌ریزان و سیاستگذاران بر سر مفهوم، نقش و اهمیت برنامه در حل و فصل مسائل و مشکلات پیش رو است، ضرورت دارد رویکرد حاکم بر نظام برنامه‌ریزی کشور مورد کنکاش و بررسی قرار گیرد و آسیب‌شناسی شود تا براساس درس‌های حاصل شده، سیاست‌های کلی برنامه هفتم توسعه به عنوان نقشه راه تدوین لایحه و احکام برنامه به گونه‌ای تدوین و تعیین شود که با ایجاد تحولات اساسی در ساختارها و سازوکارهای تدوین و اجرای برنامه، بسترساز تحقق اهداف مهمی نظیر جهش آفرینی در تولید، بهبود چشمگیر در وضعیت رفاه و معیشت خانوارها و ثبات بخشی به اقتصاد کشور شود و از این گذر الزامات پایه‌ای نیل به توسعه فراهم آید.

۱. آسیب‌شناسی برنامه‌های توسعه کشور

به منظور اینکه آسیب‌شناسی برنامه‌های توسعه محدود به یک یا چند حوزه نشود و با نگاهی همه‌جانبه به اهم موانع پیش روی برنامه‌های توسعه پرداخته شود، اهداف پیش‌بینی شده در برنامه‌های توسعه کشور باید، در چهار سطح شامل ایرادات مربوط به شرایط محیطی حاکم بر برنامه‌های توسعه کشور، ایرادات مربوط به فرایند برنامه‌ریزی، ایرادات مربوط به محتوای برنامه و ایرادات مربوط به اجرای برنامه مورد بررسی قرار گیرند. نکته اینجاست که در دهه اخیر مفهوم برنامه‌ریزی را به مثابه تخصیص بودجه پنج ساله و رقابت بخش‌ها برای اخذ منابع بیشتر در نظر گرفته‌اند که پیرو این امر، از یکسو برنامه به صورت انبوهی از ارقام و اعداد درآمده و از سوی دیگر حفظ سازگاری بین اجزا و انبوه اطلاعات، بسیار دشوار و حتی غیرممکن بوده است.

الف) ایرادات مربوط به شرایط محیطی حاکم بر برنامه‌های توسعه کشور

• نبود آمار و اطلاعات به هنگام و در دسترس

تدوین یک برنامه مطلوب، مستلزم شناخت و آگاهی کافی نسبت به وضع و شرایط موجود است که این مهم از طریق بررسی آمار و ارقام حاصل می‌گردد. این در حالیست که موضوع با اهمیت وجود اطلاعات جامع و قابل اعتماد در نظام



آسیب‌شناسی
برنامه‌های
توسعه کشور

برنامه‌ریزی کشور مغفول مانده و کشور ما علاوه بر فقدان اطلاعات و آمارهای دقیق و به هنگام، گاهی با اطلاعات و آمارهای متناقض مواجه است.

• ساختار سیاسی و اجتماعی کشور

جهت‌گیری‌ها و رهنمودهای سیاسی معمولاً بر سیاست‌ها، ابزارها و راهکارهای عقلانی برنامه‌های توسعه حاکم هستند و اتفاقات خارج از برنامه به شدت برنامه‌های توسعه را تحت‌الشعاع قرار داده‌اند. از همین رو آنچه در بسیاری از برنامه‌ها از جمله برنامه اول، سوم و پنجم عمرانی (پیش از انقلاب) و اول، دوم و سوم توسعه (بعد از انقلاب) در عمل اتفاق افتاده، یا در برنامه‌ها پیش‌بینی نشده و یا با اهداف در نظر گرفته شده در برنامه‌ها همخوانی نداشته است.

• ناهماهنگی‌های قانونی در خصوص برنامه‌ریزی

مجموعه قوانین و مقررات حاکم بر برنامه‌ریزی توسعه در ایران فاقد انطباق و انسجام لازم است که گاه با همپوشانی، تناقض و گاه با خلأهای قانونی روبرو است. از جمله کاستی‌های قانونی برنامه‌ریزی توسعه در کشور می‌توان به مشخص نبودن محدوده عمل قانونی مجلس شورای اسلامی در مورد تغییر لوایح برنامه‌های توسعه، نامشخص بودن سازوکار قانونی جلب مشارکت بخش‌ها و مناطق در تدوین برنامه‌های توسعه و فقدان سازوکار قانونی برای نحوه تعامل کارشناسان نظام برنامه‌ریزی با سیاستگذاران در مجمع تشخیص مصلحت نظام، مجلس شورای اسلامی و شورای عالی امنیت ملی در مسیر تدوین سیاست‌های کلی و لوایح برنامه‌های توسعه، وجود نارسایی‌های جدی در ترکیب اعضا و شرح وظایف شورای اقتصاد به عنوان نهاد عالی نظام برنامه‌ریزی و نهاد ناظر بر فرآیند اجرای برنامه‌های توسعه اشاره کرد.

ب) ایرادات مربوط به فرایند برنامه‌ریزی

تدوین و تنظیم برنامه‌های توسعه، فرایند بخصوصی را طی می‌کند. در کشور ما سیاست‌های کلی برنامه‌های توسعه از سوی مقام معظم رهبری پس از مشورت با مجمع تشخیص مصلحت نظام تهیه و به دولت به عنوان مجری برنامه‌های توسعه ابلاغ می‌شود. از سوی دیگر وزارتخانه‌ها و دستگاه‌های دولتی نیز نیازها، برنامه‌ها و پیشنهادهای خود را برای یک دوره پنج ساله تدوین کرده و به منظور تلفیق به سازمان مدیریت و برنامه ریزی ارسال می‌کنند. این نهاد نیز پس از تلفیق، آن را برای تصویب نهایی در اختیار مجلس شورای اسلامی قرار می‌دهد. البته در مجلس شورای اسلامی نیز بخش‌های مختلف برنامه ابتدا در کمیسیون‌های تخصصی و سپس در کمیسیون تلفیق مورد بررسی و بازبینی قرار می‌گیرد.

این فرایند که طی چرخه عظیمی شامل رهبری، مجمع تشخیص مصلحت، دولت و مجلس انجام می‌شود، دارای ضروریاتی است که عدم رعایت آن‌ها سبب بروز برخی از مشکلات خواهد شد. در ادامه به بررسی این آسیب‌ها پرداخته شده است.

۱. تمرکزگرایی در برنامه‌ریزی و به مشارکت نگرستن تمامی ذینفعان در فرآیند برنامه‌ریزی
۲. مداخله قانونی دیدگاه‌های غیرکارشناسی در فرایند تدوین برنامه‌های توسعه
۳. ملاحظات مرتبط با زمان‌بندی فرایند برنامه‌ریزی
۴. عدم رعایت تقدم و تأخر زمانی در فرآیند تدوین برنامه
۵. نگاه بودجه‌ای به برنامه در دستگاه‌ها و بخش‌ها
۶. نگاه دوره‌ای و عدم استمرار برنامه‌ریزی
۷. فقدان راهبردهای بلندمدت برای نظام برنامه‌ریزی کشور

ج) ایرادات مربوط به محتوای برنامه

از جمله مهمترین ایرادهایی که به محتوای شش برنامه پنج ساله تدوین شده برای کشور وارد است، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- ابهام در نحوه ارتباط اسناد بالادستی و برنامه‌های میان مدت
- تعدد اهداف و عدم اولویت‌گذاری صحیح در اهداف برنامه
- کلی، تفسیرپذیر و تفصیلی بودن افراطی برخی مواد برنامه‌ها
- فقدان یک الگوی روشن و رابطه علی و معلولی صحیح میان اجزای برنامه در خصوص فقدان یک الگوی روشن میان اجزای برنامه باید گفت که معمولاً در برنامه‌های توسعه، بین بخش‌ها (اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و...) و حتی بین اجزای داخلی بخش‌ها و زیر بخش‌ها، ارتباط منطقی و تکمیل کننده دیده نمی‌شود که دلایل زیر را برای این امر می‌توان برشمرد:

- تدوین یک ماده قانونی بدون حضور ذینفعان اصلی
- عدم توجه به سناریوهای احتمالی در آینده
- بلندپروازانه بودن اهداف برنامه
- همخوانی با برنامه‌های توسعه قبلی
- عدم توجه به برنامه‌ریزی فضایی و منطقه‌ای در برنامه‌های توسعه
- دولتی‌زدگی در برنامه
- نبود برنامه‌های اجرایی و عملیاتی
- فقدان ارتباط منطقی بین جداول کمی و محتوای برنامه‌ها

د) ایرادات مربوط به اجرای برنامه‌ها

از جمله مهمترین مواردی که دستیابی به اهداف پیش‌بینی شده در برنامه‌های توسعه را دشوار و گاهی ناممکن کرده است، ضعف‌های جدی در اجرای این برنامه‌هاست. به نظر می‌رسد عوامل زیر مهمترین اشکالاتی است که می‌توان برای اجرای برنامه‌های پنج ساله توسعه متصور بود:

- سرعت و گستردگی تحولات سیاسی-اقتصادی در کشور
- قابلیت‌های اداری ضعیف دولت جهت اجرای برنامه‌های گسترده
- ضعف سازوکارهای نظارتی و ضعف و یا فقدان نظارت کارآمد، جدی، سریع، به هنگام و معطوف به نتیجه در سطوح مختلف هرم نظارتی
- ابهامات در گزارش‌های عملکرد برنامه‌های توسعه

- تداخل تقویم زمانی برنامه‌ها با تقویم سیاسی کشور
- عدم توجه به بسترهای اجتماعی لازم برای اجرای قوانین

واقعیت این است که نتایج حاصل از بررسی روال برنامه‌ریزی در کشور (قبل، حین و پس از برنامه‌ریزی)، حاکی از آن است که ما در این حوزه با چالش‌های اساسی مواجهیم. عدم تحقق اهداف پیش‌بینی شده در برنامه‌ها را می‌توان به طور عمده و اساسی ناشی از کیفیت نظام تدبیر از جمله در فرآیندهای برنامه‌ریزی و قانونگذاری و ساختار مدیریت و نظام اجرایی برنامه‌ها دانست. عملکرد شش برنامه توسعه بعد از انقلاب گویای این واقعیت است که فرآیند برنامه‌ریزی "طراحی، تصمیم‌گیری، اجرا و نظارت" از شایستگی و توانایی کافی برخوردار نیست. فرآیند تدوین تا اجرای برنامه‌های توسعه، قادر به ایجاد پیشرفت و توسعه پایدار نیست و باید به گونه‌ای جدی و قبل از تهیه و تنظیم و تصویب برنامه‌ها و راهبردها، مورد بازبینی و بازسازی قرار گیرد و اجزا و عناصر انسانی و سازمانی این فرایند در سطوح مختلف دیوانی و اجرایی، از نظر صلاحیت درک شرایط و مسئولیت‌های فردی و جمعی، در قبال الزامات تحول و شناخت راهبردها و راهکارها حل مسائل و مشکلات، آموزش‌های جدیدی را کسب کنند.

۲. شرایط ویژه اقتصاد کشور و برنامه هفتم توسعه

فرآیند تدوین برنامه هفتم توسعه در زمانی قرار گرفته است که اقتصاد و جامعه در وضعیتی بسیار حساس به سر می‌برند. به رغم بیش از ۶۰ سال سابقه برنامه‌ریزی توسعه در کشور و سپری شدن بیش از ۱۷ سال از ابلاغ سند چشم‌انداز بیست ساله، دستاوردهای برنامه‌ریزی کمتر از حد مورد انتظار در زمان تهیه و تصویب برنامه‌ها بوده است. مثال مشخص آنکه، ارزیابی روند متغیرهای مهم اقتصادی و چشم‌اندازهای حاکم بر آن طی سال‌های دهه ۹۰ شمسی، نه تنها نسبت به سال‌های میانی دهه ۸۰ شمسی که سند چشم‌انداز بیست ساله ابلاغ گردید، نامطلوب ارزیابی می‌شود، بلکه در مقایسه با کشورهای حوزه سند چشم‌انداز، از عملکرد ضعیف کشور حکایت می‌کند.

میانگین ۴٫۱ درصدی رشد اقتصادی بدون نفت و ۱٫۰ درصدی رشد اقتصادی با نفت در دهه ۹۰، حکایت از گرفتار شدن کشور در تله رشد محدود و نامتناسب با اهداف سند چشم‌انداز (میانگین نرخ رشد سالانه ۸ درصدی) دارد. ثبت تورم‌های ۲۸/۶، ۲۶/۶، ۳۳/۴ و ۲۷/۳ درصدی در سال‌های ۱۳۹۱، ۱۳۹۲، ۱۳۹۷، ۱۳۹۸ و هفت ماهه ۱۳۹۹ از روند پرتلاطم قیمت‌ها در اقتصاد طی سال‌های دهه ۹۰، همزمان با بازگشت شرایط تحریمی به اقتصاد کشور و شدت گرفتن انتظارات تورمی و رونق سفته‌بازی در بازارهای ارز، طلا، مسکن و... حکایت می‌کند. مهمتر آنکه تورم دو رقمی سطح بالا در تلفیق با وضعیت رکودی اقتصاد، گویای آن است که چشم‌انداز اقتصاد کشور در سال‌های آتی علاوه بر تعمیق پدیده رکود تورمی در بخش حقیقی اقتصاد، گسترش احتمالی پدیده فقر و ناهنجاری‌های ناشی از آن در جامعه است. همچنین تداوم روند نزولی سرمایه‌گذاری در سال‌های دهه ۹۰ و ثبت رشد منفی ۳٫۱۲ و منفی ۹٫۵ درصدی در تشکیل سرمایه ثابت ناخالص داخلی طی دو سال ۱۳۹۷ و ۱۳۹۸ به این

شرایط ویژه اقتصاد کشور و برنامه هفتم توسعه

معناست که در فضای پراتهاب کشور انگیزه‌ای برای سرمایه‌گذاری وجود ندارد و فعالیت‌های مولد اقتصادی در اولویت قرار ندارند. همچنین، تداوم روند کاهش سرمایه‌گذاری و روند فزاینده نرخ استهلاک طی سال‌های دهه ۹۰، نهایتاً موجب شد که در سال ۱۳۹۸ برای اولین در تاریخ اقتصاد کشور، استهلاک سرمایه از تشکیل سرمایه پیشی بگیرد و رقم موجودی سرمایه در این سال نسبت به سال قبل کاهش یابد. در شرایط حاضر اقتصاد کشور با محدودیت جدی و تنگنای اساسی در کلیدی‌ترین عامل تعیین‌کننده ظرفیت رشد اقتصادی کشور در دهه آینده مواجه است.

از زاویه‌ای دیگر، مقایسه وضعیت کشور در شاخص‌های اقتصادی، بهداشتی، آموزشی و رفاه اجتماعی با کشورهای سند چشم‌انداز در سال ۲۰۱۹، گویای آن است که کشور ایران در میان ۲۴ کشور حوزه سند چشم‌انداز، در جایگاه ۲۳ ام در نرخ تورم، جایگاه ۱۶ ام در ضریب جینی، جایگاه ۱۸ ام در نرخ بیکاری، جایگاه ۱۲ ام در سرانه تولید ناخالص داخلی، جایگاه ۹ ام در نرخ رشد تولید ناخالص داخلی، جایگاه ۱۷ ام در نسبت صادرات به تولید ناخالص داخلی و جایگاه ۲۰ ام در درصد مشارکت زنان در نیروی کار، قرار گرفته است که نشان از عملکرد ضعیف و نامتناسب کشور در تحقق اهداف سند چشم‌انداز دارد. همچنین، میانگین رتبه کشور در شاخص‌های فوق‌الذکر از جایگاه ۱۶ ام کشور در میان ۲۴ کشور حوزه سند چشم‌انداز و ناکامی کشور در تحقق بخشی به هدف دستیابی به رتبه اول منطقه حکایت می‌کند با توجه به مراتب یاد شده، تنگناها و محدودیت‌های کنونی ایجاب می‌کند که سیاستگذاری‌های آینده کشور با هوشمندی و به دور از آزمون و خطای مکرر برگزیده شوند تا فرصت‌های موجود به تهدید مبدل نگردد و فرصت‌های بر باد داده شده گذشته، تا حد زیادی جبران شود. مهمترین تنگناها و چالش‌هایی که نظام برنامه ریزی در آستانه تدوین برنامه هفتم توسعه با آن مواجه است، عبارتند از:

الف) وضعیت نامساعد محیط داخلی اقتصاد کشور

ب) تسلط شرایط تحریمی بر اقتصاد کشور

ج) چشم‌انداز محدودیت منابع ارزی و جهش‌های مکرر

د) جایگاه نامساعد کشور در بخش انرژی

۳. بایسته‌های راهبردی تدوین برنامه هفتم توسعه

برنامه هفتم توسعه آخرین فرصت برای تحقق اهداف سند چشم‌انداز بیست ساله است و فرآیند تدوین این برنامه در دوره زمانی قرار دارد که اقتصاد و جامعه در وضعیتی بسیار حساس به سر می‌برند که در تاریخ معاصر این مرز و بوم کم سابقه است. از این رو، ضروریست فرآیند تهیه و تصویب برنامه هفتم توسعه به دور از شتابزدگی و بر اساس کارشناسی، با تغییر و تحولات اساسی در نحوه فکر درباره مأموریت‌های برنامه و انتظارات از آن، محتوای برنامه و نحوه تهیه و تصویب آن متحول شود.

با توجه به شرایط دشوار حاکم بر اقتصاد کشور، اتاق ایران به عنوان نماینده بخش خصوصی و مشاور قوای سه‌گانه، بر اساس آسیب‌شناسی انجام شده و با در نظر گرفتن



شرایط کنونی اقتصاد کشور و در جهت ساماندهی الگوی برنامه‌ریزی برای دستیابی به الگوی مطلوب و توسعه محور، خواستار "اعمال مدیریت تحول" در برنامه هفتم توسعه با در نظر گرفتن مجموعه الزام‌ها و بایسته‌هایی در سیاست‌های کلی برنامه هفتم به شرح زیر است تا از این گذر آینده اقتصاد کشور به تکرار تجربه‌های ناموفق برنامه‌های قبلی توسعه گرفتار نشود:

الف) اصلاح نظام تدبیر و برنامه‌ریزی کشور

ب) برقراری تعامل سازنده با نظام بین‌الملل

ج) ارتقای بهره‌وری عوامل تولید در اقتصاد

د) بهره‌مندی از ظرفیت‌های ایرانیان خارج از کشور

ه) در نظر گرفتن ملاحظات منطقه‌ای و آمایش سرزمین

در این میان دو پیش‌نیاز اصلی در این مرحله باید مورد توجه قرار گیرد:

اول- عدم گستردگی و پراکندگی سیاست‌های کلی

سیاست‌های کلی برنامه هفتم نباید گسترده و پراکنده باشند. در واقع سیاست‌های کلی باید جهت‌گیری‌های ساختاری و الزام‌آور را که بقاء و تعالی کشور به آن‌ها بستگی دارد، به صورت شفاف بیان کند. در سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی، سیاست‌های کلی تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه ایرانی، سیاست‌های کلی اصلاح نظام اداری و سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی و ... راهبردهای کلی وجود دارد؛ لذا ابلاغ سیاست کلی برنامه هفتم در بندهای متعدد و گوناگون، حاصلی نخواهد داشت جز تکرار تجربه از دست دادن فرصت‌ها. از این رو برای اصلاح وضعیت، نخستین گام این است که سیاست‌های کلی برنامه هفتم سندی با تعداد محدودی بند باشد که در آن به طور مشخص موضوعاتی از قبیل موضوعات فوق تعیین تکلیف شود.

دوم- تأکید بر چالش محوری در سیاست‌های کلی برنامه

در شرایط حاضر پیش از گذشته تحول رویکرد حاکم بر تدوین برنامه‌های توسعه از برنامه‌های تفصیلی به برنامه‌های مسئله محور اهمیت یافته است. از این رو، ضروریست سیاست‌های کلی برنامه هفتم توسعه تأکید صریح داشته باشند که برنامه هفتم توسعه به جای یک برنامه کلان، به صورت برنامه‌ای موضوع محور تدوین شود. از این رو، پیشنهاد می‌شود محورهای اصلی زیر در سیاست‌های کلی و احکام برنامه هفتم توسعه مد نظر قرار گیرد:

• بازیابی نقش و جایگاه اقتصادی کشور در زنجیره ارزش

• تقویت بنیه تولیدی کشور با تأکید بر تولیدات صادرات محور

• کارآمد شدن جدی دولت

• مبارزه جدی با فساد در شئون مختلف زندگی اقتصادی و اجتماعی کشور

امید می‌رود، نقطه شروع بازسازی اقتصاد کشور با پیگیری رویکرد "اعمال مدیریت تحول" در برنامه هفتم توسعه و با در نظر گرفتن مجموعه الزام‌ها و بایسته‌های اشاره شده در سیاست‌های کلی برنامه نمود یابد. در برنامه هفتم توسعه حاکمیت باید حقوق حاکمیتی خود را به روشنی ساماندهی کند و مسیر زندگی اقتصادی را به سمت و سویی بکشد که تحقق آرمان‌های درازمدت را ممکن سازد ■



نصرت‌الله عباس‌زاده | مدیرکل دفتر بودجه و توسعه سرمایه‌گذاری توانیر

نگاه به اولویت‌های صنعت برق در برنامه هفتم

تدوین برنامه هفتم توسعه در صنعت برق از مدت‌ها پیش آغاز شده و با ابلاغ سیاست‌های کلی برنامه هفتم از سوی مقام معظم رهبری عملاً در فاز عملیاتی قرار گرفته است. در این گزارش سعی بر آن است که رویکردهای کلی صنعت در تدوین برنامه هفتم تبیین شود.

قطعاً آسیب‌شناسی برنامه‌های قبلی ما را به سمت تدوین بهتر برنامه هفتم رهنمون می‌سازد. برای اینکه بحث دارای چارچوب مشخصی باشد و از پراکنده‌گویی پرهیز شود در ادامه مطالب خودم را در هفت محور طبقه‌بندی کرده‌ام که همراه با یک نگاه آسیب‌شناسانه به برنامه‌های قبلی توسعه ارائه می‌کنم.

اقتصاد برق

بحث اقتصاد برق از این جهت که منشا و مبدا سایر مسائل و مشکلات صنعت برق نیز است، بسیار مهم است. آنچه که نبض اقتصاد برق را بیش از بقیه شاخص‌ها به خوبی منعکس می‌کند، قیمت واقعی (Real) برق است. از آنجا که هزینه‌های تامین برق تقریباً متناسب با سطح عمومی قیمت‌ها افزایش می‌یابد و درآمدهای صنعت برق متناسب با قیمت برق یا تعرفه‌های فروش برق تعدیل می‌شود لذا شاخص قیمت واقعی برق به تنهایی نبض اقتصاد برق را به خوبی منعکس می‌کند. آنچه کاملاً مبرهن است این است که همواره در طول برنامه‌های توسعه بعد از انقلاب به جز برنامه سوم (بطور دقیق سال‌های ۷۴ تا ۸۳)، قیمت واقعی برق نزولی بوده به نحویکه در ابتدای انقلاب این شاخص به قیمت‌های سال ۱۴۰۰ حدود ۷۰۲ تومان و در سال گذشته حسب آخرین گزارش‌های حسابرسی

شده حدود ۱۴۷ تومان بوده است. بنابراین در طول سالیان گذشته تنها در برنامه سوم توسعه، صنعت برق به لحاظ اقتصادی وضعیت مناسبی داشته است. لازمه تداوم برق‌رسانی مطلوب به آحاد مردم جامعه این است که در برنامه هفتم توسعه به قیمت‌های نسبی انرژی توجه جدی شود.

آزادسازی در قیاس با خصوصی‌سازی در صنعت برق

محور دوم بحث که بی‌ارتباط با محور اول نیست، مقایسه و مقابله آزادسازی و خصوصی‌سازی است. در برنامه‌های پنج ساله قبلی بویژه از برنامه چهارم، در جدال بین خصوصی‌سازی و آزادسازی، خصوصی‌سازی همیشه غالب بود؛ به نحویکه از برنامه چهارم همواره بر خصوصی‌سازی در صنعت برق و خریدهای تضمینی در بخش تولید برق تاکید شده است و همزمان با آن، نه تنها این سیاست از سمت تصمیم‌گیران کلان کشور حمایت نشده بلکه بالعکس با سیاست‌های تثبیت قیمت‌ها از سال ۱۳۸۳ روند خصوصی‌سازی در صنعت برق تقریباً به یک بحران تبدیل شده است که ماحصل آن در حال حاضر حدود ۹۳ همت بدهی صنعت برق به تولیدکنندگان، پیمانکاران، مشاوران، سازندگان تجهیزات و نظام بانکی و تقریباً همین اندازه هم مطالبات صنعت برق از دولت بابت مابه‌التفاوت قیمت تمام شده و تکلیفی است. این رویه دیگر قابل ادامه دادن نیست و در برنامه هفتم باید مسیر آزادسازی را هموار کنیم تا مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان برق به طور مستقیم

باهم مبادله کنند و دولت صرفاً به مقررات‌گذاری و امور مربوط به ترانزیت برق بپردازد.

سیاست‌های مدیریت مصرف و کنترل شدت انرژی

در کنار ابزارهای قیمتی که در بالا اشاره شد، حتماً باید از ابزارهای غیرقیمتی نیز برای جهت‌دهی به روند مصرف انرژی استفاده کرد. استانداردهای تجهیزات و لوازم برقی و البته لزوم هم‌افزایی و هماهنگی دستگاه‌های متولی در این امر باید در برنامه هفتم مدنظر قرار گیرد.

سبد بهینه انرژی کشور

به اعتقاد نویسنده یکی از اولویت‌های اصلی در برنامه هفتم باید توجه جدی به متنوع‌سازی سبد انرژی کشور با تاکید بر انرژی‌های تجدیدپذیر باشد. البته در برنامه ششم هم این مهم مورد توجه بود ولی ابزارها و پیش‌نیازهای تحقق آن مغفول مانده بود که آنهم بصورت کلی برگرفته از سیاست‌ها و ذهنیت‌های تصمیم‌گیران بود که در محور دوم بحث شد. رویه معمول تصمیم‌سازان وزارت نیرو در بدو ورود به هر موضوعی به شکلی است که ابتدا با هیجان بالا و بدون تمرکز دقیق بر نحوه تحصیل و تامین منابع پایدار برای تداوم موضوع، مجموعه شرکت‌ها و سازمان‌های تابعه را به شدت بدهکار سرمایه‌گذاران می‌کنند. در برنامه هفتم به موضوع توسعه انرژی‌های تجدیدپذیر و مهمتر از آن به نحوه تعریف این پروژه‌ها به صورت خودگردان در کنار استفاده از ابزارهایی مانند گواهی صرفه‌جویی سوخت، اعتبار کربن (Carbon Credit)، مکانیزم

توسعه پاک (CDM) و... باید بیش از پیش تمرکز کرد.

مقاوم‌سازی و نوسازی شبکه

شبکه‌های برق بویژه در برخی از کلانشهرها از عمر بسیار بالایی برخوردار و بسیار شکننده هستند و در سال‌های اخیر هم بواسطه مسائلی که در محور اول مورد بحث قرار گرفت، سرمایه‌گذاری کافی در این خصوص انجام نشده و این شبکه‌ها بیش از حد پربار شده‌اند. یکی دیگر از اولویت‌های اصلی صنعت برق در برنامه هفتم و لایحه بودجه سال آینده بدون شک مقاوم‌سازی و نوسازی شبکه‌های فرسوده برق است.

تامین مالی ابرپروژه‌ها

رابطه گسسته صنعت برق با صندوق توسعه ملی باید بازسازی شود تا بتوان از منابع آن صندوق در کنار ظرفیت بازار سرمایه برای تامین مالی پروژه‌ها استفاده کرد. شنیده‌ها حاکی از این است که در برنامه هفتم اساسنامه صندوق توسعه ملی مورد بازنگری قرار خواهد گرفت که امیدواریم با این اقدام، سرمایه‌گذاری و مشارکت صندوق توسعه ملی در طرح‌ها و پروژه‌های صنعت برق تسهیل شود.

توسعه صادرات برق

سالهاست که جلوگیری از خام‌فروشی نفت و گاز یکی از آرمان‌های برنامه‌ریزان اقتصادی کشور است. توسعه صادرات و مبادلات برون‌مرزی برق به واسطه ویژگی‌های ژئوپلیتیکی موضوع می‌تواند مزیت‌های زیادی را برای توسعه کشور به دنبال داشته باشد ■

سیاست‌های کلی برنامه هفتم توسعه شهریور سال جاری با اولویت پیشرفت اقتصادی توأم با عدالت به منظور اجرای بند یک اصل ۱۱۰ قانون اساسی ابلاغ شد. سیاست‌های کلی این برنامه در هفت سرفصل «اقتصادی»، «امور زیربنایی»، «فرهنگی و اجتماعی»، «علمی، فناوری و آموزشی»، «سیاسی و سیاست خارجی»، «دفاعی و امنیتی»، «اداری، حقوقی و قضایی» و در ۲۶ بند تصویب شده است. در اولین سرفصل سیاست‌های کلی برنامه هفتم با عنوان «اقتصادی» ضمن تأکید بر پیشرفت اقتصادی توأم با عدالت، نرخ رشد اقتصادی متوسط ۸ درصد با تأکید بر افزایش بهره‌وری کل عوامل تولید از جمله منابع انسانی، سرمایه و ... در نظر گرفته شده است. همچنین ایجاد ثبات در سطح عمومی قیمت‌ها و نرخ ارز، تکریمی کردن تورم، جهت‌دهی به نقدینگی و اعتبارات بانکی به سمت فعالیت‌های مولد و جذابیت‌زایی از دیگر فعالیت‌های غیرمولد به عنوان یکی دیگر از سیاست‌های کلی برنامه هفتم تعیین شده است.

همچنین به منظور اصلاح ساختار بودجه، احصاء و شفاف‌سازی بدهی‌ها و تعهدات عمومی دولت و مدیریت و تأدیه بدهی‌ها، واقعی کردن منابع و مدیریت مصارف دولت و اجتناب از کسر بودجه و همچنین تعیین تکلیف طرح‌های عمرانی نیمه تمام با واگذاری از طریق مشارکت دادن بخش‌های خصوصی و عمومی غیردولتی در طرح‌های عمرانی انتفاعی در کنار شفاف‌سازی و ضابطه‌مند کردن درآمدها و هزینه‌های شرکت نفت و سایر شرکت‌های دولتی



اتفاق تازه در مسیر تحریر معجزه

در بودجه در دستور کار قرار گرفته است. ایجاد تحول در نظام مالیاتی و استقرار نظام جامع تأمین اجتماعی هم از دیگر محورهای مطروحه در سرفصل اقتصادی سیاست‌های کلی برنامه هفتم هستند.

سیاست‌های کلی برنامه هفتم در حوزه «علمی، فناوری و آموزشی» برای پنج سال آینده کشور ضمن تکمیل و توسعه شبکه ملی اطلاعات و روزآمدسازی و ارتقاء نظام آموزشی و پژوهشی کشور، افزایش شتاب پیشرفت و نوآوری علمی و فناوری و تجاری‌سازی آن‌ها به ویژه در حوزه‌های اطلاعات و ارتباطات و زیست فناوری و ریزفناوری و انرژی‌های نو و تجدیدپذیر را هدفگذاری کرده است.

در سیاست‌های اقتصادی برنامه هفتم، اساساً از کلید واژه برق به عنوان یکی از زیرساخت‌های مهم و حیاتی توسعه نامی برده نشده است. اگرچه انرژی‌های نو و تجدیدپذیر در قالب یکی از محورهای مورد تأکید و توجه قرار گرفته، اما اشاره کم‌رنگ به حوزه انرژی را نمی‌توان نادیده انگاشت. ذکر این نکته ضروری است که در حوزه انرژی موضوعاتی مانند کاهش خام‌فروشی نفت و گاز با توسعه زنجیره ارزش این صنعت و افزایش ظرفیت پتروپالایشگاهی کشور به حداقل ۳ میلیون بشکه در روز و نیز «کاهش شدت مصرف انرژی به میزان متوسط سالانه ده درصد با رعایت بند هفتم سیاست‌های کلی اصلاح الگوی مصرف» به تصویب مجمع تشخیص مصلحت نظام رسیده است.

در نگاهی کلی باید پذیرفت که شش برنامه توسعه گذشته شانس تحقق پذیری بسیار محدودی داشته‌اند، در حقیقت پیش از آنکه به محورها و سیاست‌های کلی برنامه توجه شود، باید دید که دستگاه‌های اجرایی، اراده، ابزار و منابع لازم برای دستیابی به اهداف پیش‌بینی شده

در آن را در اختیار دارند.

تحقق تنها ۳۰ درصد از اهداف برنامه ششم به درستی نشان می‌دهد که برنامه‌های توسعه ساختار مناسبی برای اجرایی شدن ندارند و نمی‌توانند زمینه‌ساز دستیابی به اهداف پیش‌بینی شده باشند، مهم‌تر آنکه ظاهراً هیچ ارگانی و مسئولی هم انتظار تحقق‌پذیری بالای این برنامه‌ها را ندارد.

برنامه هفتم توسعه هم که تهیه آن پس از ابلاغ سیاست‌های کلی آغاز شده، یا باید با تغییرات جدی در نحوه تدوین و نظارت عالی بر اجرا تهیه شود و یا سرنوشت محتومش تحقق‌پذیری اندک مشابه با ۶ برنامه گذشته خواهد بود.

برنامه ششم توسعه ۱۶ فروردین ۹۶ به تصویب مجلس رسیده و در همان روز ابلاغ شد. قرار بود در طول مدت اجرای این برنامه، کشور به رشد ۸ درصدی دست یابد، اما دیوان محاسبات اعلام کرد که متوسط رشد در سال‌های اجرای برنامه، تنها ۰.۷۶ درصد بوده است. همچنین براساس گزارش دیوان محاسبات، هدف‌گذاری قانون‌گذار در برنامه ششم در ۳۰ درصد به طور کامل محقق شده، در ۲۲ درصد احکام محقق نشده و در ۴۸ درصد احکام بخشی از آن‌ها محقق شده است. البته سیدمحمد حسینی معاون پارلمانی رئیس جمهور در گفتگو با ایسنا تأکید کرده که «برنامه هفتم توسعه به سرنوشت برنامه ششم مبتلا نخواهد شد». در همین راستا دبیر کمیسیون مشترک سیاست‌های کلی برنامه هفتم مجمع تشخیص مصلحت نظام، در گفتگو با روزنامه دنیای اقتصاد در خصوص فرآیند تدوین این برنامه عنوان کرده بود که «ابتدا چالش‌های پیش روی کشور توسط کمیسیون‌ها و کارگروه‌های تخصصی بحث و بررسی شد. سپس آسیب‌شناسی

سیاست‌های کلی برنامه‌های پنج ساله و میزان تحقق آن‌ها در هر برنامه و آسیب‌شناسی نظام برنامه‌ریزی کشور مورد بررسی قرار گرفت. در ارزیابی نهایی مشخص شد هر یک از شش برنامه توسعه گذشته کمتر از ۳۵ درصد تحقق یافته‌اند؛ بنابراین این برنامه‌ها به صورت امور محور یعنی امور اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و... به صورت جامع و بدون اولویت مشخص تدوین شده‌اند و نه تنها در تحقق اهداف سیاست‌ها ناکام بوده‌اند، بلکه از اهداف سیاست‌ها نیز انحراف پیدا کرده‌اند.»

این مقام مسئول همچنین از کاهش تعداد پیشنهادها رسیده از

هر یک از شش برنامه توسعه گذشته کمتر از ۳۵ درصد تحقق یافته‌اند؛ بنابراین این برنامه‌ها به صورت امور محور یعنی امور اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و... به صورت جامع و بدون اولویت مشخص تدوین شده‌اند و نه تنها در تحقق اهداف سیاست‌ها ناکام بوده‌اند، بلکه از اهداف سیاست‌ها نیز انحراف پیدا کرده‌اند.

کمیسیون‌های تخصصی از ۳۲۰ بند سیاستی به ۴۵ بند خبر داده و اذعان کرده بود که «علت کاهش تعداد این سیاست‌ها ارزیابی جامع از ۶ برنامه توسعه گذشته بوده است. در واقع سرنوشت برنامه‌های ادوار گذشته، چراغ راه کسانی شد که سیاست‌های کلی برنامه هفتم توسعه را نوشتند. با شکل‌گیری کارگروهی؛ اجرای برنامه‌های گذشته، میزان اثربخشی آن‌ها و میزان تطبیق با سیاست‌های کلی نظام در اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی، سیاست‌های اقتصاد مقاومتی و حتی سیاست‌های مبتنی بر رشد نرخ جمعیت

ارزیابی شد.»

ارزیابی‌های صورت گرفته از سیاست‌های کلی برنامه در شش دوره گذشته نشان می‌دهد که در برنامه دوم و سوم توسعه بیشتر اهداف و جهت‌گیری‌ها تعیین شده است. از برنامه چهارم و پنجم راهبردهای مبنایی هم وارد سیاست‌ها می‌شوند. به عبارت دیگر، چون اهداف و جهت‌گیری‌ها عملی نشد، راهبردهای مبنایی اضافه می‌شوند تا مکمل جهت‌گیری‌ها شوند با این حال طی همین برنامه‌ها توسعه راهبردهای اجرایی هم ورود پیدا می‌کنند تا نقش تکمیل‌کننده راهبردهای مبنایی را ایفا کنند. با وجود این تغییر رویکردها در تدوین برنامه‌های توسعه میانگین تحقق برنامه‌های اول تا ششم توسعه به ۳۵ درصد رسیده است.

دبیر کمیسیون مشترک سیاست‌های کلی برنامه هفتم مجمع تشخیص مصلحت نظام خاطر نشان کرده که ۱۸ چالش اساسی در تدوین برنامه هفتم مد نظر قرار گرفته که تداوم رکود، افزایش نرخ بیکاری، چالش‌های زیست‌محیطی و ... بخشی از این چالش‌ها هستند.

کارآمدی و اثرگذاری برنامه هفتم بدون تردید پیش از تعیین جزئیات، بررسی در مجلس و تصویب و ابلاغ نهایی آن قابل ارزیابی نخواهد بود، اما امید آن می‌رود که با آگاهی دولت و نهادهای مرتبط نسبت به تحقق‌پذیری اندک ۶ برنامه گذشته، این قانون با جزئیاتی قابل پیاده‌سازی و رصد دقیق تدوین و ساختارهای نظارتی موثری برای پیگیری اجرای برنامه هفتم ایجاد شود در غیر این صورت روند زیانبار اقدامات بخشی بدون اتکا به یک برنامه بلندمدت توسعه محور همچنان در کشور ادامه خواهد یافت و آسیب‌ها و مخاطرات ناشی از آن همه اقشار و بخش‌های جامعه را متضرر خواهد کرد ■

از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی تاکنون شش برنامه توسعه تدوین شده و هفتمین آن هم همین چندوقت پیش به سران سه قوه، رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام و رئیس ستاد کل نیروهای مسلح ابلاغ شده است. برنامه‌هایی که به باور کارشناسان ضرورت وجودی‌شان را اگرچه نمی‌شود انکار کرد اما برخی ایرادات و اشکال‌هایی به آنها وارد است که باعث شده کارایی چندانی نداشته باشند. در هرکدام از این برنامه‌ها نگاهی به حوزه انرژی و صنعت برق وجود داشته و باید‌هایی انگاشته شده که اگر رعایت می‌شدند شرایط نیرو و انرژی مخصوصاً برق گونه‌ای دیگر بود. در این گزارش بنا داریم مهم‌ترین نکات حوزه صنعت برق در شش برنامه توسعه گذشته را از نظر بگذرانیم و ببینیم تا کجا توانسته‌ایم بر تن این بندها و موارد جامه عمل بپوشانیم.

مقدمه

بسیاری یافت. ناگفته نماند که این برنامه توانست به رشد متوسط سالانه ۵۲/۷ درصد در سال دست یابد. با پایان برنامه اول توسعه در سال ۱۳۷۲ با توجه به ایجاد مشکلات در اجرای برنامه اول، تا سال ۱۳۷۴ تصویب و اجرای برنامه دوم توسعه به تأخیر افتاد و عملاً کشور یکی، دو سال برنامه‌ای در دست اجرا نداشت.

مهم‌ترین نکاتی که در برنامه اول توسعه در حوزه انرژی مطرح شد، تخفیف عوارض در امور عمرانی و خدمات عمومی از قبیل: آب بها، برق، تلفن، گاز بود. همچنین بهبود بهره‌برداری از تاسیسات صنعت برق کشور از طریق افزایش ضریب بهره‌برداری، ضریب بار و راندمان حرارتی نیروگاه‌ها و کاهش تلفات انرژی در شبکه‌های انتقال و توزیع و سیاستگذاری در زمینه مصرف بهینه انرژی و صرفه‌جویی در سوخت و انرژی، توسط وزارتخانه‌های نیرو و نفت و رعایت دقیق اولویت‌های بخش انرژی (برق، نفت و گاز) توسط وزارتخانه‌های صنعتی و بازرگانی در مورد وسایل و تجهیزات مصرف‌کنندگان انرژی در اولین برنامه توسعه بعد از انقلاب بود.

در همین حال در مورد رشد سالانه بخش‌های مختلف در مقاطع (۱۳۶۸-۱۳۷۲) در بخش آب و برق و گاز ۹/۱ درصد برآورد شده و اهداف مربوط به بخش آب و برق و گاز با توجه به ارتباط متقابل رشد این بخش با سایر بخش‌های اقتصادی به خصوص کشاورزی و صنعت و همچنین تامین نیازهای مصرفی کشور تعیین شده بود. همچنین سهم ارزش افزوده بخش‌های مختلف اقتصادی در تولید ناخالص داخلی در سال ۱۳۷۲ در بخش آب و برق و گاز معادل ۲/۸ درصد، پیش‌بینی شده بود.

برنامه اول توسعه

با پیروزی انقلاب اسلامی و پس از آن جنگ تحمیلی، در عمل برنامه‌های اقتصادی و توسعه‌ای ایران دچار گسست و رخوت شد، زیرا انقلاب دگرگونی کامل ساختارهای اقتصادی کشور را به همراه داشت و جنگ نیز اولویت نخست به شمار می‌رفت. نخستین برنامه‌ی پیشنهادی توسعه برای سال‌های ۱۳۶۲ - ۱۳۶۶ تهیه شد. این برنامه در شهریور ۱۳۶۱ به تصویب شورای اقتصاد و در تیرماه ۱۳۶۲ به تصویب هیات دولت رسید، اما هرگز به تصویب مجلس شورای اسلامی نرسید و اجرایی نشد تا اینکه پس از پایان جنگ تحمیلی در سال ۱۳۶۸، همزمان با دوره‌ی سازندگی اولین برنامه‌ی پنج ساله‌ی توسعه تأیید شد و به اجرا در آمد.

راهبرد برنامه اول با عنوان برنامه سازندگی، آزادسازی اقتصادی تعیین شد. این برنامه به دنبال آن بود تا با سرمایه‌گذاری دولتی خسارت‌های جنگ تحمیلی را جبران کند و بهره‌برداری حداکثری را از ظرفیت‌های موجود در کشور انجام دهد و در نهایت رشد مناسبی را ایجاد کند. ایجاد رشد اقتصادی مثبت، بازسازی زیرساخت‌های کشور، تامین نیازهای ضروری، بازسازی و راه‌اندازی ظرفیت‌های تولیدی و زیربنایی که به علت جنگ متحمل خسارت‌های بسیاری شده بود و همچنین ارتقای کمی و کیفی فرهنگ و آموزش از مهمترین اهداف این برنامه بود.

مهمترین سیاست‌های مورد توجه این برنامه تقویت پول ملی، کاهش هزینه‌های دولت، حذف انحصار و کاهش تصدی دولت عنوان شد. این برنامه اگر چه در کاهش نرخ بیکاری و در برخی زمینه‌های اجتماعی موفق بود اما در زمینه خصوصی‌سازی و کاهش نقش دولت ناموفق بود و در سال‌های پایانی برنامه اول، تورم افزایش

دریابند

بندهای

برنامه توسعه

پری شاکرین | روزنامه‌نگار

برنامه دوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی که برای اجرا در مدت ۵ سال (۱۳۷۸-۱۳۷۴) تهیه شده بود، براساس برنامه‌ریزی جامع اقتصادی و استراتژی برنامه، رشد و توسعه پایدار، حمایت از صنایع داخلی و کاهش وابستگی به درآمد نفت با هدف رشد سالانه برنامه ۱/۵ درصد در طول برنامه پیش‌بینی شده بود. (سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۷۴) اما در حقیقت ادامه‌دهنده همان برنامه اول توسعه با همان اهداف بود. این برنامه عدالت اجتماعی، افزایش بهره‌وری و کاهش وابستگی را به عنوان مهمترین اهداف اقتصادی خود بیان کرد و خط مشی‌هایی همچون تشویق صادرات، توجه به بازارهای مالی، اشتغالزایی، مهار فشارهای معیشتی و اصلاح نظام قیمت‌ها را در پیش گرفت.

نکاتی که درحوزه انرژی و صنعت برق در این برنامه مد نظر قرار گرفته بود این بود که نرخ تصاعدی بر تعرفه‌های مصرف آب، برق و گاز انجام شود اما به گونه‌ای باشد که ضمن افزایش قیمت میانگین، نرخ مربوط به مشترکین کم مصرف ثابت بماند. هم‌چنین به وزارت نیرو اجازه داده شد که: ۱) نرخ متوسط قیمت فروش هرکیلو وات ساعت برقی طی سال‌های ۱۳۷۴ تا ۱۳۷۸ سالانه نسبت به سال ما قبل بطور متوسط بیست درصد افزایش یابد و حق انشعابات و قیمت فروش هرکیلووات ساعت برق مصرفی درامور کشاورزی در طول برنامه دوم برابر قیمت‌های سال ۱۳۷۲ باشد.

تنظیم ساعات کار اصناف توسط وزارت بازرگانی به

منظور کاهش مصرف انرژی آن‌ها در ساعات اوج مصرف برق و انرژی و برقراری انضباط اجتماعی هم از نکات مهم دیگری بود که مد نظر قرار گرفت. در همین حال تنظیم برنامه فصلی کار کارخانجات و صنایع توسط وزارتخانه‌های مربوط به نحوی که مصرف برق انرژی در ماه‌های دارای حداکثر مصرف کاهش یابد. همچنین به منظور تسریع و تسهیل در اجرای طرح‌های زیر بنایی تولید و انتقال نیرو اجازه داده شد تمام سود ویژه مربوط به عملکرد در بودجه‌های سنواتی شرکت‌های برق منطقه‌ای و توانیر و سازمان برق ایران و سازمان آب و برق خوزستان با تصویب مجمع عمومی شرکت‌های یاد شده جهت انجام هزینه‌های سرمایه‌ای طرح‌های شرکت‌های مذکور اختصاص یابد. نکته مهم دیگری که مطرح شد این بود که وزارت نیرو موظف است جهت ترغیب سایر موسسات داخلی به تولید هر چه بیشتر نیروی برق، نرخ تضمینی خرید برق تولیدی آن‌ها را با هماهنگی سازمان برنامه و بودجه تعیین و اعلام کند.

با همه این اوصاف و با توجه به اهداف تعیین شده، این برنامه در پایان دوره نتوانست به رشد اقتصادی ۵.۱ که پیش‌بینی شده بود دست پیدا کند و در زمینه‌ی بیکاری نیز موفق عمل نکرد. در برابر، این برنامه توانست نقش بخش خصوصی را در اقتصاد ایران پررنگ‌تر کند. در حوزه‌ی مالی نیز به علت نرخ سالانه ۲۵ درصدی افزایش نقدینگی، نرخ تورم به ۲ برابر نرخ پیش‌بینی شده‌ی ۱۳.۲ درصدی در برنامه افزایش یافت.

برنامه دوم توسعه

برنامه سوم توسعه از سال ۱۳۷۹ آغاز شد و با نگاه اجتماعی- اقتصادی در داخل و سیاست تنش‌زدایی در روابط بین‌الملل اهدافی همچون اصلاح ساختاری اقتصاد و تقویت بخش خصوصی را دنبال می‌کرد. رویکرد این برنامه، توسعه‌ی اقتصاد رقابتی به همراه اصلاحات در زیرساخت‌های اقتصادی و اجتماعی و تسهیل سرمایه‌گذاری بود. این برنامه یکسان‌سازی نرخ ارز، حذف موانع

غیر تعرفه‌ای، تاسیس بانک‌های خصوصی، ایجاد حساب ذخیره‌ی ارزی، اصلاح نظام قیمت‌ها و نیز حرکت برای حذف یارانه‌ی انرژی را مورد تأکید قرار می‌داد. البته در این برنامه برخی حقوق اجتماعی شهروندان و تقویت فضای سیاسی داخلی نیز به عنوان هدف تعیین شد. در این برنامه هم نکات اصلاحی و قابل توجهی درحوزه برق و انرژی مطرح شده بود مانند اینکه در جهت منطقی کردن

هزینه برق، گاز، تلفن، آب و فاضلاب و نیز متناسب کردن نرخ‌های ترجیحی در جهت حمایت از تولید (در مقایسه با بخش‌های غیر تولیدی)، کمیته‌ای متشکل از نمایندگان وزارتخانه‌های متولی امور تولیدی و زیربنایی (حسب مورد) و سازمان برنامه و بودجه، همه ساله ضوابط تعیین نرخ فروش (اعم از اشتراک و نرخ نهاده‌ها) را متناسب با هدف فوق تهیه و به شورای اقتصاد پیشنهاد کند.

به دولت اجازه داده شد که براساس پیشنهاد وزارت نفت و وزارت نیرو قیمت فروش داخلی حامل‌های انرژی (برق، گاز طبیعی، نفت سفید، بنزین، نفت گاز و نفت کوره) را در لوابح بودجه سنواتی به مجلس ارائه کند. همچنین قرار شد که درآمد حاصل از صادرات فرآورده‌های نفتی، گاز و میعانات گازی و برق حسب مورد به عنوان درآمد شرکت ملی نفت ایران و شرکت ملی گاز ایران و شرکت توانیر تلقی شده و به مصرف ارزی هزینه عملیات جاری (شامل واردات فرآورده‌های نفتی و گاز طبیعی) و اجرای طرح‌های سرمایه‌ای مصوب مجلس شورای اسلامی برسد.

تنظیم برنامه فصلی ساعات کار کارخانه‌ها و صنایع توسط وزارتخانه‌های ذی‌ربط به نحوی که مصرف برق و انرژی در ماه‌هایی که دارای حداکثر مصرف هستند، کاهش پیدا کند هم از دیگر نکاتی بود که در این برنامه به آن توجه شد. حمایت از احداث

نیروگاه و تولید برق و تضمین خرید برق از آن‌ها هم نکته مهم دیگری بود که درباره‌اش توصیه شده بود. همچنین دولت مکلف شد به منظور ترغیب سایر مؤسسات داخلی به تولید هرچه بیشتر نیروی برق از نیروگاه‌های خارج از مدیریت و نظارت وزارت نیرو، همه‌ساله شرایط و قیمت‌های تضمینی خرید برق را تعیین و اعلام کند.

خصوصی‌سازی در صنعت برق نکته مهم دیگری بود که در برنامه سوم به آن اشاره شده و آمده بود که دولت مکلف است با حفظ مسئولیت تأمین برق، به‌منظور ترغیب سایر مؤسسات داخلی به تولید هرچه بیشتر نیروی برق از نیروگاه‌های خارج از مدیریت و نظارت وزارت نیرو، شرایط و قیمت‌های تضمینی خرید برق را تا پایان سال اول برنامه‌چهارم تعیین و اعلام کند.

به هر روی برنامه‌ی سوم توسعه به نسبت دیگر برنامه‌های کشور موفق‌تر عمل کرد و توانست به رشد اقتصادی مناسب بیش از ۶ درصدی در کنار افزایش ۱۰ درصدی سرمایه‌گذاری دست یابد. ضمن اینکه تورم سالانه به سطح ۱۴.۱ رسید که ۱.۸ کمتر از برآوردهای برنامه بود؛ گرچه این برنامه در تسریع روند خصوصی‌سازی، کاستن از یارانه‌های انرژی، کاهش مقررات زدایی و برچیدن انحصارها ناکام ماند.

برنامه سوم توسعه

برنامه چهارم در اواخر دولت اصلاحات یعنی در سال ۱۳۸۴ به تصویب رسید و البته که چندان مورد توجه دولت واقع نشد و حتی سازمان برنامه و بودجه که متولی اصلی برنامه‌ریزی توسعه‌ای کشور بود، منحل شد. این برنامه تماماً براساس برنامه‌های دولت اصلاحات نوشته شده بود و اصلی‌ترین وجهش نیز رشد اقتصاد ملی

دانایی‌محور در تعامل با اقتصاد جهانی بود. در فصل اول این برنامه بسترهای مناسب برای رشد سریع اقتصادی پیش‌بینی شد. سپس با برقراری رابطه با اقتصاد جهانی قرار بود که خصوصی‌سازی و رقابت‌پذیری در اقتصاد داخل شکل بگیرد. این برنامه نگاه ویژه‌ای نیز به مقوله علم و پژوهش داشت و شاید برای نخستین بار در برنامه‌های

برنامه چهارم توسعه

توسعه ایران صحبت از توسعه علمی می‌شد.

درحوزه انرژی و نیروی برق طی بند الف ماده ۲۵ برنامه چهارم توسعه دولت موظف شده بود حداقل ده درصد (۱۰٪) از انجام فعالیت مربوط به تولید و توزیع برق را با حفظ مسئولیت خود در تأمین برق به‌نحوی که موجب انحصار در بخش غیردولتی نشود و استمرار ارائه خدمات فوق‌الذکر تضمین شود به‌اشخاص حقیقی و حقوقی داخلی واگذار کند. در بند ب این ماده هم باز به نوعی بر خصوصی‌سازی برق تأکید شده و آمده بود که: دولت مکلف است با حفظ مسئولیت تأمین برق، به‌منظور ترغیب سایر مؤسسات داخلی به تولید هرچه بیشتر نیروی برق از نیروگاه‌های خارج از مدیریت و نظارت وزارت نیرو، شرایط و قیمت‌های تضمینی خرید برق را تا پایان سال اول برنامه‌چهارم تعیین و اعلام کند. در نهایت در انتهای زمان اجرای این برنامه متوسط رشد کشور از میزان ۷.۴ درصد پیش بینی شده کمتر بود.

اما برنامه پنج ساله پنجم که در سال ۱۳۹۰ تصویب و تا پایان سال ۹۴ اجرا شد تفاوت‌های ماهوی با برنامه‌های پیش از خود داشت. هدف اصلی این برنامه پیاده کردن الگوی اسلامی- ایرانی توسعه بود. برنامه‌ای که برای نخستین بار توسط سازمان برنامه و بودجه کارشناسی نشده و دستپخت خود دولت بود.

در قانون برنامه پنجم درخصوص بخش انرژی آمده است به منظور تنوع در عرضه انرژی سازی بهینه سازی تولید و افزایش راندمان نیروگاه‌ها، کاهش

اتلاف و توسعه تولید همزمان برق و حرارت، وزارت نیرو موظف است از محل فروش نیروگاه‌ها موجود یا در دست اجرا، نسبت به پرداخت یارانه خرید برق از تولیدکنندگان برق پراکنده با مقیاس کوچک و ظرفیت‌های تولید برق مشترکین از طریق عقد قرارداد بلندمدت و همچنین تبدیل تا ۱۲۰۰۰ مگاوات نیروگاه گازی به سیکل ترکیبی اقدام کند. همچنین تبصره‌ای در ج شده بود مبنی بر اینکه در صورت تمایل بخش غیردولتی به تبدیل نیروگاه‌های گازی موجود خود به سیکل ترکیبی، وزارت نیرو مجاز است از محل منابع موضوع بند «الف» این ماده نسبت به پرداخت یارانه به آن‌ها اقدام کند. همین طور مقرر شده بود با تصویب دولت نسبت به انعقاد قراردادهای خرید تضمینی برق

برنامه پنجم توسعه

تولیدی از منابع انرژی‌های نو و انرژی‌های پاک و نیروگاه‌های خارج از مدیریت وزارت نیرو اقدام کند. در تعیین قیمت خرید برق این نیروگاه‌ها علاوه بر هزینه‌های تبدیل انرژی (در بازار رقابتی شبکه سراسری - بازاربرق) متوسط سالانه ارزش وارداتی یا صادراتی سوخت مصرف نشده نیز بر اساس ترکیب سوخت مصرفی نیروگاه‌های حرارتی و لحاظ راندمان مورد تأیید دولت، از محل اعتبارات یارانه انرژی منظور در بودجه‌های سالانه به تولیدکنندگان این گونه انرژی قابل پرداخت بود.

در همین حال به منظور تشویق و ترغیب بخش خصوصی به سرمایه گذاری در زمینه نیروگاه‌هایی که از انرژی تجدیدپذیر و یا بازیافت حرارت استفاده می‌کنند، بابت عدم انتشار آلاینده‌ها و حفاظت از محیط زیست به میزانی که سازمان محیط زیست تعیین و اعلام می‌کند به ازای هر کیلووات ساعت برق تولیدی از محل اعتباری که هر ساله در بودجه سالانه به همین منظور پیش‌بینی می‌شود، پرداخت خواهد شد. براساس تبصره‌ای هم مقرر شده بود که تسهیلات لازم را برای نیروگاه‌ها جهت استفاده در شبکه سراسری برق فراهم کنند و سیاست‌های تشویقی برای توسعه نیروگاه‌های با مقیاس کوچک تولید توسط بخش غیردولتی تنظیم و اعلام شود.

اما پس از تمدید یک ساله قانون برنامه پنجم توسعه؛ دولت یازدهم که علاقه چندانی به نظام برنامه‌ریزی متمرکز نداشت نخستین برنامه توسعه‌ای خود را به مجلس ارائه کرد؛ در واقع برنامه ششم توسعه که برای بین سال‌های ۱۳۹۶ تا ۱۴۰۰ ایران تدوین شده بود، به منظور دستیابی به رشد اقتصادی متوسط سالیانه ۹ درصد و ضریب جینی ۲۹ درصد در سال پایانی برنامه ارائه شد.

بررسی مواد مرتبط با وزارت نیرو در ششمین برنامه توسعه پس از پیروزی انقلاب نشان‌دهنده این بود که موضوعاتی نظیر خصوصی‌سازی، مقابله با بحران کم‌آبی، ارتقای نظام بهره‌برداری آب آشامیدنی، توسعه شبکه فاضلاب، مدیریت و بهره‌برداری مناسب از تالاب‌های کشور، افزایش قیمت آب و برق، افزایش بازدهی نیروگاه‌ها، تشکیل هاب منطقه‌ای برق، افزایش سهم نیروگاه‌های تجدیدپذیر و تجمیع امور تولید و انتقال برق در استان‌ها و واگذاری تصدی‌گری آن‌ها به بخش خصوصی اصلی‌ترین راهبردهای حوزه آب و برق کشور در سال‌های آتی را تشکیل می‌داد.

مصوبه کلیات برنامه ششم توسعه براساس حداقل ماده به صورت مستقیم و غیرمستقیم وزارت نیرو و شرکت‌های زیرمجموعه آن را درگیر می‌کرد. مواد ۲۴ و ۲۵ قانون برنامه ششم بر برون‌سپاری، مشارکت مردم و واگذاری مالکیت و کاهش نقش تصدی‌گری دولت تأکید داشت و بحث واگذاری نیروگاه‌ها و نیز خصوصی‌سازی‌های انجام شده در بخش آب از پیش‌روان در این مقوله می‌گنجیدند.

همچنین ماده ۴۹ برنامه ششم به دولت اجازه می‌داد که تا پایان سال ۱۴۰۰ و با در نظر گرفتن شرایط مناطق گرمسیر و سردسیر در فصول گرم و سرد و با رعایت ملاحظات اجتماعی، قیمت حامل‌های انرژی به استثنای گاز را تغییر دهد و همین موجب امیدواری شده بود که تعرفه آب و برق به قیمت تمام شده خود برسد و این موضوع سبب بهبود وضعیت اقتصادی این وزارتخانه بدهکار شود، گرچه به نظر هنوز دربره‌مان پاشنه قدیمی می‌چرخد.

توجه به افزایش سهم نیروگاه‌های تجدیدپذیر هم از مهم‌ترین سرفصل‌های برنامه ششم توسعه برای وزارت نیرو بود و براساس ماده ۶۱ سهم نیروگاه‌های تجدیدپذیر تا پایان برنامه باید به ۵ درصد می‌رسید حال آن که براساس آمار این رقم در حال حاضر حدود ۰.۳۲ درصد است.

ماده ۶۰ نیز حاکی از لزوم تبدیل ایران به هاب منطقه سخن می‌گفت که وضعیت نامن و کاهش قیمت نفت به نظر سنگی برسرراه این مسئله شد. به این ترتیب سرانجام در شرایطی برنامه ششم توسعه به پایان راه خود رسید که براساس گزارش دیوان محاسبات مواردی همچون افزایش توان تولید برق تا ۲۵ هزار مگاوات، ایجاد قطب (هاب) منطقه‌ای برق، افزایش سهم نیروگاه‌های تجدیدپذیر و پاک درحوزه انرژی و صنعت برق جامعه عمل نپوشید.

چنین است که می‌توان گفت اگرچه همه دست اندرکاران برنامه‌ریزی در هر برنامه توسعه مدعی ارائه بهترین برنامه بوده‌اند و در برابر، به اجرای برنامه‌های پیشین انتقاد وارد کرده‌اند اما برای شناخت علت‌های شکست و آسیب‌شناسی برنامه‌های پیشین اقدامی صورت نگرفته تا در برنامه‌های بعد این مشکل رفع شود.

ضمن آن که تاثیرگذاری تحولات سیاسی داخل کشور بر روند اجرا و پیگیری برنامه‌ها قابل توجه بوده و متأسفانه با تغییر دولت‌ها بسیاری از روندهای اجرای برنامه‌های توسعه کم اثر می‌شود یا اینکه دیگر از قاطعیت لازم برای اجرای آن‌ها خبری نیست. بر همین اساس با گذشت شش برنامه و ورود به هفتمین آن‌ها هنوز هم مسائلی همچون کاهش اتکا به درآمد نفتی، افزایش خصوصی‌سازی، تقویت انرژی‌های تجدیدپذیر، تبدیل شدن به هاب منطقه و ... هنوز آمال و آرزو به شمار می‌رود و خبری از تحقق آن نیست، گویی این برنامه‌ها بندهایی هستند تنها برای تأکید و نه اجرا. ■

برنامه ششم توسعه

در مسیر آینده

معتمد برف

سال ۱۴۰۱ به نام سال «تولید، دانش‌بنیان، اشتغال آفرین» نامگذاری شده است تا تکلیف سیاست‌های کلی کشور برای سال جاری مشخص شود. بر اساس روند و روال مرسوم از همان ابتدای سال عمده آیین‌نامه‌ها، دستورالعمل‌ها و قوانین با محوریت حمایت از شرکت‌های دانش بنیان تدوین و ابلاغ شد. توسعه تولیدات دانش محور و افزایش سطح اتکای اقتصاد کشور به شرکت‌های دانش‌بنیان به منظور ارتقای دانش فنی تولیدات و همچنین توسعه پایدار متکی بر نوآوری، خلاقیت و دستاوردهای علمی و تجاری‌سازی محصولات فناورانه مهمترین اهدافی است که در نامگذاری سال جاری دنبال می‌شود.

با این حال به نظر می‌رسد هنوز هم شرکت‌های دانش‌بنیان در حوزه‌های متعدد به ویژه بوروکراسی‌های حاکم در استفاده از حمایت‌های تعریف شده با مشکلات متعددی مواجه هستند.

شیوه‌های صدور گواهی‌نامه‌ها و مجوزهای مربوط به دانش‌بنیان‌ها، مسیر طولانی این مجموعه‌ها برای اخذ تسهیلات بانکی و دشواری‌های متعدد پیش روی آن‌ها برای تجاری‌سازی محصولات فناورانه، مسئله‌هایی هستند که به نظر می‌رسد توسعه تولید دانش‌بنیان در کشور مستلزم چاره‌اندیشی برای آنهاست.

توسعه فناوری های دانش بنیان در صنعت برق

اگرچه طی سال های اخیر بحث اقتصاد دانش بنیان در ادبیات اقتصادی ایران نقشی پررنگ یافته و از حمایت های مستمر مسئولین ارشد کشور نیز برخوردار شده است، لیکن جایگاه آن در صنعت کشور هنوز با آنچه که باید باشد، اختلاف معناداری دارد. در این مجال نگاهی خواهیم داشت به چرایی این موضوع و راهکارهای رشد و توسعه فناوری های دانش بنیان در صنعت برق.



سعید سالمی | عضو هیات مدیره سندیکای صنعت برق ایران

کشورها، بین تولید و به کارگیری دانش فاصله زیادی وجود ندارد و در اغلب آنها، رتبه به کارگیری دانش به رتبه تولید دانش نزدیک است؛ اما در ایران این فاصله به شکل معناداری، بسیار زیاد است؛ به نحوی که از نظر تولید دانش به کشورهای توسعه یافته مانند ژاپن و انگلیس نزدیک می شود و از نظر نفوذ و به کارگیری دانش به کشورهایی مانند نیجریه و اوگاندا شباهت پیدا می کند. نکته مهم دقیقا همینجاست: بررسی چرایی فاصله عمیق بین تولید دانش و به کارگیری دانش در ایران. شاید انتخاب شعار محوری سال ۱۴۰۱ که توسط مقام معظم رهبری با عنوان "تولید، دانش بنیان، اشتغال آفرین" مطرح شده، نیز موید اهمیت همین

سازمان جهانی مالکیت فکری (WIPO) که ایران نیز عضو آن است، هر سال گزارشی با عنوان «شاخص جهانی نوآوری» منتشر می کند که در آن بر اساس داده های هر کشور، وضعیت نوآوری را در آن کشور اندازه گیری کرده و رتبه کشورها را بر اساس این شاخص در فهرست ۱۳۲ کشور اعلام می کند. در گزارش سال ۲۰۲۱ این سازمان، رتبه ایران در تولید دانش ۱۴ و در به کارگیری دانش ۱۱۷ است. این در حالی است که در کشوری مانند آمریکا رتبه تولید دانش ۳ و رتبه به کارگیری دانش، ۱۷ است. یا در کشوری مثل ژاپن رتبه تولید دانش ۱۱ و رتبه به کارگیری دانش، ۳ است. همان طور که بررسی جداول این گزارش نشان می دهد، در بیشتر

موضوع باشد.

از اصول اولیه علم اقتصاد تناسب عرضه و تقاضا است. عرضه جایی صورت می گیرد که تقاضا وجود داشته باشد. چنانچه دانش تولید شده منجر به تولید محصول و یا خدمتی شود که نیاز بازار نباشد و یا قابل رقابت در بازار نباشد، طبیعی است که قابل عرضه و یا به عبارتی قابل تجاری سازی و اشتغال آفرینی نباشد. به عبارتی ما با دو دسته از تولید دانش مواجه هستیم: الف) تولید دانش هایی که نیاز بازار نیست و در پژوهشکده ها و موسسات تحقیقاتی تولید و در ویتترین ها و پستوهای آن ها بایگانی می شوند و فقط کاربرد ارائه بصورت مقالات علمی را دارند.

ب) تولیدات علمی که اگر چه محصولات آن ها نیاز بازار بوده و یا می تواند باشد، اما یا بازار هنوز برای جذب این کالاها مهیا نیست و یا محصولات تولیدی، قابلیت رقابت در بازار را نداشته و سرمایه گذاری آن ها با ریسک بالا و در مواقع زیادی بدون توجیه است.

متاسفانه سیاست های بعضا متناقض در ایجاد و راه اندازی بازارهای صنعت انرژی های تجدیدپذیر، نتوانسته سرمایه گذاران را برای حضور جدی و دامنه دار در این بازارها جذب نماید و به تبع آن محصولات دانش بنیان وابسته نیز فاقد سرمایه گذار گردیده و در حد نمونه اولیه و در آزمایشگاه ها محبوس مانده اند

در این گفتار تمرکز بر دسته دوم تولیدات علمی فوق الذکر خواهد بود، فلذا لازم است در این خصوص به دو مقوله بپردازیم: ۱. محصولات دانش بنیانی که مورد نیاز بازارهای بالقوه در صنعت برق ایران هستند و بدلیل عدم بالفعل شدن این بازارها، این محصولات نیز قابلیت عرضه و رقابت در بازارهای مربوطه را نیافته اند. مثال بارز این بازارها، صنعت انرژی های تجدیدپذیر است. متاسفانه سیاست های بعضا متناقض در ایجاد و راه اندازی این بازارها، نتوانسته سرمایه گذاران را برای حضور جدی و دامنه دار در این بازارها جذب نماید و به تبع آن

محصولات دانش بنیان وابسته نیز فاقد سرمایه گذار گردیده و در حد نمونه اولیه و در آزمایشگاه ها محبوس مانده اند.

۲. محصولات دانش بنیانی که اگرچه بازارهای بالفعلی دارند، اما بدلیل زیادی در رقابت با محصولات وارداتی موفق نیستند و سرمایه گذاری روی آن ها را با ریسک و مخاطرات زیادی همراه کرده است. اهم این دلایل عبارتند از:

- انتظار کیفیت بالاتر از نمونه های مشابه خارجی و سخت گیری های بسیار زیاد در تست ها و پیاده سازی استانداردهای بین المللی. (گاهها در تست محصولات دانش بنیان داخلی، انتظار نتایجی فراتر از نتایج محصولات مشابه با برندهای معتبر و شناخته شده بین المللی وجود دارد)
- انتظار گارانتی های طولانی مدت نسبت به نمونه های مشابه وارداتی. (در حال حاضر که با تحریم های ظالمانه بین المللی مواجه هستیم، اکثر کالاهای وارداتی فاقد گارانتی و خدمات پس از فروش رسمی می باشند)

• انتظار قیمت بسیار پایین تر از نمونه های مشابه وارداتی. (در شرایط فعلی که اقتصاد صنعت برق دچار ناترازی و بدهی سنگین گردیده و حجم مناقصات و تقاضاهای مرتبط کاهش یافته، طبیعتا حجم تولید محصولات دانش بنیان مورد نیاز نیز در حدی نیست که بتواند با افزایش تیراژ تولید، با قیمت های پایین قابل عرضه گردد)

• انتظار شرایط پرداخت اعتباری در مقایسه با خریدهای نقدی نمونه های مشابه خارجی. (در حال حاضر که تحریم ها شرایط باز کردن LC و خریدهای اعتباری را بسیار محدود نموده، اکثر کالاهای وارداتی بصورت خرید نقدی تامین می شوند)

• و دلایل دیگری که در حوصله این مجال نمی گنجد.

وقتی سخن از حمایت صنایع دانش بنیان و توسعه فناوری های دانش بنیان مطرح می شود، بازنگری در چرایی عدم تبدیل دانش به محصول و یا عدم ورود محسوس و جدی محصولات دانش بنیان به بازارها الزامی خواهد بود.

این حمایت ها می تواند در اتخاذ تصمیم های جدی و باثبات در بالفعل نمودن بازارهای ارزنده و بالقوه ای باشد که به تبع راه اندازی آنها، بازار محصولات مرتبط دانش بنیان و اشتغال آفرین را هم رونق خواهد بخشید. همچنین در حوزه بازارهای فعال، این حمایت های می تواند از جنس معقول نمودن شرایط عرضه و رقابت این محصولات در مواجهه با نمونه های وارداتی آن ها باشد. تا تولیدکننده دانش بنیان قدرت تولید اولیه را کسب نموده و از محل درآمد و تجربه حاصله بتواند توان و محصول خویش را ارتقا داده و به سطح انتظارات بازار برساند ■

در سال جاری با طرح شعار «سال تولید؛ دانش بنیان و اشتغال آفرین» موضوع دانش بنیان ها با شدت و وسعت بیشتری وارد فضای گفت‌وگوی عمومی و سیاست‌گذاری کشور شده است و هر یک از دستگاه‌های اجرایی و دولتی برای تحقق این شعار، سیاست‌هایی تدوین خواهند کرد. اما سوالی که برای فعالان حوزه نوآوری و صنعت برق و در نهایت انرژی کشور مطرح بوده، این است که آیا «بوروکراسی وزارت نیرو» می‌تواند «زیست‌بوم نوآوری» در بخش نیرو را به گونه‌ای سامان دهد که شرکت‌های دانش بنیان در این بخش جهش یابند؟ بنابر دلایلی که در ادامه این نوشتار طرح خواهد شد، به نظر نمی‌رسد چشم‌انداز روشنی برای توسعه دانش بنیان‌های بخش انرژی در پیش رو باشد.



ناکارآمدی نظام حکمرانی وزارت نیرو

حدود دو دهه و طی سه برنامه توسعه و تغییر سه وزیر، وزارت نیرو هنوز نتوانسته مهم‌ترین مسائل نهادی صنعت برق مانند نظام رگولاتوری و قیمت‌گذاری برق را برطرف کند. به نحوی که این صنعت حدود ۸۰ هزار میلیارد تومان بدهی انباشته دارد و با کمبود برق و خاموشی‌های سیستماتیک مواجه است. در واقع نظام بوروکراتیکی که نتوانسته حیاتی‌ترین مساله این صنعت یعنی نظام مدیریت بازار برق را به‌رغم در اختیار داشتن اختیارات تام ناشی از قانون سازمان برق (مصوب ۱۳۴۶) برطرف کند، آیا می‌تواند مسائل پیچیده‌تری مانند جایگزینی اقتصاد محصول محور را با اقتصاد دانش بنیان راهبری کند؟ از همین رو دستگاه بوروکراتیک وزارت نیرو نشان داده که در حل مسائل چند دهه گذشته از ارائه راهکار سیاستی مقبول که بتواند اجماع دستگاه‌های اداری و حاکمیتی کشور را شامل شود ناتوان بوده است. بنابراین این نظام بوروکراتیک برای ساماندهی اقتصادی مبتنی بر دانش که نیازمند بسیج نظام نهادی پیچیده‌تر است، آمادگی لازم را ندارد.

یکی از پیش‌نیازها و الزامات ایجاد اقتصاد دانش بنیان در بخش برق و انرژی، ریسک‌پذیری زنجیره ارزش و نظام مالی حاکم بر شرکت‌های سمت تقاضا است. این درحالی است که جریان اصلی مالی بازار صنعت برق و انرژی از طریق شرکت‌های دولتی تابعه و وابسته وزارت نیرو به گردش درمی‌آید و از مشخصه‌های اصلی این شرکت‌های وابسته نیز «ریسک‌گریزی» است. در نتیجه این ریسک‌گریزی، مقررات و رویه‌های حاکم بر نظام خرید این شرکت‌ها به نحوی است که تمامی خطرات به‌کارگیری محصولات بر عهده عرضه‌کنندگان است و به دلیل شکاف رقابتی بین شرکت‌های ایرانی و چندملیتی و رهبری بازارهای جهانی، این مجموعه‌ها نمی‌توانند روبه‌های مبتنی بر کنترل‌های پیشین، یعنی

پیچیدگی نوآوری در بخش برق و انرژی

گواهی‌های استاندارد فنی را که بر اساس ویژگی‌های محصولات جهانی تدوین شده است به دلیل هزینه‌های بالا و عدم دسترسی در داخل، اخذ کنند. در نتیجه شرکت‌های دانش بنیان و نوپای داخلی بر اساس مقررات حاکم که به نظر منطقی است، امکان ورود به بازار بزرگ این صنعت را ندارند. این در حالی است که رقابت با محصولات شرکت‌های تراز اول، نیازمند ریسک‌پذیری سمت تقاضای محصولات دانش بنیان یعنی شرکت‌های تابعه وزارت نیرو برای به‌کارگیری محصولات فناورانه در چارچوب ظرفیت‌های فنی و اقتصادی کشور بوده است. از آنجا که ۹۰ درصد بازار محصولات این بخش محدود به شرکت‌های وزارت نیرو بوده، عملاً این شرکت‌ها نمی‌توانند از سد نظام فنی - بازرگانی شرکت‌های دولتی برای تجاری‌سازی محصولات خود بگذرند و در حد ساخت نمونه‌های آزمایشگاهی و غیرصنعتی باقی می‌مانند.

نوآوری و توسعه فناوری در بخش برق و انرژی به دلیل نیاز به تجهیزات آزمایشگاهی گران‌قیمت که تامین آنها برای شرکت‌های فناور نوپا و دانش بنیان عموماً غیراقتصادی و دشوار است، نیازمند حمایت نهادهای تحقیقاتی ملی و عمومی است، به نحوی که این شرکت‌ها بتوانند به تجهیزات آزمایشگاهی نهادهایی مانند پژوهشگاه نیرو دسترسی ارزان و سریع داشته باشند. در واقع توسعه اقتصاد دانش بنیان نیازمند تحقیق و توسعه مشترک بخش دولتی و بخش خصوصی در یک بستر حقوقی انعطاف‌پذیر است. این در حالی است که در ساختارهای فعلی و نظام حاکم بر اداره این نهادها، امکان دسترسی ارزان و سریع به تجهیزات آزمایشگاهی برای انجام پروژه‌های تحقیق و توسعه مشترک وجود ندارد. در نتیجه شرکت‌های دانش بنیان و هسته‌های فناور کوچک، به رغم برخورداری از منابع انسانی نخبه و در تراز استانداردهای جهانی، نمی‌توانند بسیاری از فناوری‌های مورد نیاز را توسعه دهند. در نتیجه شرکت‌های متکی به فناوری‌های خارجی و در سطح تولید و مونتاژ در داخل رشد می‌کنند و شرکت‌های با فناوری نوآورانه یا شکل نمی‌گیرند یا توان رقابت با محصولات فناورانه شرکت‌های بین‌المللی را نخواهند داشت.

نوآوری مالی

از آنجا که سرمایه‌گذاری در توسعه فناوری‌های جدید و خلق محصولات دانش بنیان دارای ماهیت جسورانه و ریسکی است، نیازمند ابزارهای مالی نوینی در نظام تامین مالی بوده که فضای مناسب برای پوشش ریسک‌های سرمایه‌گذاری را فراهم کند و این مهم، تنها با «نوآوری مالی» در ایجاد ابزارهای مالی مانند قراردادهای اختیار معامله فناوری ممکن است. در حال حاضر، زیست بوم نوآوری کشور در سطح کلان و در بخش نیرو به‌طور خاص فاقد ظرفیت‌های حقوقی برای توسعه این ابزارها و به کارگیری آنها است. در واقع نظام تامین مالی متکی بر ارائه وام و تسهیلات غیرریسکی باعث می‌شود سرمایه‌های بخش خصوصی برای خلق فناوری‌های پرریسک و سرمایه‌بر وارد نشوند و بسیاری از محصولات و فناوری‌های مورد نیاز به‌رغم وجود بازار قابل قبول، توسعه پیدا نکنند.

اقتصاد یارانه‌ای برق و انرژی

با توجه به نظام اقتصادی بخش برق که حجم زیادی یارانه پنهان را به مصرف‌کنندگان پرداخت می‌کند عملاً بسیاری از فناوری‌های بهینه‌سازی در بخش‌های مختلف، غیراقتصادی است و تا زمانی که اقتصاد کلان بخش برق و انرژی اصلاح نشود و قیمت‌ها به سطح اقتصاد بدون حمایت دولتی نرسد، سرمایه‌گذاری در توسعه فناوری در بیشتر حوزه‌ها غیراقتصادی بوده و امکان تامین مالی آنها از بازار بانکی و سرمایه‌ای کشور وجود ندارد و از آنجا که چشم‌اندازی برای بهبود اصلاح اقتصاد حوزه انرژی دیده نمی‌شود، نمی‌توان انتظار داشت رونق چشم‌گیری در بخش توسعه فناوری‌های این بخش دیده شود.

همچنین نباید فراموش کرد که در حال حاضر حدود ۳۰۰ شرکت دانش بنیان در حوزه برق و انرژی فعال هستند و حدود ۴۰۰ شرکت صنعتی نیز در این بخش محصولات فناورانه تولید می‌کنند این در حالی است که در بخش برق و انرژی سالانه به‌طور متوسط حدود ۵/۱ میلیارد دلار تجهیزات فناورانه وارد می‌شود ■

حال و هوای

خاکستری دانش بنیان‌ها

روابط عمومی سندیکای صنعت برق ایران

نامگذاری سال ۱۴۰۱ به نام «تولید، دانش‌بنیان و اشتغال‌آفرین» که به منظور توسعه تولید دانش محور و ارتقاء نوآوری و خلاقیت در تولیدات ساخت داخل صورت گرفته، می‌تواند نقطه عطف فعالیت شرکت‌های دانش‌بنیان در همه حوزه‌ها باشد. چرا که تجربه نشان داده، سیاست‌ها و رویکردهای کلی دستگاه‌های اجرایی برای یک سال معمولا براساس نامگذاری‌های صورت گرفته، تعیین می‌شوند.

در طول شش ماه گذشته عمده نهادها و سازمان‌های دولتی تصمیمات و سیاست‌های خود را بر توسعه دانش‌بنیان‌ها متمرکز کرده‌اند، اما قطعا ارزیابی میزان اثربخشی این اقدامات نیاز به بررسی‌های دقیق‌تری دارد که در این مجال نمی‌گنجد. در این نگاهت تلاش خواهیم کرد عمده فرصت‌های ایجاد شده برای شرکت‌های دانش‌بنیان صنعت برق را بررسی کرده و امتیازاتی که برای فعالان این حوزه پیش‌بینی شده را مرور کنیم. پیش از آن، اما نباید این مساله را از نظر دور داشت که جایگاه ایران در شاخص جهانی نوآوری اگرچه در طول سال‌های اخیر رو به بهبود بوده، اما همچنان قابل قبول نیست. براساس آمارهای موجود، ایران در سال ۲۰۲۱ رتبه ۶۰ را در حوزه نوآوری کسب کرده که نسبت به جایگاهش در سال ۲۰۱۴ ارتقاء قابل توجهی داشته است.

دانش‌بنیان‌ها در ایران عمر چندان طولانی ندارند، اما توانسته‌اند در طول بیش از یک دهه اخیر که از رویش این نهال نوپا در اقتصاد و صنعت کشور می‌گذرد، توسعه کمی گسترده‌ای را رقم بزنند، به نحوی که امروز بیش از ۷ هزار و ۳۱۲ شرکت دانش‌بنیان در کشور فعالیت کرده و محصولات فناورانه خود را روانه بازار کرده‌اند.

حوزه‌های پیش‌بینی شده برای دانش‌بنیان‌ها شامل ۹ حوزه فناوری در حوزه‌های زیستی، پزشکی، کشاورزی، صنعت، محیط زیست، فناوری نانو از جمله کالاهای و مواد اپتیک و فوتونیک و مواد، قطعات و سامانه‌های وابسته به آن، مواد پیشرفته صنعتی، ساختمانی و ... از جمله فلزات، پلیمرها، کامپوزیت‌ها و سرامیک‌ها، محصولات و تجهیزات پیشرفته ساخت، تولید و آزمایشگاهی و داروهای پیشرفته و همچنین محصولات الکترونیکی و کنترلی از جمله میکروالکترونیک‌ها، قطعات کنترلی، مدارها، سخت‌افزار کامپیوتری و ... است. البته به این فهرست باید نرم‌افزارها و برنامه‌هایی در حوزه فناوری اطلاعات و ارتباطات و

محصولات مرتبط با حوزه مهندسی پزشکی، هوا فضا از جمله پرنده‌ها، ماهواره‌ها و ... را نیز افزود.

لازم به ذکر است که سایر حوزه‌ها و دسته‌بندی‌هایی که کالا و یا خدمات در آن سهمی نداشته، اما فناوری‌های نوین و ظهور ایده‌های نوآورانه در آن‌ها نفوذ کرده مانند ایده‌ها و طرح‌هایی در حوزه نفت و گاز، عمران، حمل و نقل، برق، آب و هوا، معدن کشاورزی، انرژی‌های هسته‌ای و تجدیدپذیر و ... هم می‌تواند به زمره محصولات دانش‌بنیان بپیوندد.

در این میان برق و الکترونیک، فوتونیک و مخابرات یکی از ۹ حوزه فناوری است و در حال حاضر بر اساس آمار معاونت علمی و فناوری ریاست جمهوری بیش از ۱۶۳۰ شرکت دانش‌بنیان در این حوزه ثبت شده است. وزارت نیرو و شرکت توانیر به منظور حمایت سازمان یافته از محصولات و خدمات نوآور و دانش بنیان اعتباراتی را از محل بند «ز» تبصره (۱۵) قانون بودجه ۱۴۰۰ و بند «ط» تبصره (۱۵) قانون بودجه ۱۴۰۱ پیش‌بینی کرده که مشمول شرکت‌هایی است که در حوزه‌های زیر فعالیت می‌کنند:

۱. بهینه‌سازی و مدیریت مصرف انرژی
 ۲. افزایش راندمان و ارتقاء واحدهای نیروگاه‌های حرارتی
 ۳. بهینه‌سازی شبکه‌های تولید و انتقال برق
 ۴. توسعه مولدهای تولید پراکنده و تجدیدپذیر
- بر اساس این بند وزارت نیرو مکلف شده بخشی از منابع حاصل از افزایش بهای برق برخی از صنایع بزرگ را تا سقف ۱۳ هزار میلیارد ریال صرف اعطای تسهیلات خطرپذیر به شرکت‌های دانش بنیان صنعت برق و شرکت‌های فعال در حوزه اصلاح الگوی مصرف انرژی تخصیص دهد.

همچنین طبق آیین‌نامه حمایت از تولید دانش‌بنیان و فناور و اشتغال‌آفرین در صنعت آب و برق، این وزارتخانه مسئولیت حمایت، معرفی و زمینه‌سازی برای حضور شرکت‌های دانش بنیان و فناور مرتبط با صنعت آب و برق در بازارهای خارجی را با همکاری معاونت و وزارت صمت و سازمان برنامه بودجه کشور عهده‌دار شده است.

ضمن اینکه بر مبنای ماده ۸ این آیین‌نامه وزارت نیرو مکلف شده در راستای تخصیص بهینه تسهیلات خطرپذیر موضوع بخشی از بند (ط) تبصره (۱۵) قانون بودجه سال ۱۴۰۱ تا سقف ۲۶ هزار میلیارد ریال به شرکت‌های دانش بنیان و فناور صنعت برق و شرکت‌های فعال درحوزه

اصلاح الگوی مصرف انرژی تخصیص داده و در همین راستا کارگروهی را با ترکیب معاونت علمی و فناوری رییس جمهور، پژوهشگاه نیرو، ساتبا، توانیر و سازمان برنامه و بودجه کشور و با مسئولیت معاونت تشکیل دهد.

بر اساس این آیین نامه، اجرای طرح‌های پیشران در ۱۲ حوزه در دستور کار وزارت نیرو قرار گرفته است. از جمله این حوزه‌ها می‌توان به توسعه بهینه‌سازی آب، برق و ارتقای شاخص‌های محیط زیستی در صنایع کشاورزی و ساختمان، ارتقای بهره‌وری در صنایع کشاورزی و ساختمان، ارتقای بهره‌وری در تولید، انتقال و توزیع آب و برق، افزایش امنیت و تاب‌آوری صنعت آب و برق، بومی‌سازی و خودکفایی، توسعه استفاده از هوش مصنوعی در صنعت آب و برق، هوشمندسازی سنجش داده‌های صنعت آب و برق و داده‌کاوی آمار و اطلاعات مبتنی بر هوش مصنوعی و توسعه سامانه‌های بومی پایش و مدیریت آب و برق اشاره کرد.

همچنین کاهش تلفات تولید، انتقال و توزیع در صنعت آب و برق، انرژی‌های تجدیدپذیر و زنجیره ارزش آن، ذخیره‌سازی انرژی در مقیاس‌های بزرگ و کوچک، توسعه تبادلات انرژی با کشورهای همسایه و توسعه صادرات کالا و خدمات در حوزه‌های آب و برق، بومی‌سازی و تکمیل حلقه‌های مفقوده زنجیره ارزش انرژی‌های تجدیدپذیر و فناوری‌های مربوط به پنل‌های خورشیدی با ساز و کار خرید تضمینی و هوشمندسازی صنعت آب و برق از دیگر محورهای مطروحه برای طرح‌های پیشران حوزه نیرو در آیین نامه حمایت از تولید دانش‌بنیان، فناور و اشتغال‌آفرین در صنعت آب و برق است.

در پژوهشگاه نیرو هم به عنوان یکی از نهادهای متولی توسعه محصولات و شرکت‌های دانش‌بنیان در صنعت برق بسته‌های حمایتی متعددی تدوین شده که طرح "توسعه فناوری‌های کنترل و پایش خوردگی در صنعت برق" یکی از آنهاست. این طرح با هدف جهت‌دهی امکانات و توانمندی‌های موجود و رفع نیازهای واقعی شرکت‌های فعال در تولید و ارائه محصولات و خدمات دانش‌بنیان و نوآورانه در صنعت برق و انرژی در حوزه کنترل و پایش خوردگی و حمایت هوشمندانه و هدفدار از نوآوری‌های متناسب با اولویت‌ها و مزیت‌های نسبی کشور تدوین و پیاده‌سازی شده است.

مجموعه‌ای از اقدامات حمایتی را در قالب بسته‌هایی به

شرح ذیل را در حوزه کنترل و پایش خوردگی در صنعت برق و انرژی برنامه‌ریزی شده شامل مسأله‌یابی و توسعه ایده، تحقیق و توسعه و تجاری سازی محصولات و خدمات دانش‌بنیان و فناورانه است. پژوهشگاه نیرو علاوه بر ترویج و آموزش، آگاه‌سازی تغییرات فن‌آوری و بازار و تامین پژوهشگر، در حوزه تحقیق و توسعه، ارائه خدمات آزمایشگاهی، همکاری پژوهشی مشترک و پوشش ریسک تحقیقات را نیز در دستور کار دارد. این نهاد همچنین در قالب طرح مذکور از مسیر استانداردسازی، ارائه خدمات تامین مالی، خدمات بازاریابی و حمایت از صادرات، به تجاری‌سازی محصولات و خدمات دانش بنیان و فناورانه کمک می‌کند.

صندوق نوآوری و شکوفایی هم خدمات مختص به خود را برای دانش بنیان‌ها دارد که در این خصوص معاون تسهیلات و تجاری‌سازی این صندوق در مصاحبه‌ای که اواخر مرداد ماه سال جاری در روزنامه دنیای اقتصاد به نشر رسیده، از حمایت ۷ هزار میلیارد تومانی از شرکت‌های دانش بنیان صنعت برق خبر داده و عنوان کرده بود: «در راستای تحقق شعار «تولید؛ دانش‌بنیان و اشتغال آفرین» در سال ۱۴۰۱، برنامه ویژه‌ای با حمایت وزارت نیرو و شرکت توانیر برای کمک به تولید محصولات (کالا و خدمت) دانش‌بنیان شرکت‌های صنعت برق و شرکت‌های فعال در حوزه اصلاح الگوی مصرف تدارک دیده شده است. بر همین اساس، مبلغ ۷ هزار میلیارد ریال منابع توسط وزارت نیرو و شرکت توانیر برای اعطای تسهیلات به شرکت‌های دانش‌بنیان صنعت برق در اختیار صندوق نوآوری و شکوفایی قرار گرفته است و این صندوق برنامه‌های حمایتی را در پنج سرفصل «تکمیل و ارتقای محصولات دانش‌بنیان»، «توسعه زیرساخت‌های تولید محصولات دانش‌بنیان»، «تامین سرمایه در گردش مورد نیاز تولید محصولات دانش‌بنیان»، «تحریک تقاضا و توسعه بازار محصولات» و «توسعه فعالیت‌های شتاب‌دهی و مراکز نوآوری» تدارک دیده است.»

با وجود همه فرصت‌های پیش‌بینی شده، اما نمی‌توان این مساله را از نظر دور داشت که اصلی‌ترین پیش‌نیاز ایجاد اقتصاد دانش‌بنیان در بخش برق و انرژی، ریسک‌پذیری زنجیره ارزش و نظام مالی حاکم بر شرکت‌ها در سمت تقاضا است. روزنامه دنیای اقتصاد در یادداشتی به نقل از معاون پژوهش و برنامه‌ریزی سندیکای صنعت

برق ایران با تاکید بر اینکه جریان اصلی مالی بازار صنعت برق و انرژی از طریق شرکت‌های دولتی تابعه و وابسته وزارت نیرو به گردش درمی‌آید و از مشخصه‌های اصلی این شرکت‌های وابسته نیز «ریسک‌گریزی» است، عنوان کرده که «در نتیجه این ریسک‌گریزی، مقررات و رویه‌های حاکم بر نظام خرید این شرکت‌ها به نحوی است که تمامی خطرات به‌کارگیری محصولات بر عهده عرضه‌کنندگان است و به‌دلیل شکاف رقابتی بین شرکت‌های ایرانی و چندملیتی و رهبری بازارهای جهانی، این مجموعه‌ها نمی‌توانند رویه‌های مبتنی بر کنترل‌های پیشین، یعنی گواهی‌های استاندارد فنی را که بر اساس ویژگی‌های محصولات جهانی تدوین شده است به دلیل هزینه‌های بالا و عدم دسترسی در داخل، اخذ کنند. در نتیجه شرکت‌های دانش‌بنیان و نوپای داخلی بر اساس مقررات حاکم که به نظر منطقی است، امکان ورود به بازار بزرگ این صنعت را ندارند.»

متاسفانه فضای کسب و کار در کشور فضای مناسبی نیست؛ موانع و مشکلات بسیار زیادی برای فعالان اقتصادی وجود دارد و رتبه ما در فضای کسب و کار در دنیا رتبه مناسبی نیست که این مشکلات برای همه شرکت‌ها وجود دارد، اما برای شرکت‌های دانش‌بنیان و استارت‌آپ‌ها شاید بیشتر هم باشد! به خاطر اینکه این شرکت‌ها ایده‌های نوآورانه‌ای دارند و باید سریع فعالیت خود را انجام دهند و شاید "زمان" عامل شکست آن‌ها باشد. از این رو فضای کسب و کار کشور، مجوزها و دستورالعمل‌ها باید ساده شده و تصمیم‌گیری‌های شبانه‌ای بدون درنظر گرفتن فعالان اقتصادی صورت می‌گیرد، متوقف شود.»

در حقیقت شرکت‌های دانش‌بنیان علیرغم تمام فرصت‌ها، تسهیلات و حمایت‌های تعریف شده، همچنان با موج بزرگی از مشکلات مواجهند که بر اساس اعلام اتاق بازرگانی تهران می‌توان آن‌ها را در پنج محور شامل «ارائه تسهیلات برای بیمه کارکنان شرکت‌های دانش بنیان نوع یک»، «استفاده از ظرفیت تشکل‌های تخصصی برای ارزیابی شرکت‌های دانش‌بنیان که توسط معاونت علمی و فناوری رئیس جمهوری صورت می‌گیرد»، «ایجاد کریدور سبز واردات برای مواد اولیه شرکت‌های دانش‌بنیان پس از تایید معاونت علمی و فناوری رئیس جمهور»، «کوتاه‌کردن زمان فرآیند تایید گواهی ثبت آماری در بانک مرکزی و استفاده از ابزارهای ماده ۷ گمرکی

به‌جای سپرده ۳۵ درصدی» و در نهایت «استفاده از نظرات بخش‌خصوصی در تصمیم‌گیری‌ها و به‌طور مشخص در تدوین آیین نامه‌های قانون جهش تولید دانش‌بنیان» خلاصه کرد.

در این میان فعالان حوزه دانش‌بنیان هم کندی روند پذیرش شرکت‌های دانش‌بنیان در سامانه معاونت علمی و فناوری، تشخیص دانش‌بنیان بودن یا نبودن شرکت‌ها با معیارهای سلیقه‌ای و نبود معیارهای شفاف و علمی برای تعیین محصولات دانش‌بنیان را از دیگر چالش‌های عدیده این حوزه دانسته‌اند.

مشکلات ناشی از فضای بوروکراتیک حاکم بر معاونت علمی و فناوری و گاه‌ا عدم پاسخگویی صندوق‌های نوآوری و شکوفایی هم از جمله مسائلی است که از سوی شرکت‌های دانش بنیان به عنوان گرفتاری‌های این حوزه مطرح می‌شود.

در همین راستا رئیس مجمع تشکل‌های دانش‌بنیان در یکی از گفتگوهایش عنوان کرده بود که «متاسفانه فضای کسب و کار در کشور فضای مناسبی نیست؛ موانع و مشکلات بسیار زیادی برای فعالان اقتصادی وجود دارد و رتبه ما در فضای کسب و کار در دنیا رتبه مناسبی نیست که این مشکلات برای همه شرکت‌ها وجود دارد، اما برای شرکت‌های دانش‌بنیان و استارت‌آپ‌ها شاید بیشتر هم باشد! به خاطر اینکه این شرکت‌ها ایده‌های نوآورانه‌ای دارند و باید سریع فعالیت خود را انجام دهند و شاید "زمان" عامل شکست آن‌ها باشد. از این رو فضای کسب و کار کشور، مجوزها و دستورالعمل‌ها باید ساده شده و تصمیم‌گیری‌های شبانه‌ای بدون درنظر گرفتن فعالان اقتصادی صورت می‌گیرد، متوقف شود.»

واقعیت این است که طبق تجربه سال‌های گذشته، نامگذاری سال‌ها اگر چه تمرکز سیاستگذاری را بر موضوعات توسعه محور کلان تسهیل می‌کند، اما متاسفانه عمده این سیاست‌ها در اجرا به بن بست می‌رسند و فاقد کارایی لازم برای اثربخشی‌های مستمر و طولانی مدت هستند. به همین دلیل قوانین، آیین نامه‌ها و دستورالعمل‌های موثر و کارآمد هم در نگاه مقطعی و بخشی دستگاه‌های اجرایی تضعیف شده و کارکردهای خود را از دست می‌دهند. در نهایت باز هم هزینه این اقدامات مقطعی، کوتاه مدت و غیرمستمر بر دوش بخش خصوصی خواهد بود. ■

صفحه

صفحه



سندیکای صنعت برق ایران
Iran Electrical Industry Syndicate

درباره



سندیکا

بر همین اساس می‌توان گفت که ارزیابی تشکلهای اقتصادی یکی از نخستین الزامات تعیین رویکرد سازمان‌های بالادستی نظیر اتاق بازرگانی ایران در تعامل با تشکلهای به شمار می‌آید. طراحی یک مدل استاندارد که امکان ارزشیابی جامع و متناسب با ابعاد مختلف مدیریت تشکلهای را فراهم آورد، پیش‌شرط اجرای طرح رتبه‌بندی تشکلهای اقتصادی ایران محسوب می‌شود. از این‌رو ارزیابی هدفمند و قاعده‌مند تشکلهای کسب‌وکار نیازمند بهره‌گیری از یک چارچوب نظری استاندارد و استناد به الگویی قابل توسعه به منظور تعیین مولفه‌های اصلی، شاخص‌ها و در نهایت تعریف شاخص‌های ارزیابی است. یکی از جامع‌ترین مدل‌های مفهومی موجود که از قابلیت تبیین و تشریح محورهای کلیدی و ماموریت‌های اصلی سازمان‌های میانجی از جمله تشکلهای اقتصادی برخوردار است، مدل اشمیتر و استریک است که به‌خوبی بیانگر ماهیت کارکردی این دسته از سازمان‌هاست. بر مبنای مدل مذکور تشکل کسب‌وکار و عضو محور باید به‌گونه‌ای عمل کند که علاوه بر اینکه به‌منظور تامین منابع مورد نیاز و پایداری سازمانی خدمات ویژه‌ای به اعضا ارائه کند، باید بتواند مشوق‌های قانع‌کننده‌ای به نهادهای حاکمیتی با تاکید بر سازمان‌های دولتی ارائه کند تا قابلیت اعمال نفوذ و تاثیرگذاری بر تصمیمات و سیاست‌های کلان دولتی را داشته باشد. این منطق مبادله در مدل مذکور در دو وجه «منطق عضویت» و «منطق نفوذ» قابل تحلیل است موفقیت در تحقق این اهداف، وابسته به برخورداری از نوعی «عقلانیت اداری» و «عقلانیت نمایندگی» است.

بر این اساس سازمان‌های کارفرمایی غیردولتی به‌منظور ایفای موثر نقش میانجی‌گری بین دولت و بخش خصوصی، پایداری سازمانی و تداوم عملکرد متوازن، باید ماموریت‌های خود را در حوزه‌های کلیدی «حکمرانی»، «عضویت»، «خدمات»، «تنظیم‌گری» و «تاثیرگذاری بر سیاست‌ها» تعریف کرده و تمامی سیاست‌ها و برنامه‌های اجرایی را معطوف به تحقق این ماموریت‌ها کنند.

در مدل ارزیابی، تشکلهای بر اساس نتایج نهایی تشکلهای عضو اتاق ایران در شش دسته اصلی، سطح‌بندی می‌شوند.

سطح‌بندی تشکلهای اقتصادی	تعریف
A+	دارای جایگاه «مرجعیت دانشی» در حوزه کاری مربوطه
A	دارای بلوغ سازمانی و جایگاه تثبیت شده در صنعت
B	دارای دبیرخانه حرفه‌ای و برخوردار از فرآیندهای سازمانی تعریف شده
C	برخوردار از ساختارهای اولیه و نیازمند بهبود فرآیندها
D	نیازمند اصلاحات اساسی جهت ایجاد ساختار تشکلی
Not Rated (NR)	هنوز از الزامات اولیه فعالیت‌های تشکلی، برخوردار نیستند

تکرار رتبه

A+

برای سندیکا

چرا سندیکا بهترین ماند؟

سندیکای صنعت برق ایران در آخرین ارزیابی اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران برای سومین سال متوالی به عنوان برترین تشکل اقتصادی کشور برگزیده و رتبه A+ را کسب کرد. واقعیت این است که بررسی روند این ارزیابی و شاخص‌های رتبه‌بندی اتاق، مسیر تشکلهای را برای افزایش ضریب نفوذ و اثربخشی در سیاست‌های کلان مرتبط با حوزه فعالیتشان هموار کرده و روش‌های پی‌ریزی فعالیت اثربخش را برای آنها روشن‌تر می‌کند.

وضعیت سندیکا در مولفه تاثیرگذاری بر سیاست‌ها

سرشت اصلی شکل‌گیری تشکل‌های اقتصادی و صنفی تاثیرگذاری بر فرآیند سیاست‌گذاری کشور است. باوجود گذشت بیش از ۱۰۰ سال از شکل‌گیری انجمن‌ها و تشکل‌های اقتصادی در شکل مدرن، همچنان تشکل‌های اقتصادی بخش خصوصی تاثیرگذاری متمایزی بر فرآیند سیاست‌گذاری کلان و ملی ندارند. کسب جایگاه موثر در طراحی و تصویب و اجرای سیاست‌ها ممکن نیست مگر با طرح مشکلات، ضرورت‌ها، موانع و وضعیت بنگاه‌ها در شاخه‌های مختلف کسب‌وکار در عرصه عمومی. مادامی‌که نیازها و خواسته‌های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و ... شاخه‌های مختلف کسب‌وکار در گستره عمومی و در منظر سیاست‌گذاران قرار نگیرد و اهمیت آنها مورد پذیرش اکثریت قرار نگیرد در دستور کار سیاست‌گذاران نیز نخواهد بود و یا به‌سختی و با هزینه‌های بسیار بالا قرار می‌گیرد. مولفه تاثیرگذاری بر سیاست‌ها دارای هفت معیار «کسب کرسی در نهادهای تصمیم‌گیری و حاکمیتی»، «شناسایی و ارتباط با سایر NGO ها و نهادهای»، «ارتباط با دولت»، «ارتباط با مجلس شورای اسلامی»، «ارتباط با رسانه»، «تلاش برای اصلاح آئین‌نامه‌ها/ بخش‌نامه‌ها و یا قانون» و «نقش و مشارکت تشکل در تشکل‌های بالادستی»، است که وضعیت سندیکا در این مولفه «عالی» ارزیابی شده است.

معیارها	وضعیت
کسب کرسی در نهادهای تصمیم‌گیری و حاکمیتی	عالی
شناسایی و ارتباط با سایر NGO و نهادها	بسیار خوب
ارتباط با دولت	عالی
ارتباط با مجلس شورای اسلامی	عالی
ارتباط با رسانه	عالی
تلاش برای اصلاح آئین‌نامه/ بخش‌نامه و یا قانون	عالی
نقش و مشارکت تشکل در تشکل‌های بالادستی	عالی
برآیند	عالی

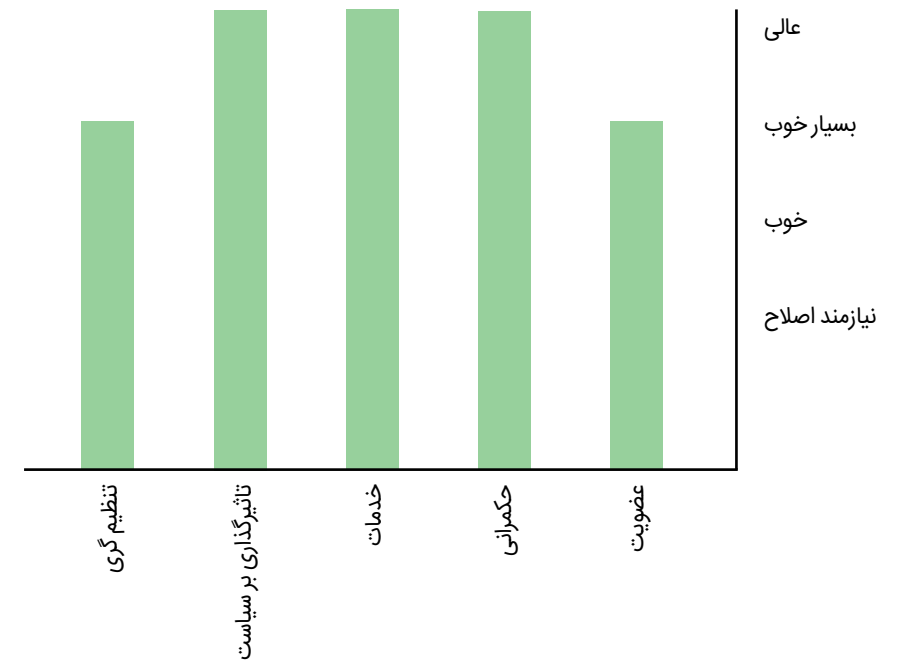
وضعیت سندیکا در مولفه عضویت

قدرت و نفوذ تشکل‌های اقتصادی و کارفرمایی در عرضه سیاست‌گذاری نسبت قابل‌توجهی با تعداد اعضا و کیفیت آنان دارد. هرچه تعداد اعضا بالاتر حوزه و دامنه نفوذ تشکل بیشتر می‌شود. لذا تعداد اعضا مبنای مشروعیت و قدرت‌یابی تشکل‌های اقتصادی محسوب می‌شود. مولفه عضویت دارای هفت معیار «میزان مشارکت شرکت‌های بزرگ صنعت در تشکل»، «سازوکار نظرسنجی مستمر از اعضا»، «ارزیابی داخلی و دسته‌بندی اعضا»، «نسبت اعضای دارای کارت به‌کل اعضا»، «روند تغییر تعداد اعضا»، «تهیه پکیج معرفی و راهنمای عضویت در تشکل» و «میزان پوشش و عضویت تعداد فعالین صنعت» است که وضعیت سندیکا در این مولفه «بسیار خوب» ارزیابی شده است.

وضعیت سندیکا در مولفه‌های اصلی ارزیابی

همان‌طور که در جدول زیر مشاهده می‌شود، رتبه سندیکا در پنج مولفه حکمرانی، عضویت، خدمات، تاثیرگذاری بر سیاست‌ها، تنظیم‌گری بر اساس ارزیابی اتاق بازرگانی ایران A+ است.

مولفه	وضعیت
حکمرانی	عالی
عضویت	بسیار خوب
خدمات	عالی
تاثیرگذاری بر سیاست	عالی
تنظیم‌گری	بسیار خوب
رتبه	A+



معیارها	وضعیت
میزان مشارکت شرکت‌های بزرگ صنعت در تشکل	عالی
سازوکار نظرسنجی مستمر از اعضا	عالی
ارزیابی داخلی و دسته‌بندی اعضا	عالی
نسبت اعضای دارای کارت به‌کل اعضا	مطلوب
روند تغییر تعداد اعضا	عالی
تهیه پکیج معرفی و راهنمای عضویت در تشکل	عالی
میزان پوشش و عضویت تعداد فعالین صنعت	بسیار خوب
برآیند	بسیار خوب

وضعیت سندیکا در مولفه حکمرانی

مولفه حکمرانی دارای یازده معیار «سیستم و روش تامین مالی تشکل»، «مجمع عمومی و اساسنامه»، «مدیریت و منابع انسانی»، «کمیته‌ها و کمیسیون‌ها»، «ارتباط با اعضا»، «روابط عمومی»، «بانک‌های اطلاعاتی»، «فناوری و اطلاعات»، «مسئولیت اجتماعی»، «برنامه‌ریزی و استراتژی» و «ساختار سازمانی و زیرساخت» است که وضعیت سندیکا در این مولفه «عالی» ارزیابی شده است.

معیارها	وضعیت
سیستم و روش تامین مالی تشکل	بسیار خوب
مجمع عمومی و اساسنامه	بسیار خوب
مدیریت و منابع انسانی	عالی
کمیته‌ها و کمیسیون‌ها	عالی
ارتباط با اعضا	عالی
روابط عمومی	عالی
بانک‌های اطلاعاتی	عالی
فناوری و اطلاعات	عالی
مسئولیت اجتماعی	عالی
برنامه‌ریزی و استراتژی	عالی
ساختار سازمانی و زیرساخت	عالی
برآیند	عالی

وضعیت سندیکا در مولفه خدمات

آنچه تشکل‌ها پیش از ورود به بحث خدمات باید بدان توجه نمایند ارتباط معناداری است که بین خدمات و خروجی اصلی تشکل‌ها یعنی تاثیرگذاری بر دولت‌ها و سیاست‌گذاری‌ها وجود دارد و سرمایه‌گذاری در حوزه خدمات و ایجاد زیرساخت‌های لازم، زمینه‌ساز ورود سه منبع قدرت اعم از پول، نیروی انسانی ماهر و جذب اعضای بیشتر به تشکل‌هاست. بنابراین ارائه خدمات اساس رشد و توسعه تشکل‌ها می‌باشد. مولفه خدمات دارای هفت معیار «خدمات آموزشی»، «خدمات پژوهشی»، «خدمات مشاوره‌ای و فنی، مهندسی»، «خدمات نمایشگاهی، همایش و پاورپوین»، «جذب/اعزام هیات تجاری و تاثیرگذاری بر کشور بازارهای هدف»، «خدمات زیرساختی» و «گسترده‌گی جغرافیایی»، است که وضعیت سندیکا در این مولفه «عالی» ارزیابی شده است.

معیارها	وضعیت
خدمات آموزشی	عالی
خدمات پژوهشی	عالی
خدمات مشاوره‌ای و فنی، مهندسی	عالی
خدمات نمایشگاهی، همایش و پاورپوین	عالی
جذب/ اعزام هیات تجاری و تاثیرگذاری بر کشور بازارهای هدف	عالی
خدمات زیرساختی	عالی
گسترده‌گی جغرافیایی	عالی
برآیند	عالی

وضعیت سندیکا در مولفه تنظیم‌گری

ایفای نقش تنظیم‌گری و جهت‌دهی به مطالبات بخش خصوصی در راستای پیاده‌سازی سیاست‌های کلان دولت، یکی از ماموریت‌های اصلی تشکل‌هاست. انجام وظایف مرتبط با این حوزه نقشی تعیین‌کننده در ارتباط و تعامل با دولت‌ها خواهد داشت. مولفه تنظیم‌گری دارای سه معیار «مرجع بودن تشکل در ارزیابی کیفی بنگاه‌ها»، «مرجع بودن استعلام از سمت نهادهای مرتبط خارجی» و «مرجع بودن استعلام از سمت نهادهای داخلی» است که وضعیت سندیکا در این مولفه «بسیار خوب» ارزیابی شده است.

معیارها	وضعیت
مرجع بودن تشکل در ارزیابی کیفی بنگاه‌ها	عالی
مرجع بودن استعلام از سمت نهادهای مرتبط خارجی	نیازمند اصلاح
مرجع بودن استعلام از سمت نهادهای داخلی	عالی
برآیند	بسیار خوب



حمایت از ساخت داخل



علی تیبانیان | معاون فنی و امور کمیسیون‌ها و کمیته‌های سندیکای صنعت برق ایران

حمایت از ساخت داخل در طول بیش از چهار دهه پس از انقلاب، همواره به عنوان یکی از سیاست‌های کلیدی حوزه صنعت و اقتصاد کشور دنبال شده و در این حوزه قوانین، آیین‌نامه‌ها و مصوبات متعددی ابلاغ و اجرایی شده است. در این میان قانون حداکثر استفاده از توان تولیدی و خدماتی کشور و حمایت از کالای ایرانی یکی از مهمترین و موثرترین قوانینی است که برای محافظت از ظرفیت‌های سازندگان داخلی پیاده‌سازی شده و بر اساس آن واردات کالاهایی که مشابه آن در داخل کشور ساخته می‌شود، ممنوع اعلام شده است.

قانون مذکور از سال ۱۳۹۸ بطور جدی برای حمایت از سازندگان تجهیزات صنعت برق نیز مورد استفاده قرار گرفته اما ویژگی‌های منحصر به فرد صنعت برق موجب شده است که اجرای این قانون در سال‌های اخیر رضایتمندی مناسب را در میان صاحبان این صنعت بوجود نیاورد چرا که تجهیزات مورد استفاده در این صنعت پیچیدگی‌های گسترده‌ای دارد و برخلاف دیگر صنایع، صدور حکمی کلی در خصوص وضعیت ساخت داخل یک طیف از تجهیزات، پروژه‌های ملی را با چالش مواجه می‌کند. این پیچیدگی عمدتاً ناشی از تفاوت جزئیات مشخصات فنی هر دسته از محصولات است. بطوریکه تنوع و کمیت در حوزه مشخصات فنی، صرف نظر از کیفیت موجب می‌شود قضاوت در خصوص استفاده از آنها در پروژه‌ها چالش‌برانگیز باشد.

به همین دلیل است که حمایت از ساخت داخل در صنعت برق باید به شکلی انعطاف‌پذیر انجام شود، به نحوی که جلوگیری از واردات یک کالا به توقف پروژه‌های زیرساختی ملی منجر نشود و یا آزاد کردن واردات آن تضعیف و یا افول سازندگان داخلی را به دنبال نداشته باشد. از این رو شاید بهترین راه حل این است که مشخصات فنی تجهیزات خاص هر پروژه به شکل دقیق بررسی و با توانمندی ساخت داخل تطبیق داده شود و در نهایت تصمیم‌گیری در خصوص تامین تجهیزات آن از داخل یا واردات صورت گیرد.

البته نباید از این مساله هم چشم پوشید که در برخی از پروژه‌ها مشخصات فنی مندرج در اسناد مناقصه به شکلی تعیین می‌شود که امکان تامین آنها در داخل وجود نداشته و دست کارفرما برای واردات آن تجهیزات باز باشد. درحقیقت بعضی از کارفرمایان دولتی از این مسیر راه را برای واردات برخی از تجهیزات هموار می‌کنند.

در همین راستا و به منظور سازماندهی حمایت از سازندگان داخلی و تسهیل روند واردات تجهیزاتی که در داخل کشور موجود نیست، سندیکای صنعت برق تعامل سازنده‌ای را با وزارت صمت شکل داده است. بطوری‌که با تلاش‌ها و پیگیری‌های صورت گرفته در حال حاضر بخش قابل توجهی از استعلامات ساخت

داخل از مسیر سندیکا انجام می‌شود و این تشکل نقطه نظرات تخصصی و فنی خود را در خصوص استعلام‌های ساخت داخل به وزارت صمت و سازمان‌های زیرمجموعه آن در کلیه استان‌های کشور اعلام می‌کند.

در این میان نکته‌ای که نباید از نظر دور داشت این است که موضوع ممنوعیت واردات از دو مسیر مختلف دنبال می‌شود. مسیر اول مربوط به مصوبه هیات وزیران است که هر نوع تغییری در آن نیازمند بررسی و تصویب مجدد این هیات است. در کنار این مصوبه، وزارت صمت نیز ممنوعیت‌های مرتبط با واردات تجهیزات و کالاهایی را که مشابه ساخت داخل دارند، به صورت مستقل تدوین و ابلاغ می‌کند. این اقدام به طور معمول از طریق کارتابل فنی این وزارتخانه دنبال می‌شود، به این ترتیب که یک کد تعرفه به کارتابل فنی ارجاع داده می‌شود و تصمیم‌گیری نهایی بر اساس نتیجه استعلام‌های انجام شده از مراجع مورد وثوق نظیر سندیکای صنعت برق صورت می‌گیرد.

یکی دیگر از اقدامات سندیکای صنعت برق ایران، شناسایی و احصاء فهرست تجهیزاتی است که با مشخصات فنی متعدد به تعداد قابل توجهی ثبت سفارش و وارد می‌شوند. ما تلاش کردیم آمار مربوط به واردات این دست از تجهیزات را احصاء و اطلاعات مربوط آنها را تجمیع کنیم. در نهایت بر اساس این آمار و اطلاعات تلاش شده است سازندگان انواع مشابه این نوع تجهیزات که عمدتاً فاقد پیچیدگی‌های خاص فنی هستند، به سرمایه‌گذاری و تولید آن ترغیب شوند.

در نگاهی کلی باید گفت که سندیکای صنعت برق ایران همواره حمایت از تجهیزاتی که با کیفیت و کمیت کافی در داخل تولید می‌شود را در دستور کار داشته و این موضوع در ساختار و ارکان اساسی سندیکا که شامل کمیسیون حمایت از ساخت داخل و کمیسیون تخصصی سازندگان تجهیزات است، کاملاً هویداست. با توجه به این مهم، سندیکا همواره موضوع حمایت از ساخت داخل را به عنوان یکی از رویکردهای اصلی خود دنبال کرده و تلاش می‌کند در کنار این اقدامات به منظور جلوگیری از توقف پروژه‌های ملی به همراه وزارت صمت و به عنوان یکی از مراجع مورد تایید این وزارتخانه، نظرات تخصصی خود را جهت تعیین وضعیت ساخت داخل و نیازهای وارداتی کشور به طور دقیق اعلام کند.

در پایان ذکر این نکته هم ضروری است که سندیکا تشکیل اتاق مشترک با وزارت صمت را مطابق با دستور معاون صنایع ماشین‌آلات و تجهیزات وزارت صنعت، معدن و تجارت به شکل جدی دنبال می‌کند تا از این مسیر مشکلات شرکت‌های عضو به شکلی سازمان یافته و مدون دنبال شود ■

سامانه

کسب و کار

خدمات

نوین سندیکا

Services.ieis.ir



متین وکیلی | مدیر سامانه کسب و کار سندیکای صنعت برق ایران، عضو کانون وکلای دادگستری

یکی از مهمترین و اصلی‌ترین معضلات صنعت برق، مطالبات معوق شرکت‌ها از کارفرمایان دولتی و خصوصی است، در این میان اگرچه ابعاد بحران بسیار گسترده است، اما موضوعی که کمتر مورد توجه قرار می‌گیرد، دلایلی است که فراتر از مسائل تکراری مطروحه، عامل بروز این چالش محسوب می‌شوند.

به عبارت ساده‌تر، لازم است پس از سال‌ها تداوم مساله بدهی‌های معوق کارفرمایان به سازندگان، پیمانکاران، مشاوران و تامین‌کنندگان، این سوال را مطرح کنیم که آیا ریشه این بدهی‌ها تنها کسری بودجه صنعت برق است؟ مطمئناً پاسخ این سوال منفی است. چرا که در استمرار یک بحران فراگیر مانند انباشت بدهی‌ها، عوامل بسیار دست به دست هم داده تا فعالان طیف‌های مختلف صنایع برقی را به نحوی دچار کمبود منابع مالی کرده که ناگزیر شده‌اند پروژه‌های خود را به تعویق بیندازند. در حقیقت به نظر می‌رسد استفاده از شیوه‌های قدیمی دریافت و پرداخت یکی از عواملی است که در نهایت منجر به تعویق در پرداخت از سوی کارفرما می‌شود. از این رو اصلاح این شیوه‌های سنتی احتمالاً می‌تواند تا حدی به حل این مساله کمک کند، هر چند به نظر می‌رسد این اقدام زمانبر بوده و پیاده‌سازی آن در طولانی مدت امکانپذیر باشد.

به بیان ساده باید گفت که حتی اگر در ابتدای کار تغییرات جزئی و بنیادین در شیوه‌های دریافت و پرداخت پروژه‌های صنعت برق کلید زده شود، باز هم اثربخشی این تغییرات در قراردادهای جدید و تطابق آن با عرف مورد پذیرش فعالان این صنعت، مشمول یک مدت زمان مشخص خواهد شد و تأثیرات این تحولات در یک پروسه کوتاه مدت قابل لمس

نخواهد بود. ضمن اینکه قطعاً چالش‌های ناشی از محدودیت‌ها و تحریم‌های بین‌المللی هم به مشکلات این حوزه دامن زده و حل مسائل قراردادی را دشوارتر کرده است.

با این وجود باید پذیرفت که نیمی از چالش‌های فعالان صنعت برق به ویژه در حوزه قراردادهای آنها با اصلاح قراردادهای مذاکره و پیگیری مستمر قابل حل است و می‌توان آن را در قالب رایزنی‌های سازمان یافته دنبال کرد. اما آنچه که نسبت به قراردادهای جاری اهمیت بیشتری دارد، مساله انعقاد بهینه‌تر قراردادهای آتی به منظور جلوگیری از استمرار چالش‌های فعلی و تکرار آن‌ها در آینده است. بدون تردید تا زمانی که تمام تعهدات طرفین در قالب ساختارهای تکراری و رویه‌های اداری سنتی و معمولاً خسته‌کننده ادامه یابد، در بهبود شرایط پیشرفتی حاصل نخواهد شد و استمرار این روند مصداق بارز همان ضرب‌المثل قدیمی است که "روز از نو روزی از نو".

نکته کلیدی دیگری که نباید از نظر دور داشت این است که در شرایط کنونی شیوه‌های متداول اداری، پاسخگوی مسائل امروز نیست. چرا که حجم قابل توجه اطلاعات و فعالیت‌های امروز صنعتگران برق، به هیچ عنوان با آنچه در گذشته رخ می‌داد، شباهتی ندارد. قاعدتاً سرعت و سهولت دسترسی به اطلاعات و نیازمندی‌ها به تناسب پیشرفت تکنولوژی بیشتر شده، هر چند قطعاً این دسترسی آسان هم عامل بروز مسائل و مشکلات جدیدی است که گاه برای حل و فصل آن‌ها ناگزیر به صرف زمان و هزینه بیشتری هستیم.

به عنوان مثال حجم کارهای متعددی که امروز یک صنعتگر در حوزه کاری خود با آن مواجه است، نسبت به گذشته بسیار گسترده‌تر است با این وجود امروز این امکان ایجاد شده تا صاحبان کسب و کار از روندهای معمول سیستم اداری سنتی فاصله گرفته و به جای صرف ساعاتی روتین از روز برای انجام امور خدماتی در حوزه‌های مختلف یا اصطلاحاً "کاغذبازی‌های اداری" و برگزاری جلسات، برنامه‌های روزمره شخصی و کاری خود را متناسب با امکانات روزآمد و تکنولوژی‌های در دسترس تغییر دهند.

فراموش نکنیم که پس از شیوع ویروس کرونا، بسیاری از زمانبندی‌ها و نحوه فعالیت‌ها تغییر کرد و عمده ارتباطات فردی و گروهی در قالب ارتباط از راه دور الکترونیکی تبدیل شد و شیوه‌های فعالیت در همه حوزه‌ها به شکلی منعطف تغییر کرد. این تغییر اساسی اگرچه در ابتدا بسیار دشوار و پیچیده به نظر می‌رسید و حتی تا پیش از شیوع کرونا به عنوان روشی برای صرفه‌جویی در زمان و هزینه به آن توجه نمی‌شد، اما در نهایت

به یک روال عادی در ارتباطات کاری و شخصی افراد بدل شد، هر چند قاعدتاً این روش هم مشمول معایب و نقاط ضعفی است، اما به عنوان یک راهکار جدید توانست به سازماندهی کسب و کارها در زمان همه‌گیری ویروس کرونا کمک کند.

از این رو به جرات می‌توان گفت که فعالان صنعت برق در شرایطی که با چالش‌ها و بحران‌های متعددی نظیر عدم پرداخت به موقع مطالبات، خسارات دیرکرد و مسائلی از این دست مواجهند، باید به فکر استفاده از راهبردهای نوین مبتنی بر تکنولوژی باشند.

این حقیقت غیر قابل انکار است که در همه جوامع ساختارهای اداری پیچیدگی‌های خاص خود را دارند و در برخی موارد گرفتار فساد هم می‌شوند، مساله اصلی یافتن شیوه‌های جدید برای انجام بهینه امور در چنین ساختارهایی است. به نظر می‌رسد اصلی‌ترین راه، اصلاح قوانین و مقررات است. قوانین به منظور اصلاح امور و نظم بخشیدن تدوین شده و نباید کارکردی دست و پاگیر در حوزه اقتصاد داشته باشند.

البته منظور از قوانین فقط آن دسته از قواعدی که قانونگذار اصلی یعنی قوه مقننه یک کشور وضع می‌کند، نیست، بلکه بخشنامه‌ها، دستورالعمل‌ها و آیین‌نامه‌های داخلی سازمان، شرکت یا موسسه‌ها را نیز در بر می‌گیرد و با اصلاح هر یک از این موارد می‌توان تا حدی راه را برای پیشبرد اهداف کسب و کارها هموار کرد.

در همین راستا سامانه کسب و کار سندیکای صنعت برق ایران این امکان را برای شرکت‌ها فراهم کرده تا در سایه مشاوره‌های آنلاین حقوقی، علاوه بر پیگیری مشکلات خود در حوزه‌های متعدد مرتبط با موضوعات حقوقی و قضایی، اطلاعات خود را در این حوزه‌ها به روز کنند. این سامانه زمینه دسترسی به اطلاعات موثق حقوقی را برای شرکت‌های عضو سندیکا فراهم می‌کند تا فعالان صنعت برق به صرف گفته‌ها و شنیده‌های عامیانه، باورها و تصورات نادرستی نسبت به دادگستری نداشته باشند. فراموش نکنیم که گاهی مسائل به ظاهر پیچیده حقوقی تنها به دلیل کمبود اطلاعات یا عدم بهره‌وری از یک متخصص، به یک مشکل حاد تبدیل می‌شوند، در حالی که با یک مشورت یا پرس و جوی ساده، قبل از اقدام قضایی، می‌توان بدون اضافه کردن یک پرونده دیگر به دادگستری، با خسارت کمتر یا با احقاق حقوق کامل خود و از همه مهمتر با صرفه‌جویی بیشتر در وقت، موضوع را فیصله داد و سندیکای صنعت برق ایران این امکان را در بخش مشاوره‌های حقوقی سامانه کسب و کار برای همه شرکت‌های عضو خود فراهم کرده است ■

درآینه دانش

برق

انعکاس مقالات تخصصی در نشریات، روشی مناسب و موثر برای به اشتراک گذاشتن دانشی است که می تواند علاوه بر افزایش آگاهی مخاطبان، زمینه را برای به روزآوری اطلاعات مربوط به هر حوزه فراهم کند. در این میان نشریات تخصصی به ویژه نشریات تشکل های اقتصادی مجال مناسب و ارزشمندی برای انعکاس دیدگاه های کارشناسان و صاحب نظران حوزه های مختلف در خصوص موضوعات تخصصی است که شاید اطلاعات دقیق و قابل اتکایی در مورد آنها در دسترس نباشد.

از این رو در این شماره از نشریه ستبران، یک مقاله با موضوع تخصصی حقوقی گنجانده شده است.

گسترهٔ شعاعی قرارداد (بخش دوم)



حمید حسین‌زاده | رئیس کمیسیون حقوقی و قراردادهای سندیکای صنعت برق ایران

برخلاف محیط حقوق خصوصی که مبتنی بر اصله‌الاباحه است، نفوذ حقوقی عمل مأمور دولت (در معنای عام) در قراردادهای ذیل حقوق عمومی، مستلزم طیّ چهار گام استنادی، استدلالی، انضباطی و احتیاطی است. از این‌رو، در راستای تحقّق صحت عمل مستخدم دولت در گام نخست، گسترهٔ شعاعی قرارداد ذیل حقوق عمومی، بایستی در حدود نص (یا مستند به حکم قانون)، تبیین گردد. از این رو با امعان‌نظر به اینکه، قوانین و مقرّرات آمرهٔ مالی و محاسباتی (نظیر قانون برنامه و بودجه، قانون محاسبات عمومی، قانون تنظیم بخشی از مقرّرات ملی دولت، قوانین بودجهٔ سنواتی و ...)، قراردادهای ذیل حقوق عمومی را، با ساختار بودجه‌ای و یا به تعبیری در «قاب بودجه» تعریف می‌کنند، به قید مقدمات حکمت، ناگزیر از تقييد و تفکيک شروط مالی و غیرمالی قراردادهای ذیل حقوق عمومی در تبیین گسترهٔ شعاعی این قراردادها هستیم.

درباب شروط غیر مالی

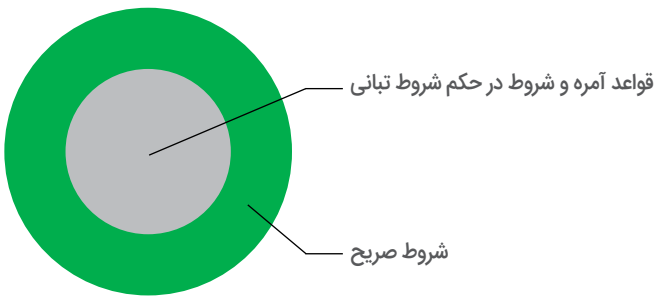
نیک می‌دانیم، اصل بر حاکمیت قواعد حقوق خصوصی است؛ مگر آنکه قواعد حقوق عمومی، مخصّص قواعد پیش‌گفته باشد و دایرهٔ شمول آن را محدود و مضیق نمایند. از این رو، تا حکم محدودکننده‌ای پیرامون شروط غیر مالی، در قوانین مشاهده نشود، گسترهٔ شعاعی قرارداد ذیل حقوق عمومی نیز، مطابق نگارهٔ شمارهٔ یک علی‌الاصول تمام شروط مصرّح و غیرمصرّح غیر مالی را در بر می‌گیرد. این بدان معناست که دستگاه اجرایی و طرف قرارداد وی، می‌توانند سکوت موارد غیرمالی قرارداد ذیل حقوق عمومی را، با رجوع به قواعد آمره، شروط در حکم شروط تبانی، ارتکازات عقلی و شروط ضمنی، در محیط اداره و قبل از رجوع به مرجع قضایی و یا داوری، جبران و تفسیر نمایند.^۱

درباب شروط مالی

همانطور که پیش‌تر بیان شد، قرارداد ذیل حقوق عمومی، با شاخص و سنگ محک «بودجه»^۲ تعریف و ردیابی می‌شود. از این‌رو، گسترهٔ شعاعی قرارداد در قاب بودجه و خارج از قاب بودجه، متفاوت است. به عبارت دیگر، گسترهٔ شعاعی قرارداد ذیل حقوق عمومی در محیط اداره (دستگاه اجرایی)، با گسترهٔ شعاعی همان قرارداد در مرجع قضایی و یا داوری، متفاوت است. دلیل این امر، وجه تمایز ماهیت زایش تعهد مالی در حقوق خصوصی (به مجرّد انعقاد قرارداد)^۳ و حقوق عمومی (به مجرّد انجام قرارداد) ، همچنین لزوم وجود جواز قانونی درج تعهد در قرارداد است.

نتیجتاً، گسترهٔ شعاعی قرارداد ذیل حقوق خصوصی، در بر گیرندهٔ تعهدات مالی ناشی از ارتکازات عقلی و شروط ضمنی است و آن‌ها را

۱. نظر به وجود فرآیند ارجاع با رویکرد کارکردی (نه سلیقه‌ای) و علی‌الاصول، به عنوان عقدی مستقل در قراردادهای ذیل حقوق عمومی، شروط مندرج در اسناد فرآیند ارجاع، شروط در حکم شروط تبانی (نه شروط تبانی) عقد مستقل لاحق (پیمان) است.
۲. سلب و اسقاط حقّ استناد به توافقات پیش از عقد در حقوق عمومی، سالبه بآنتفاء موضوع است؛ چه اینکه در تعارض میان مفادّ اسناد فرآیند اجرا (پیمان) و مفادّ اسناد فرآیند ارجاع (مناقصه) ذیل حقوق عمومی، توافق مقدّم (نه موخّر) - یعنی مفادّ اسناد فرآیند ارجاع - به عنوان شرط در حکم شرط تبانی یا بنایی، ملاک عمل است.
۳. «بند ۵» ذیل «ماده ۱» قانون برنامه و بودجه: بودجه عمومی دولت - منظور بودجه‌ای است که در آن برای اجرای برنامه سالانه منابع مالی لازم پیش‌بینی و اعتبارات جاری و عمرانی‌دستگاههای اجرایی تعیین می‌شود.
۴. «ماده ۱۹» قانون محاسبات عمومی: تعهد از نظر این قانون عبارت است از ایجاد دین بر ذمه دولت ناشی از: الف. تحویل کالا یا انجام دادن خدمت؛ ب. اجرای قراردادهایی



نگارهٔ شمارهٔ ۲- دامنهٔ قرارداد ذیل حقوق عمومی

ناظر به موارد مالی و در محیط اداری

داخل در عقد و قابل استناد برای طرفین عقد می‌نماید. لیکن، گسترهٔ شعاعی قرارداد ذیل حقوق عمومی، از حیث موارد مالی تا زمانی که جریان عقد، محصور در محیط اداره است و طرفین به مرجع قضایی و یا داوری رجوع ننموده‌اند، محدود به قواعد آمره، شروط در حکم شروط تبانی و شروط صریح است. به عبارت دیگر، طرفین قرارداد ذیل حقوق عمومی، در محیط اداره، اساساً حقّ مطالبه مالی غیر از آنچه به صراحت در قوانین و مقرّرات آمره، شروط در حکم شروط تبانی و یا در متن قرارداد آمده باشد را ندارند.^۴ ناگفته نماند مطابق قاعده، «اثبات شیء نفی ما عداء نمی‌کند»، فقدان حقّ مطالبهٔ مالی موصوف در محیط اداری، نافى استحقاق ذاتی نیست. به بیان دیگر، در استحقاق طرف معامله از باب ارتکازات و شروط ضمنی در عالم ثبوت، تردیدی نیست، لیکن محیط اداری، مانع مطالبهٔ آن می‌گردد. لذا با گذر از محیط اداری به قضایی و یا داوری، مطابق قاعدهٔ «اذا زال المانع عاد الممنوع» و زوال مانع، حقّ مطالبه برای ذی‌حق، مستقر می‌گردد. در واقع در محیط اداره، اعمال نظارت ذی‌حساب بر پرداخت‌ها، بر مبنای دین یا منابع تعهد در حقوق عمومی (شروط صریح قرارداد منبعث از قوانین و مقرّرات دولتی) است، نه بر مبنای منابع تعهد ذیل حقوق خصوصی (ارتکازات و شروط ضمنی).^۵ به بیان ساده‌تر، ذی‌حساب، به درستی و موافق قوانین آمره، قرارداد ذیل حقوق عمومی را در قاب بودجه (و به عنوان یک بخشنامهٔ مالی)، نه در قاب قواعد عمومی (به عنوان یک قرارداد تمام عیار)، تلقّی می‌نماید.

با توضیحات فوق، گسترهٔ شعاعی قرارداد ذیل حقوق عمومی از حیث موارد مالی، مطابق نگارهٔ شمارهٔ دو، محدود به قوانین و مقرّرات آمرهٔ مرتبط با قرارداد، شروط در حکم شروط تبانی و شروط مصرّح قرارداد است و طرفین حقّ استناد به ارتکازات و شروط ضمنی را در محیط اداره ندارند.

بدیهی است با گذر از محیط اداری به محیط قضایی و یا داوری، گسترهٔ شعاعی قرارداد ذیل محیط عمومی از حیث مالی نیز، وسعت یافته و ارتکازات و شروط ضمنی را نیز در بر می‌گیرد؛ فلذا قاضی و یا داور می‌توانند تعهدات مالی منبعث از ارتکازات و شروط ضمنی را به نفع ذی‌حق، مورد لحوق حکم قرار دهند اگر چه، در قراردادی شرط صریحی ناظر به آن امر مالی، نبوده و ذی‌حق نیز، حقّ مطالبهٔ آن را در محیط اداره نداشته است. احکام صادر شده از مراجع قانونی و ذیصلاح، موضوع «بند ج» ذیل «ماده ۱۹» قانون محاسبات عمومی، موید همین امر است و احدی از افراد آن، ناظر به موارد مالی است که متن قرارداد در رابطه با پرداخت، ساکت و قابلیت پرداخت در محیط اداره فراهم نبوده، لیکن مرجع رسیدگی بر اساس مبانی گسترهٔ شعاعی قرارداد، دین را شناسایی و حکم به پرداخت آن، صادر نموده است. برای نمونه، می‌توان به سکوت شرط خسارت تأخیر در تأدیه در شرایط عمومی پیمان رایج (نشریهٔ ۴۳۱۱) اشاره کرد که در محیط اداری، قابلیت مطالبهٔ آن از سوی طرف قرارداد نسبت به دستگاه اجرایی و مالاّ ثبت سند مالی آن در اداره میسر نیست؛ ولی به کزّات، از سوی ذی‌حق در مرجع قضایی و یا داوری، مطالبه شده و مورد لحوق حکم، قرار گرفته است. ■

که با رعایت مقررات منعقد شده باشد؛ ج. احکام صادر شده از مراجع قانونی و ذیصلاح؛ د. پیوستن به قراردادهای بین‌المللی و عضویت در سازمان‌ها یا مجامع بین‌المللی با اجازه قانون.

۵. به عنوان نمونه، «ماده ۲۸» قانون محاسبات عمومی، اشعار می‌دارد پیش پرداخت عبارت است از پرداختی که از محل اعتبارات مربوط بر اساس احکام و قراردادهای طبق مقررات پیش از انجام تعهد صورت‌می‌گیرد. از باب دفع دخل مقدّر، بیان می‌شود که خصوصیتی از حیث مستند بودن پرداخت به احکام و قراردادهای مأذون از مقرّرات برای موضوع پیش‌پرداخت نیست که قابلیت تسرّی به سایر پرداخت‌ها در ساختار دولتی را نداشته باشد.

۶. «ماده ۹۰» قانون محاسبات عمومی: اعمال نظارت مالی بر مخارج وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی و شرکت‌های دولتی از نظر انطباق پرداخت‌ها با مقرّرات این قانون و سایرقوانین و مقررات راجع به هر نوع خرج، به عهده وزارت امور اقتصاد و دارایی است.



نقش آفرین در حوزه نیرو



شرکت سرمایه‌گذاری صنایع برق و آب‌میا ۱۳۹۴

تلفن: ۰۲۱-۸۲۷۶۰۳۷ | فکس: ۰۲۱-۸۲۷۶۰۳۸

ایمیل: info@sabainv.com | سایت: www.sabainv.com



سندیکای صنعت برق ایران
Iran Electrical Industry Syndicate

خیر مقدم به اعضای جدید

به گزارش واحد عضویت
سندیکای صنعت برق ایران با پیوستن

۱۴

شرکت جدید در سه ماهه دوم سال ۱۴۰۱
به خانواده سندیکا، تعداد اعضای
این تشکل به

۶۰۸

عضو رسید.

- بهین رهاورد پاسارگاد
- بهین انرژی صنعت مهم شرق منطقه آزاد چابهار
- بازرگانی اطلس سرام کویر
- تعمیرات انتقال برق بوتیا نیرو استان کرمان
- ثمین سیم سپاهان
- سامان برق سپهران
- تجهیزات سیستم زمین
- ایران پلاتین
- تولیدی آمیزه‌های پلیمری ابهر
- خراسان پیچ جلیل
- مهندسی گرد آسیا
- سندروس صنعت
- فروزان انرژی نوین آروین
- خدمات برق صنعتی کاسپین مدار

کابل ابهر؛

پیشرو در صنعت سیم و کابل ایران



www.abharcable.com

تهران، خیابان خرمشهر، شماره ۶۴ | ۰۲۱۸۱۹۳۰۰۰۰